

بنده خدا

سید محمد
علی لاریجانی

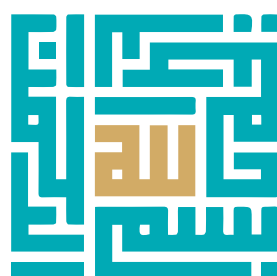
بزرگداشت سیاستمدار حکیم ایران
شهید علی لاریجانی

اردیبهشت ۱۴۰۵

گزارش آیین



جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی



گزارش آیین بزرگداشت سیاستمدار حکیم ایران شهید علی لاریجانی

اردیبهشت ۱۴۰۵

زیر نظر: نیکنام حسینی پور؛ مشاور وزیر و رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
هیات تحریریه: سیده فاطمه میرغیاثی - حمزه سلمانی
امیرحسین عابدینی - علی مظاهری
گروه چندرسانه ای: معین باقری - اسحاق باقری
سیدعلی شاکری

اصل تجدید پیمانی بود با راه و مرام مردی که تا آخرین لحظه بر «ظفر در پیش است» پای فشرد.

آنچه در این اوراق مختصر پیش روی شماست، کوششی است برای ثبت و ضبط پاره‌ای از آنچه در آن مجلس بر زبان‌ها گذشت. بخش نخست، متن‌های ویرایش‌شده سخنرانی‌هایی است که در تکریم او ایراد شد. بخش‌های دیگر شامل گفت‌وگوهایی با تنی چند از متفکران و صاحب نظرانی است که از زوایایی دیگر به کارنامه و ابعاد ناپیدای شخصیت شهید لاریجانی پرداخته‌اند و همچنین پیام‌های تسلیتی که بزرگان برخی از کشورهای دوست و همپیمانان ما در جبهه مقاومت در رثای او نوشتند و در نهایت نیز گزیده‌ای از تصاویر او در رویدادهای مختلف فرهنگی و برخی از اسناد مرتبط با ایشان است.

در پایان باید گفت که شهدای جنگ تحمیلی سوم (جنگ رمضان) هر یک برگ زرینی در تاریخ سرخ ایران زمین بوده و هستند. میان اصحاب شهید قائد شهید امت حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (قدس سره) شهید علی اردشیر لاریجانی یکی از درخشان‌ترین مدیران حکیم تاریخ ایران زمین است. اگر در فردای عالم که این روزهای سخت گذشته و آرامش حاکم شده است، کسانی خواستند بدانند که در این برهه بر ایران عزیز ما چه گذشت، اوراق این دفتر می‌توانند روایت کنند که بودند مردانی که در عالی‌ترین سطوح مسئولیت، جان بر کف گرفتند، از هیچ امر دشواری نهراسیدند و در مسیر سربلندی این ملت، به درجه رفیع شهادت رسیدند. ثبت این روایت، امانتی است بر دوش ما. باشد که این یادنامه، هرچند ناچیز، گوشه‌ای از آن امانت را ادا کرده باشد.

نیکنام حسینی‌پور
مشاور وزیر و رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نامی که ماند؛ در سوگ مردی از جنس عقل و اقدام

شهید والامقام علی اردشیر لاریجانی از آن دسته شخصیت‌های نادری بود که در میان وجوه متعدد شخصیتی وحدتی کم‌نظیر در عملکرد از خود به نمایش گذاشت. او هم سیاست‌مدار بود و هم فیلسوف، هم یک مدیر ارشد نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و هم دانشوری دینی. زمانی در عالی‌ترین سطوح مدیریت بود و گاهی نیز به دلیل برخی کج سلیقگی‌ها کنج عزلت را اختیار کرد و زمانی که در عالی‌ترین منصب‌ها بود، همیشه اهل گفت‌وگو بود و انتقادپذیر و تصمیمات کلان را با مشورت با عقلا و متخصصان می‌گرفت و زمانی نیز که سمتی نداشت در دانشگاه دل در گرو پرورش دانشجویان داشت و بدون هیچگونه گله‌ای به آینده فرهنگ این خاک مقدس می‌اندیشید.

آنچه همه این وجوه را در هم می‌آمیخت و به آنها جان می‌بخشید دو خصلت برجسته بود: نخست «تسلیم عاقلانه در برابر حق»؛ او هیچ‌گاه اسیر جزم‌اندیشی نشد و هر کجا که تعقل و خردمندی راهی دیگر نشان می‌داد، بی‌هراس از سرزنش سرزنش‌گران به آن راه می‌رفت و دوم «داشتن ایده‌های اجرایی برای خروج از بن‌بست‌های کلان». او همیشه برای خروج نظام از بن‌بست‌ها به ایده‌هایی کاملاً اجرایی می‌رسید و آنها را پیشنهاد می‌کرد و به همین دلیل هم از جمله مدیران تراز انقلاب اسلامی ایران بود.

رژیم سفاک صهیونیستی که سال‌هاست خیال خام نابودی ایران را در سر می‌پروراند، یکی از راهبردهای جنگی خود در دو جنگ گذشته را ترور متفکران، دانشمندان و مدیران کارآمد نظام قرار داده است. شهید علی لاریجانی دقیقاً از همان سنخ شخصیت‌هایی بود که دشمن نمی‌توانست حضور مؤثر و اندیشه‌نافذ او را در صحنه مدیریت کلان کشور تحمل کند. این دشمن قسم خورده ایران می‌پنداشت که با حذف فیزیکی چنین شخصیتی، می‌تواند چراغ اندیشه و تدبیر را در این مملکت خاموش کند اما غافل از آنکه خون شهدا، مشعل افروز کاروانی است که هرگز توقف نمی‌پذیرد.

اما پس از شهادت این بزرگمرد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وظیفه خود دانست تا در مجلسی یاد او را که در اوج کارایی و تأثیرگذاری، به درجه رفیع شهادت نائل آمد، گرامی بدارد. جنگ رمضان، آن سان که دشمنان تصور می‌کردند نه ایران را از پای درآورد و نه ملت را خسته کرد؛ چه رسد به آنکه شخصیتی چون لاریجانی را از میدان به در کند. برعکس ترور و در نتیجه شهادتش، او را به اسطوره‌ای ماندگار بدل ساخت. این مجلس یادبود در



شهید علی لاریجانی؛ مردی از جنس تدبیر و فرهنگ که فراتر از سیاست ایستاد

دوازدهمین روز از دومین ماه بهار ۱۴۰۵ همزمان با بزرگداشت روز معلم و در میانه آتش بسی شکننده، تالار وحدت از آیینی میزبانی می‌کرد که بیش از هر چیز پاسداشت نامی ماندگار بود؛ بزرگداشت استادی که در واپسین روزهای جنگ رمضان به مقام شهادت نائل آمد و در عرصه سیاست و فرهنگ و فلسفه چیره‌دست بود. آیینی که بیش از سوگواری، به روایت یک میراث می‌ماند. گرمی‌داستی برای بزرگداشت شهید علی لاریجانی؛ نامی که در حافظه سیاست، فرهنگ و مدیریت ایران با عقلانیت و تدبیر گره خورده است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، علی جنتی وزیر اسبق فرهنگ، آیت‌الله سید مصطفی محقق داماد، علی‌اکبر صالحی رئیس بنیاد ایران‌شناسی، معاونان وزارت فرهنگ، مدیران فرهنگی، اصحاب رسانه و چهره‌های دانشگاهی نیز در این آیین حضور داشتند؛ ترکیبی که خود نشان می‌داد این نام، در چندین ساحت مختلف اثر گذاشته است.

تالار وحدت؛ سکوتی که شکل گرفت

در فضای داخلی تالار، نورپردازی ملایم و چینش رسمی و ساده صحنه حالتی از وقار و اندوه را ایجاد کرده بود. تصویر بزرگ شهید لاریجانی در مرکز صحنه نقطه کانونی نگاه‌ها بود؛ تصویری که هر از گاه سکوت سالن را به خود می‌کشاند.

از همان لحظه ورود به تالار وحدت حال و هوای مراسم از جنس دیگری بود. در سالن انتظار و راهروهای منتهی به سالن اصلی، رفت‌وآمد آرام و سنگین چهره‌هایی دیده می‌شد که هر یک به‌نحوی با سال‌های حضور و فعالیت شهید علی لاریجانی نسبت داشتند. خبرنگاران و عکاسان در سکوتی حرفه‌ای، قاب‌هایی از ورود مهمانان، مکث‌ها، نگاه‌ها و سلام‌ها و احوال‌پرسی‌ها را ثبت می‌کردند؛ تصاویری که خود به بخشی از روایت مراسم تبدیل شده بود.

در میان حاضران، محمدرضا عارف؛ معاون اول رئیس‌جمهور، در کنار سخنگوی دولت، محمدحسین صفارهرندی؛ وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی، سیدمحمد حسینی؛ وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزرای علوم، جهاد کشاورزی و دادگستری دیده می‌شدند. سیدعباس صالحی



بازخوانی زندگی، اندیشه و مدیریت شهید دکتر علی لاریجانی در یادنامه «بند خدا»

کتاب «بند خدا؛ یادنامه چهلمین روز عروج شهید دکتر علی لاریجانی» اثری مستند و یادمانی است که با هدف بازخوانی زندگی، اندیشه و میراث علمی و مدیریتی یکی از چهره‌های برجسته سیاسی و فکری معاصر ایران تدوین شده است. این مجموعه به کوشش رسول جعفریان و محمدمهدی معراجی گردآوری شده و در واقع حاصل جمع‌آوری بیانیه‌ها، پیام‌ها، مقالات، خاطرات و یادداشت‌های شخصیت‌های علمی، سیاسی و فرهنگی درباره شهید دکتر لاریجانی است.

این کتاب در فضایی شکل گرفته که هم‌زمان با شهادت ایشان، موجی از واکنش‌ها در میان مراجع تقلید، مسئولان عالی‌رتبه کشور، استادان دانشگاه و چهره‌های فرهنگی منتشر شده بود. در نتیجه، اثر حاضر صرفاً یک زندگینامه یا روایت شخصی نیست بلکه تصویری چندلایه از جایگاه شهید لاریجانی در ساختار فکری و اجرایی کشور ارائه می‌دهد؛ از مسئولیت‌های مهم در حوزه رسانه ملی و شورای عالی امنیت ملی تا نقش او در مجمع تشخیص مصلحت نظام و دیگر نهادهای کلیدی.

ساختار کتاب شامل بخش‌هایی مانند زندگینامه، احکام و مسئولیت‌های رسمی، پیام‌های تسلیت مراجع و مسئولان، مقالات تحلیلی درباره اندیشه و رویکرد مدیریتی او و همچنین دل‌نوشته‌ها و روایت‌های شخصی نزدیکان و همکاران این شهید و الامقام است. یکی از محورهای پررنگ این یادنامه، تأکید بر «عقلانیت، اعتدال و مدیریت در شرایط پیچیده سیاسی» به عنوان ویژگی برجسته شخصیت اوست.

در کنار این بخش‌ها، کتاب تلاش می‌کند تصویری انسانی‌تر از شهید دکتر لاریجانی ارائه دهد؛ فردی که علاوه بر جایگاه سیاسی، در نگاه دوستان و همکارانش چهره‌ای اهل گفت‌وگو، اندیشه‌ورز و متعهد به منافع ملی بوده است. همین ترکیب نگاه رسمی و خاطره‌محور، اثر را به یک سند فرهنگی-سیاسی تبدیل کرده که هم برای پژوهشگران علوم سیاسی و هم برای علاقه‌مندان تاریخ معاصر ایران قابل توجه است.

«بند خدا» را می‌توان یک یادنامه جامع دانست که فراتر از سوگ‌نامه تلاش دارد تصویری مستند از نقش و تأثیر یک شخصیت کلیدی در تحولات سیاسی و مدیریتی کشور ارائه دهد و در عین حال، بخشی از حافظه جمعی یک دوره تاریخی را ثبت کند.

پیش از آغاز رسمی مراسم همه‌ای آرام در سالن جریان داشت. صدای گفت‌وگوهای کوتاه و سلام‌وعلیک‌ها در میان ردیف‌های منظم صندلی‌ها شنیده می‌شد اما با آغاز برنامه و تلاوت آیاتی چند از قرآن کریم و خاموش شدن تدریجی نورهای جانبی، کم‌کم نگاه‌ها به سمت صحنه چرخید و تالار وحدت در سکوتی هماهنگ فرو رفت؛ سکوتی که بیش از هر سخن از وزن مراسم خبر می‌داد.

«سیاستمدار حکیم ایران» روی پرده

پخش کلیپ «سیاستمدار حکیم ایران» یکی از لحظات مرکزی این آیین بود. تصاویری از سال‌های فعالیت دکتر لاریجانی از مدیریت‌های کلان سیاسی تا حضور در عرصه‌های فرهنگی، پشت سر هم روایت می‌شد. در میان این تصاویر، صحنه‌هایی از حضور او در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و برنامه‌های فرهنگی، وجهی کمتر دیده‌شده از شخصیتش را آشکار می‌کرد.

در ادامه همین کلیپ نیز بخش‌هایی از سخنان رهبر شهید انقلاب امام خاتمه‌ای (قدس سره) درباره شهید آمد. در آن لحظات، سالن در سکوتی کامل فرو رفته بود؛ سکوتی که بیشتر شبیه تأمل بود تا تماشای یک ویدئو.

«بند خدا»؛ یک نام، یک روایت

در ادامه این آیین از کتاب «بند خدا؛ یادنامه چهلمین روز عروج شهید دکتر علی لاریجانی» نیز رونمایی شد؛ اثری به کوشش دکتر رسول جعفریان و حجت‌الاسلام والمسلمین محمدمهدی معراجی. این کتاب، در امتداد همان تلاش برای ثبت و روایت یک چهره چندبعدی شکل گرفته است؛ نه فقط به‌عنوان سیاستمدار بلکه به‌عنوان انسانی که در تقاطع علم، فرهنگ و اندیشه ایستاده بود. نسخه‌های کتاب در برابر دید حاضران قرار گرفت و نگاه‌ها برای لحظاتی بر عنوان آن مکتب کرد؛ عنوانی ساده، اما سنگین از معنا.

روایت‌هایی از مردی اهل تدبیر و تأمل

آیت‌الله سید مصطفی محقق داماد در سخنانی از زاویه‌ای کمتر سیاسی به شخصیت او پرداخت؛ «در این میان، علی لاریجانی برای من از جمله افرادی بود که در این سال‌ها گاه در برابر حق تسلیم شد؛ حتی اگر این تسلیم به معنای تغییر صددرصدی برخی از دیدگاه‌های پیشین او بود.»

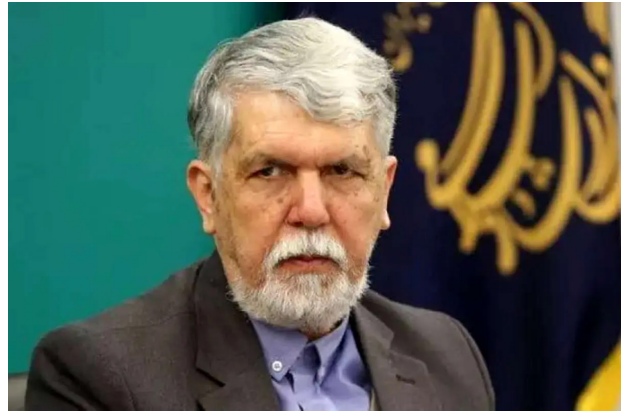
در ادامه نیز علی‌اکبر صالحی تصویری جامع‌تر از او ارائه داد؛ «ایشان از این نظر دولتمرد بود که اهل تعقل، تدبیر و تفکر بود. او اهل عرفان و علم بود؛ تمامی ابعادی که یک انسان را در مقام انسانیت قرار می‌دهد، داشت. علم و دین همانند دو بال سالم یک پرنده هستند و اگر انسان این دو بال سالم را داشته باشد، می‌تواند اوج بگیرد و ایشان هم صاحب علم بود و هم صاحب معرفت، دین و باورمندی.»

تالاری که با یک نام پر شد

آیین بزرگداشت شهید علی لاریجانی بیش از آنکه مراسمی برای یادبود باشد به بازخوانی یک میراث تبدیل شده بود؛ میراثی که در سیاست، فرهنگ و مدیریت هم‌زمان حضور داشت. از نگاه حاضران، شهید علی لاریجانی فقط یک چهره سیاسی نبود؛ این شهید عالی‌قدر شخصیتی چندلایه بود که رد او در حوزه‌های مختلف باقی مانده است.

پایانی که تمام نمی‌شود

آیین که به پایان رسید، صندلی‌ها آرام‌آرام خالی شد. نورهای تالار کم‌رنگ‌تر از قبل بر صحنه افتاده بود و تصویر شهید بزرگوار همچنان در مرکز سالن باقی مانده بود. اما در راهروها و حیاط تالار وحدت گفت‌وگوها ادامه داشت؛ درباره تصمیم‌ها، خاطره‌ها و سال‌هایی که او در متن سیاست و فرهنگ ایستاده بود. و شاید همان‌جا، معنای اصلی این آیین شکل می‌گرفت، بزرگداشت شهید علی لاریجانی نامی که با پایان یک مراسم خاموش نمی‌شود و در حافظه جمعی ادامه پیدا می‌کند.



مجاهدت شهید لاریجانی بدون مزد شهادت ناتمام می ماند

پیام سید عباس صالحی؛ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پی درگذشت شهید علی لاریجانی:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

با اندوهی عمیق، خبر شهادت دانشمند فرهیخته جناب آقای دکتر علی لاریجانی، خادم صادق فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی، بر اثر حمله تروریستی و ناجوانمردانه رژیم جعلی صهیونیستی و آمریکای جنایتکار، قلب همه دلسوزان ایران و انقلاب را به درد آورد.

شهید دکتر لاریجانی از چهره‌های برجسته عرصه علم، فرهنگ و سیاست بودند که یاد و خاطره روزهای خدمت ایشان در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صداوسیما در ذهن اهالی فرهنگ، هنر و رسانه همواره زنده خواهد ماند.

کسانی که شهید دکتر لاریجانی را از نزدیک می‌شناختند، نیک می‌دانند که سال‌ها مجاهدت ایشان در راه جمهوری اسلامی ایران، بدون مزد شهادت، ناتمام می‌ماند. شهادت، پاداش مردانی است که خدمت را نه وظیفه که ایمان خود دانستند و در مسیر عزت و حقیقت، از هیچ تلاشی دریغ نکردند و بدون شک، چنین توصیفات، زینبده شخصیت دانشمندی چون ایشان است.

اکنون آن مجاهد، در جوار رهبر شهید انقلاب، پدر همسر گرمی‌شان استاد شهید مرتضی مطهری و در کنار دوستان شهید دیرینه‌اش، آرام گرفته است؛ و نامش، همچون آثار و اندیشه‌اش، در حافظه فرهنگی این سرزمین ماندگار خواهد ماند.

این ضایعه بزرگ را به رهبر معظم انقلاب، ریاست محترم جمهوری، مردم شریف ایران، جامعه فرهنگی و رسانه‌ای کشور و خانواده مکرم شهید تسلیم می‌گوییم.

خدای شهدا، حافظ ایران و این سرزمین دلیران باشد.»



مقابل حق تسلیم بود و از سرزنش‌ها نمی‌هراسید

متن سخنان آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد؛ عضو پیوسته و رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران بزرگداشت «سیاست‌مدار حکیم ایران، شهید علی لاریجانی؛ بنده خدا عزیز مردم» به شرح زیر است:

شهید علی لاریجانی در امضای خود می‌نوشت: «بنده خدا». فکر می‌کنید این کلمه چه پیامی دارد؟ آیا صرفاً یک تواضع است؟ من این طور فکر نمی‌کنم. «بنده خدا» یعنی مسلمان. علی لاریجانی یک مسلمان واقعی بود. مسلمان یعنی تسلیم به آنچه که حق است؛ تسلیم شدن در مقابل نظریه حق و ایستادن محکم پای آن. این روش ایشان بود: تسلیم در مقابل حق و البته «لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ». یعنی که مسلمان مقابل حق تسلیم است و از سرزنش و نکوهش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نمی‌هراسد. چنین کسی بنده خداست و این عبارت یک تواضع صرف نیست.

این کلمه حتی به کتابی که استاد رسول جعفریان برایش زحمت کشیدند و جناب آقای محمدمهدی معراجی عنوان آن را «بنده خدا» گذاشتند، معنا می‌بخشد: یعنی یک مسلمان، یک نمونه مسلمان. اسلام یعنی تسلیم به حق و پای این تسلیم ایستادن و برای حب شهرت منحرف نشدن. معنای مسلمانی این است که از راه حق برای اینکه گروهی ما را بپسندند، منحرف نشویم.

من به عنوان گوینده‌ای سالخورده که اکنون برای شما صحبت می‌کند، صاحب تجربیاتی در این انقلاب هستم. انقلاب اسلامی ایران از دست کسانی ضربه خورده که شجاعت تسلیم شدن مقابل آنچه را که تعقل و خردمندی اقتضا می‌کند، ندارند. علی لاریجانی برای من کسی بود که در



حیف بود که شخصیت با عظمتی چون علی لاریجانی به شکل عادی از دنیا برود

متن سخنان علی اکبر صالحی؛ رئیس بنیاد ایرانشناسی و وزیر امور خارجه در دولت دهم نیز در این آیین به شرح زیر است:

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «يقولون ان الموت صعب علي الفتى مفارقة الأحباب والله اصعب»؛ می‌گویند مرگ سخت است، ولی به خدا سوگند که مفارقت دوست، سخت‌تر است.

صحبت کردن برای من بسیار دشوار است. نزدیک به چهار دهه از آشنایی من با خانواده محترم لاریجانی می‌گذرد. با برادران ایشان از جمله آقا جواد، زمانی که در آمریکا درس می‌خواند ارتباط داشتم. با خود علی آقا نیز تا همین اواخر پیش از شهادت هر چند هفته یک بار جلسه برگزار می‌کردیم؛ چه پیش از دبیری ایشان بر شورای عالی امنیت ملی و چه پس از آن. پس از دبیری، جلسات ما بیشتر شد.

شنیدن این خبر و دوری یک حبيب و یک دوست واقعی، برای من بسیار تالبار، تاسف‌بار، حزن‌انگیز و اندوه‌بار بود. اما از سوی دیگر، شایسته نبود شخصیتی با این عظمت به شکلی عادی از دنیا برود.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» در جای دیگر نیز می‌خوانیم: «بَلْ أَمْوَاتٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ». این دو آیه را در کنار هم بنگرید. خداوند تعارف نمی‌کند؛ این کلام اوست، کلامی حقیقی. شهیدان زنده‌اند به معنای حقیقی کلمه. در آیه دیگر تأکید شده است: «وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ»؛ یعنی شما درک نمی‌کنید. آنان رزق و روزی می‌گیرند. به همین دلیل می‌گویم که در همین لحظه، آقای لاریجانی نیز حضور دارد. امور فراوانی وجود دارد که ما قادر به درک آنها نیستیم. از لطف خداست که چشم ما همه طیف امواج الکترومغناطیس را نمی‌بیند و فقط قادر به دیدن بخش کوچکی از آن است. اگر می‌دیدیم، اصلاً نمی‌توانستیم راه برویم و وحشت می‌کردیم.

علی لاریجانی به «فوز عظیم» نائل شده است. چه مقامی برتر از این؟ خدایا شهادت را نصیبمان کن، هر چند به دست پست‌ترین دشمنانت.

این چند سال در برخی مواضع گاه صد در صد نسبت به آنچه قبلاً فکر می‌کرد، تغییر کرده بود و دلیل آن هم تسلیم شدنش مقابل حق بود.

حضرت رسول (ص) فرموده‌اند: «أَشَجَّجَ النَّاسِي مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ» شجاع‌ترین مردم کسی است که بر هوای نفسش چیره شود. هرچند که عده‌ای شعار بدهند و سروصدا کنند اما فرد آنچه را که حق دیده به آن عمل کند تا مصالح ملی رعایت شود.

ملت ایران امروز منتظر عده‌ای خردمند است که درباره آنها خردمندانه تصمیم بگیرند و برای این کار از لومة لائم یعنی سرزنش دیگران، نگران نباشند. علی لاریجانی به راهی که ایمان داشت، عمل می‌کرد ولو اینکه منزوی شود و گوشه خانه بنشیند. اطلاع دارم که او هم از دشمن ضربه می‌خورد و هم از دوست. وقتی مزار ایشان رفته بودم و دیدم که آقایی که پیشتر با او دشمنی کرده بود، دسته‌گلی بر مزارش گذاشت و من به خاطر آوردم که چه کرده بود با این «بنده خدا».

«وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم / که در طریقت ما کافری است رنجیدن»

گفته‌اند: «رند عالم سوز را با مصلحت‌بینی چه کار؟» کار ملک است که تدبیر و تامل بایدش. کسی که می‌خواهد چنین سمت‌هایی را برعهده بگیرد باید مصلحت‌اندیش باشد و بر وفق مصالح ملی عمل کند. شرایط ملت را ببیند، مشکلات جهان را درک کند و آنگاه تصمیم بگیرد و برای تصمیم خود از هیچ سرزنشی نگران نباشد.

اساتید بزرگوار، جناب آقای دکتر محمدرضا عارف و وزرای محترمی که در این مجلس حضور دارید، اکنون ملت ایران منتظر تصمیمات خردمندانه است. شما چگونه عمل می‌کنید؟ سرمایه شما همان است که امام حسین (ع) فرمودند: «جانش را داد، فرزندش را داد، همه را داد.» شما هم آسان بگیرید و آبروی خود بریزید تا کاری کنید و نگران نباشید، چرا که هدررفته‌ها بعدها جبران می‌شود.

اکنون خطاب به خانواده محترم شهید علی لاریجانی و به همسر فداکارش می‌گویم. شما که از آغاز زندگی با شهادت پدر، تمرین داغ پدر را کردید و اکنون در فقدان همسر و مرتضای عزیز می‌سوزید. مادر داغ‌دیده‌اش که در سن سالخوردگی این داغ بر دل او نشست، خواهرش، برادران فاضل و ارجمندش و عزیزان و فرزندان عزیزش. قرآن به شما چه گفته است؟ من همان پیام را می‌دهم و عرض را تمام می‌کنم:

«فَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ، أَنَا لَهُ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ» این یک، «وَرَحْمَةً» این دو، «وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» این سه. سه بشارت، کم نیست، آن هم بشارت مستقیم خود خدا. من یقین دارم به زودی خداوند آن چنان صبر خود را بر قلب شما نازل کند که آرامش پیدا کنید و بتوانید این داغ بزرگ را تحمل کنید. خدایا! از دریای رحمت بر دل همه داغ‌دیدگان شهادی ارجمند کشورمان و این خانواده محترم و جلیل‌القدر صبر عنایت فرما.

علی لاریجانی در کانون روحانیت و در درون خانواده مرجعیت تربیت شده بود. مرحوم آیت‌الله شیخنا و شیخ الفقه و المجتهدین، مرحوم آیت‌الله میرزا هاشم آملی لاریجانی، درک فقهای بزرگی مثل آیات نائینی، آقا ضیا عراقی و محمدحسین غروی اصفهانی (کمپانی) را داشت و اندیشه این بزرگان را برای قم به ارمغان آورد. مادر شهید علی لاریجانی فرزند مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سید محسن نبوی اشرفی بزرگوار، عالمی بسیار جلیل‌القدر بود. پس او نسب از دو سو دارد. این نیک‌پی، آزاده‌ای بزرگ و مخلص بود و از هیچ چیز نمی‌هراسید.

این همان چیزی بود که نصیب دکتر لاریجانی شد.

یک کشور ادعا می‌کند که می‌خواهد تمدنی را نابود کند و ملتی را به عصر حجر بازگرداند. آیا این سخن شایسته ملت آمریکا است؟ شایسته است که ملتی که دانشگاه‌هایی چون هاروارد، پرینستون و کرنل دارد، رئیس‌جمهورش چنین حرفی بزند؟ این نخستین شکست بود: شکست اخلاقی.

دوم شکست سیاسی است. تو اتحادیه اروپا را از خود راندی و سایر کشورها را نیز از خود ناراضی کردی. این چه کاری بود که انجام دادی؟ سوم شکست اقتصادی است. قیمت بنزین در آمریکا گران شده و تاب‌آوری مردم آنجا پایین است. این نکته را به شما بگویم: هر چه ملتی در رفاه بیشتری زندگی کند، تحمل سختی‌هایش کاهش می‌یابد. تاب‌آوری آنها بسیار پایین آمده است. چهارم شکست نظامی است. در آن مقاله آمده بود که: «ما بزرگترین قدرت نظامی جهان هستیم و تو ثابت کردی نمی‌توانی کشوری را که در مقایسه با قدرت نظامی و اقتصادی تو عددی به شمار نمی‌رود، از پای درآوری. ایران هنوز ایستاده، موشک‌هایش شلیک می‌شوند، مقاومت می‌کند و مردم پشت حکومت و نظام خود هستند. این چه شکستی بود؟ تو دست نیروهای مسلح ما را باز کردی تا ضعف خود را در مقابل دشمنان اصلی‌مان - یعنی چین و روسیه برملا کنند. این قدرت ملت ایران است.»

عزیزان من، من نیز هم‌صدا با برادر عزیز، بزرگوار و شهیدمان، دکتر علی لاریجانی، می‌گویم که پیروزی در راه است. به اذن خداوند، یقین بدانید.

در ادامه، سختم را متوجه خانواده بزرگوار ایشان و همه عزیزانی می‌کنم که فقدان او را بیش از هر کس دیگری حس می‌کنند. در قرآن کریم خداوند بر پیامبر(ص) صلوات می‌فرستد و انسان گمان می‌کند این درود ویژه حضرت رسول(ص) است. اما در اینجا می‌بینیم که کسانی نیز که دچار مصیبت می‌شوند، شایسته دریافت درود الهی هستند. این خود مقامی بسیار والا است.

دکتر لاریجانی شخصیتی بود که نام نیک و آثار گرانبگی از خود به جای نهاد. اگر بخواهم در یک کلام او را توصیف کنم، می‌گویم: او یک دولتمرد واقعی بود. از سعه صدر وسیعی برخوردار بود. همگان می‌دانند او در چه شرایطی قرار گرفت اما با سعه صدر از آن دشواری‌ها عبور کرد.

او از این رو دولتمرد بود که به تعقل، تفکر و تدبیر پایبند بود. شخصیتی عرفانی و علمی داشت. دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف و استاد فلسفه بود. تمامی ابعادی که یک انسان را در مرتبه والای انسانیت قرار می‌دهد در او جمع شده بود. علم و دین در وجودش همراه بودند. اگر این دو از یکدیگر جدا شوند همانند پرنده‌ای خواهند بود که هر دو بال خود را از دست داده است. انسان تنها با داشتن این دو بال سالم می‌تواند اوج بگیرد. او هم صاحب علم بود، هم دارنده معرفت، دین و باورمندی راسخ. من در سخنان شهید لاریجانی دیدم که فرمودند: «(إن شاء الله ظفر در پیش است.)» ایشان این را برای خوشایند مخاطبش بر زبان نیاورده و بلکه از سر یقین و باور قلبی گفته است. ما نیز به اذن خداوند یقین داریم که پیروزی در پیش است؛ زیرا می‌دانیم اهل حق هستیم و می‌دانیم که آنان بر باطلند. حق را نمی‌توان برای همیشه پنهان کرد؛ دیر یا زود آشکار می‌شود. پس پیروزی نزدیک است.

شما عزیزان شرایط کشور خود را به خوبی درک می‌کنید. مسائل اقتصادی، معیشتی، امنیتی... به یاد دارم پیش از آغاز جنگ و زمانی که زمزمه‌های آن شنیده می‌شد، خبرهایی می‌خواندیم که برخی کشورهای همسایه اردوگاه‌هایی برای اسکان پناهندگان ایرانی آماده کرده بودند. اما در نهایت حتی یک نفر پناهنده نشد! این بسیار شگفت‌آور است. حتی گروهی از خارج از کشور به ایران آمدند. این رمز و راز همین ملت بزرگ است؛ ملتی که در طول تاریخ خود همواره سرنوشت‌ساز و تمدن‌آفرین بوده است. خود دشمن (همین آقایی که بهتر است نامش را نبریم) اعتراف می‌کند: «چه ملت قدرتمندی، چه نیروی مسلح توانمندی!» راستی که چه لذت‌بخش است وقتی وصف ما را دیگران بازگو کنند. این وصف این ملت است. این ملت اگر صبر، تحمل، مقاومت و استقامت را همراه با درایت، تفکر و تعقل به کار بندد، یقیناً در این میدان پیروز خواهد شد. هرچند که هزینه خواهیم داد که: «نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود / مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد.»

اجازه دهید از جانب دیگران نیز سخنی بگویم. چندی پیش، روزنامه نیویورک تایمز روی جلد خود کارتونی منتشر کرد که در آن ایران به شکل یک مهره شطرنج نشان داده شده بود و آن مهره مجسمه آزادی را بر زمین انداخته بود. نیویورک تایمز در ادامه نوشت: «ای مرد نادان! تو با جنگ علیه ایران، این کشور را به چهارمین قدرت جهان تبدیل کردی. ایران نه در عرصه بین‌المللی یک قدرت نظامی است و نه یک قدرت اقتصادی. اما تو با نادانی خود و با توصیه‌های غلطی که به تو کردند، گمان داشتی ظرف سه یا چهار روز پرونده ایران بسته می‌شود اما این اتفاق رخ نداد و ایران به قدرت چهارم جهان بدل شد.»

چند روز بعد نیویورک تایمز مقاله‌ای منتشر کرد، خطاب به رئیس‌جمهور آمریکا. در آن مقاله نوشته شده بود: «تو چهار شکست بر کشور ما تحمیل کرده‌ای آقای رئیس‌جمهور.» نخست شکست اخلاقی است. رئیس‌جمهور

در سال‌هایی که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در خدمت شهید لاریجانی بودم، برجسته‌ترین ویژگی که از ایشان دیدم اعتماد به نفس در اداره امور بود. در عین حال به راحتی انتقاد را می‌پذیرفت. هرگاه با کسانی روبه‌رو می‌شد که در زمینه‌ای تخصص و تسلط داشتند کاملاً تسلیم نظر آنان می‌شد. هیچ‌گاه پیش نمی‌آمد که کتابخانه طرحی پیشنهاد کند و ایشان مقاومت یا مخالفتی نشان دهد. تمام موفقیت‌های کتابخانه در آن دوره، پشتوانه‌ای جز حمایت‌های بی‌دریغ او نداشت. هر درخواستی را که برای حضورش در جلسات عمومی یا خصوصی داشتیم، بی‌درنگ می‌پذیرفت.

آقای اکبر ایرانی نیز در یادداشتی به تفصیل به این نکته اشاره کرده است که او «حلال مشکل» بود. برای مرحوم لاریجانی، مسئله‌ای «لاینحل» وجود نداشت. مشکلات را - به هر شکل و بی‌ش از همه از راه گفت‌وگو و مشورت - حل می‌کرد. هیچ نشانی از خودخواهی در وجودش دیده نمی‌شد. او هم اهل علم بود و هم فعال. اما گوش شنوایی برای مشورت و گفت‌وگو نیز داشت. به همین دلیل یارانش بسیار فراوانند. به همه احترام می‌گذاشت و به سخنانشان توجه می‌کرد. صبوری و تحمل او بسیار بالا بود. معمولاً حتی در برابر کسانی که بدگویی و تندی می‌کردند، بردباری خود را از دست نمی‌داد. گوش می‌کرد و در پایان راه‌حلی پیش روی طرف مقابل می‌گذاشت.

شهید لاریجانی یک شخصیت سیاسی کتاب‌باز بود

اجازه دهید از خصلت‌های شخصی او نیز بگویم. یکی از رازهای جذابیت آقای لاریجانی، توجه او به ورزش بود. هیچ‌گاه میان خود و ورزش فاصله نمی‌انداخت. هر بار که فرصتی دست می‌داد به کوهنوردی می‌رفت و ورزش سالم انجام می‌داد. آن دسته از شخصیت‌های سیاسی یا دانشمندانی که در خانه می‌نشینند و بر متکا تکیه می‌زنند، هرگز چنین جذابیت و روحیه‌ای ندارند. دوستانی که با او کوهنوردی کرده‌اند این را تأیید می‌کنند. ممکن نبود کسی به پای او برسد. قدرت و توان و تحرک او شگفت‌آور بود. چندین بار قله دماوند و سبلان را فتح کرد و راه‌های بسیار سختی را پیمود. او به درستی دریافته بود که سلامت روح در گرو سلامت جسم است.

شهید لاریجانی یک شخصیت سیاسی کتاب‌باز بود. به تمام معنا اهل خرید کتاب و مطالعه بود و از هیچ فرصتی برای خواندن دست نمی‌کشید. بخش بزرگی از کتاب‌هایش را به کتابخانه مجلس اهدا کرد. حدود ۸۵۰ کتاب بسیار خوب، فاخر و نفیس را در سال‌هایی که من در کتابخانه بودم به دانشگاه بخشید. در نمایشگاه کتاب نیز حضور فعالی داشت. عمیق می‌خواند و بر آنچه می‌خواند، تفکر می‌کرد.

در مدتی که از سیاست فاصله گرفته بود مکرراً در دانشکده ادبیات به دیدارش می‌رفتم. روزهای دوشنبه، میان کلاس‌هایش از دانشجویان می‌پرسیدم و می‌شنیدم که او بهترین کلاس‌ها را ارائه می‌دهد. کلاس‌هایی در شأن دانشگاه. این همه را مدیون مطالعه بود. سیاستمداران ما - جز اندکی که خود رهبر شهید یکی از آنها بود - چندان اهل مطالعه نیستند. معمولاً میان آنان و کتاب فاصله است.

در تمام این سال‌ها، سلامت مالی ایشان چشمگیر بود. هرگز نشانه‌ای ندیدم که - خدای ناکرده - سرسوزنی به مسائل مالی توجه داشته باشد. می‌دانیم که از نظر خانوادگی زندگی خوبی داشتند. جدها در منطقه‌ای که بودند، فردی متمول به شمار می‌رفت و چشم و دلش سیر بود. اما ایشان هیچ‌گاه توقعی نشان نداد، رفتاری که حاکی از دل‌بستگی به مال باشد از او سر نزد و حتی به نزدیکان خود نیز چیزی پیشکش نمی‌کرد. کسانی که بسیار نزدیک بودند و از نزدیک می‌دیدند این را خوب می‌دانند. دست‌ودلبازی از بیت‌المال یا هرگونه سوءاستفاده مالی در کار نبود. چه



شهید لاریجانی مصدق بارز یک وزیر ایرانی است

متن سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین رسول جعفریان در آیین بزرگداشت «سیاستمدار حکیم ایران، شهید علی لاریجانی؛ بنده خدا عزیز مردم» به شرح زیر است:

نخستین دیدار من با شهید لاریجانی به سال ۱۳۷۶ بازمی‌گردد. آن زمان در دفترشان در صداوسیما، همراه با مرحوم استاد سیدجعفر شهیدی و مرحوم دکتر صادق آیینی‌وند برای مجموعه «تنهاترین سردار» خدمتشان رسیدیم. پس از آن در سریال «مختارنامه» دیدار مفصلی از احمدآباد و صحنه‌های مختلف میدانی آن اثر داشتیم. بعدها نیز در کتابخانه مجلس شورای اسلامی همکاری‌هایی با ایشان داشتیم. اما مهم‌تر از همه دوستی طولانی میان ما و سفرهای مشترکمان بود.

ابتدای سخن باید از مرحوم استاد مرتضی مطهری یاد کنم. امروز، روز شهادت ایشان و روز معلم است. استاد مطهری همچنان متفکر منحصربه‌فرد ما به شمار می‌رود و هنوز کسی به پایه او نرسیده است. آخرین بار چند ماه پیش، یکی از آثار تازه منتشر شده ایشان را مطالعه کردم. فکر می‌کنم جلد سی‌وپنجم بود با حجمی نزدیک به ۷۰۰ یا ۷۵۰ صفحه. با مطالعه این کتاب مخاطب معنای حقیقی تفکر را درمی‌یابد و تفاوت بسیار دیگران را با او لمس می‌کند.

شهید لاریجانی شاگرد و دنباله‌رو مکتب مطهری بود. یک جهت شخصیت او، تربیت یافته از استاد مطهری بود. خانواده، جهت دیگری را در او شکل داد. دانشگاه نیز تحت تأثیر برخی جریان‌های فلسفی آن روز ایران قرار داشت. این دو بخش در وجود مرحوم لاریجانی ترکیب شده بود. بر پایه تجربه‌ام می‌گویم که شهید لاریجانی به تدریج از آن بخش دوم به سمت مرحوم مطهری گرایش پیدا کرد. تغییری که استاد محقق داماد به آن اشاره کردند تا اندازه‌ای ناظر به همین رفت‌وبرگشت میان دو ساختار فکری بود. هر دو بخش همچنان بر او سلطه داشتند. در جلساتی که در قم خدمتشان بودیم و گفت‌وگوهایی درباره مفهوم علم و حوزه علمیه داشتیم، این نفوذ دوگانه در تفکر ایشان به وضوح دیده می‌شد. اما با تأکید باید گفت که شهید لاریجانی به تدریج به مطهری روی آورد. از کلام‌شان برمی‌آمد که تقریباً در هر فرصتی به مطالعه آثار مطهری می‌پردازند.



شهید لاریجانی مدیری مسئله حل کن بود

متن سخنان حسین انتظامی، معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در آیین بزرگداشت «سیاستمدار حکیم ایران، شهید علی لاریجانی؛ بنده خدا عزیز مردم» به شرح زیر است:

شهید دکتر علی لاریجانی در مسیر مسئولیت‌های متعدد و متنوع خود در هر جایگاهی که حضور یافت، منشأ اثر بود. در یکی از ایستگاه‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را بر عهده گرفت. دوره وزارت ایشان اگرچه نسبتاً کوتاه بود، اما بسیار پراثر و پربار ارزیابی شده است. به همین دلیل هم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این آیین یادبود را برپا کرده است.

حق این بود آقای دکتر صالحی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی خدمت شما گرامیان خوشامد بگویند ولی باتوجه به اینکه پروتکل‌ها اینگونه است که مسئولان وزارتخانه کمتر خودنمایی کنند لذا به بنده مسئولیت دادند تا هم صحبت‌های خود را مطرح کنم و هم به شما بزرگواران خوشامد و خیرمقدم بگویم. از خانواده محترم شهید بیات هم تشکر می‌کنم که در جمع ما حضور دارند. شهید بیات در آخرین مسئولیت خود پیش از معاونت دبیری شورای عالی امنیت ملی، رئیس سازمان حج و زیارت بود که عملیات انتقال حجاج در سال گذشته را با تدبیر فوق‌العاده به ثمر رساند.

موسی خیابانی، نفر دوم سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، در پاییز ۱۳۶۰ و چند ماه پس از آغاز عملیات تروریستی این سازمان و دو سه ماه قبل از اینکه خودش کشته شود نوار چهار یا پنج ساعته‌ای را پر و برای خانه‌های تیمی ارسال کرد. هدف این بود کادر سازمان که مسئله‌دار شده بودند را توجیه کند که چرا از فاز سیاسی به ناگهان وارد فاز نظامی شدند و ضمناً به آن‌ها روحیه بدهد تا جوخه‌های ترور بتوانند عملیات را با موفقیت ادامه دهند.

در آن نوار، خیابانی یک جمله کلیدی گفت. خطاب به جوخه‌های ترور گفت: «شما خودتان را دست کم نگیرید. شما در این چند ماه، مسئله‌حل‌کن‌های خمینی را زده‌اید.» متأسفانه او درست می‌گفت. یک شهید بهشتی برای اثبات این حرف کافی است. توجه به این واقعیت برای ما ضروری است. ما شعار می‌دادیم: «آمریکا در چه فکریه؟ ایران پر از

بسیار حرف‌های زشتی که در این قوم درباره او زدند، حال آنکه حتی یک سر سوزن از آن سخنان درست نبود. هرگاه این موضوع را با او در میان می‌گذاشتی، فقط لبخند می‌زد.

باید بگویم که او واقعا بشاش بود. اهل داستان‌های لطیف و طنزگونه. خنده همواره بر لب‌هایش جاری بود. بی‌گمان ناراحتی نیز داشت و از جهات گوناگون سختی می‌کشید. اما در برخوردها بسیار شوخی می‌کرد و خود را خوش‌خو و بشاش نگه می‌داشت. این نیز از جنبه‌های جذاب زندگی او بود.

شهید لاریجانی به روحانیت علاقه داشت. مکرراً شنیده‌اید که به مراجع تقلید ارادت می‌ورزید. اما آخوندهای منتقد و متدین - حتی آنان که با او زاویه داشتند - نیز برایش محبوب بودند و به دیدارشان می‌رفت. آقای معراجی شاهد است که ایشان حتی سراغ کسانی که خانه‌نشین شده بودند نیز می‌رفت و به گفت‌وگو می‌نشست. همینطور وظیفه خود می‌دانست که هر دو یا سه ماه یک بار با اساتید و مراجع نیز جلسه‌ای برگزار کند و اوضاع مملکت را برای آنان شرح دهد. کار مهمی که در ذهن داشت این بود که از این افراد برای مهار تندروی‌های نظام استفاده کند. بر این باور بود که آنان می‌توانند اثرگذار باشند. به همین دلیل مرتباً با آنان تماس می‌گرفت.

در میان سیاستمداران مهمی که من می‌شناسم - از رؤسای جمهور گرفته تا دیگران - هیچ‌کس به اندازه لاریجانی با بدنه روحانیت قم آشنا نبود و رفت‌وآمد نداشت حتی با کسانی که اهل سیاست نبودند. ایشان به دیدار آنان می‌رفت، سؤال می‌کرد و نکته می‌پرسید. و منظور من فقط کسانی نبودند که ایشان گمان می‌کرد روزی به کمکش خواهند آمد. چه بسا اغلب آنان در لحظات حساس کمک خاصی نکردند. ایشان از آنان توقعی نداشت. شاید دوستان ما گاهی پس‌پرده این دیدارها را جست‌وجو می‌کردند.

آقای لاریجانی به جریان روشنفکری رایج اعتقاد چندانی نداشت. در یکی از کلیپ‌هایی که این روزها پخش شده، شاهد هستیم که او روشنفکری را فقط در صورتی می‌پسندید که واقع‌گرا و دستش در کار باشد. این که جریان روشنفکری بنشیند در کناری و فقط انتقاد کند و حرف بزند - به‌ویژه آن دسته از روشنفکرانی که نماد روشنفکری را در ادبیاتی تند می‌دانند - مورد قبول او نبود؛ اما همان‌گونه که گفتم از انتقاد هراسی نداشت. ایشان سالی دو یا سه بار به دیدار طلبه‌هایی می‌رفت که مرتب یادداشت‌های انتقادی می‌نوشتند.

دوست دارم سختم را با این جمله به پایان ببرم: ما مفهوم «وزیر ایرانی» را داریم. چهره‌های بزرگی چون خاندان جویینی، نظام‌الملک، شیخ علی‌خان زنگنه و خواجه رشیدالدین فضل‌الله نماد وزارت ایرانی بودند. شهید علی لاریجانی با خواندن فلسفه و آشنایی عمیق با بدنه دینی جامعه، روحیه تسامحی که داشت و اقداماتی که در برابر افراطی‌گری از خود نشان داد، می‌تواند مصداق یک وزیر ایرانی به شمار آید. البته این نکته بدان معنا نیست که نقدی به او وارد نبود، خود نیز چنین ادعایی نداشت. در کتابی که با همکاری آقای معراجی برای یادبود چهلمین روز شهادت او گردآوری کردیم، حدود ۱۱۰ یادداشت می‌شود. ما هر کسی را که دعوت به نوشتن کردیم، پذیرفت. اگر فی‌المثل دو ماه فرصت می‌داشتیم، تعداد یادداشت‌ها به ۵۰۰ می‌رسید. در هر یادداشت از زاویه‌ای به تحلیل شخصیت آقای لاریجانی پرداخته شده است. اگر به واژه‌هایی که در این یادداشت‌ها به کار رفته نگاه کنید، شایع‌ترین آنها «عقلانیت» و «خردگرایی» است. این همان ویژگی‌ای است که پیشتر به عنوان صفت بارز یک وزیر ایرانی برشمرده.

بهشتیه» اما به قول شهید والامقام قدوسی، این را فقط از سر شعار می‌گوییم. در عمل، بهشتی تکرارناپذیر است.

پیش از منافقین، گروه تروریستی فرقان این کار را کرده بود. بزرگان نظام را زدند. یک نمونه آن، شهید آیت‌الله مطهری بود. این افراد، مسئله حل‌کن‌های امام و نظام به شمار می‌رفتند. سوال من این است: اگر شهید بهشتی بود، اگر شهید مطهری بود، آیا وضع ما بهتر از آن نبود که اکنون شاهدش هستیم؟

در مسیر چهل، پنجاه ساله گذشته، مدیران بسیاری داشته‌ایم اما مسئله حل‌کن‌ها اندک بوده‌اند. مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از این دسته از افراد بود و شهید والامقام ما، لاریجانی هم. او در هر کجا مسئولیت داشت، دست‌کم یک مسئله را حل کرد.

وجوه متنوع شهید لاریجانی در کتابی که به همت جناب آقایان جعفریان و معراجی فراهم آمده، بیان شده است. در این ایام نیز گفته شده و باز هم گفته خواهد شد. اما من از زاویه مدیریتی می‌خواهم نکته‌ای را عرض کنم. در گونه‌شناسی مدیران، می‌توان به یک دسته‌بندی رسید. دسته نخست «مدیران سنتی» هستند که اکثریت را تشکیل می‌دهند. علاقه‌ای وافر به جلسه دارند و همینطور به نامه‌نگاری، حضور در دیده‌شدن‌ها و تکرار رویه‌ها، معمولاً این مدیران مانند انرژی هستند؛ فقط صورتشان تغییر می‌کند. میان آغاز و پایان حضورشان، هیچ تغییری حس نمی‌کنید. هرچند که این دسته «خوب»‌های خودشان هستند و می‌توانند وضع موجود را نگه دارند.

دسته دوم «مدیران پروژه» هستند که مدیرانی موفق به شمار می‌روند. این دسته می‌توانند یک پروژه عمرانی یا یک موضوع را با آگاهی و تجربیات خود و با شناخت درست از منابع و به کارگیری آنچه لازم است و با اقتدار مدیریتی، به سامان برسانند. شهر و کشور ما بخشی از آبادانی خود را مدیون حضور چنین مدیرانی است. خود این دسته دو گونه دارند: گونه‌ای که در سایه مدیریت آنان حیف و میل انجام می‌شود و پروژه‌ها را گران قیمت تمام می‌کنند و گروهی دیگر که می‌توانند پروژه‌ها به شیوه‌ای معقول، متعادل و متناسب به سرانجام برسانند.

دسته سوم «مدیران راهبردی» هستند. این دسته مدیران استراتژیست هستند که گلوگاه‌ها را شناسایی می‌کنند. مدیر استراتژیست نمی‌گذارد رویه‌های رایج و مرسوم، او را از هدفش بازدارند. در مسیر کاری از این اختلالات بسیار است. مدیر استراتژیست به هدف توجه می‌کند. هدف را چنان انتخاب می‌کند که «چو صد آید، نود هم پیش ما باشد». اینان بسیار برجسته‌اند، اما متأسفانه شمارشان بسیار اندک است. دسته چهارم مدیران مسئله‌حل‌کن هستند که چند نمونه از آنان را نام بردم و شهید لاریجانی عزیز ما از این دسته بود.



ریاست شهید علی لاریجانی بر مجلس بی‌نظیر و استثنایی بود

متن سخنان محمدرضا باهنر؛ عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، دبیر کل جامعه اسلامی مهندسين و نماینده مجلس شورای اسلامی از دوره‌های دوم تا نهم در آیین بزرگداشت «سیاستمدار حکیم ایران، شهید علی لاریجانی؛ بنده خدا عزیز مردم» به شرح زیر است:

در آغاز سخن پیشنهاد می‌کنم برادر عزیز، آقای دکتر رسول جعفریان و دیگر عزیزانی که مشغول جمع‌آوری خاطرات و اسناد هستند، فراخوانی بدهند تا نمایندگانی که سه دوره در مجلس در خدمت شهید عزیزمان بودند خاطرات شخصی خود را مکتوب کنند. از این خاطرات گاهی درس‌های بسیار ژرف و عمیقی می‌توان دریافت.

حدود بیست سال در مجلس شورای اسلامی حاضر بودم. بعدها آقای دکتر لاریجانی به جمع ما پیوست. در دوره نخست مجلس شورای اسلامی که هیچکدام از مسولان نظام تجربه مدیریت نداشتند، مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس مجلس انتخاب شدند و قوه مقننه را به بهترین شکل اداره کردند. دکتر لاریجانی نخستین رئیسی بود که در همان سال نخست ورود به مجلس به ریاست رسید. سایر رؤسای مجلس، ابتدا یک یا دو دوره در مجلس حضور داشته و تجربیاتی اندوخته بودند و بعد به ریاست مجلس رسیدند اما شهید دکتر لاریجانی در همان سال نخست ورود به مجلس به ریاست این قوه انتخاب شد.

آن زمان ما تجربه سه دوره حضور را داشتیم و در خدمت ایشان بودیم. من اینجا شهادت می‌دهم که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون، ریاست این شهید بزرگوار بر مجلس واقعا استثنایی بود. معمولاً دوستانی که تجربه خدمت در مجلس را ندارند و در ساختارهای دیگر از جمله دولت یا قوه قضاییه حضور دارند، تصور دیگری از اداره مجلس دارند. باید دانست که در کشورهای دیگر رئیس مجلس معمولاً «Speaker»

ویدئو: سخنرانی حسین انتظامی
در برنامه سیاستمدار حکیم ایران
درباره شهید علی لاریجانی



امنیت ملی شد، نظامیان، سیاسیون، دیپلمات‌ها و فرهنگیان را گردهم آورده است. از وجود همه آنان حداکثر بهره را می‌برد و همه را با یکدیگر هماهنگ می‌ساخت.

ما در این دو ماه اخیر، شخصیت‌های والامقام و بزرگی را از دست دادیم. یاد هر کدام که می‌افتم، دلم آتش می‌گیرد. اما بین خود و خدا عرض می‌کنم، پس از شهادت امام شهیدمان حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، آنچه که مرا بسیار اندوهگین کرد، شهادت علی لاریجانی بود.

امیدوارم خداوند متعال به برکت نهضتی که - به تعبیر امام شهیدمان - مردم راه انداخته‌اند و آن وعده‌ای که علی عزیزمان به ما داد که «ظفر در پیش است» ما را پیروز گرداند. باید امیدوار باشیم. ان شاء الله خداوند متعال کمک کند تا این امت برانگیخته‌شده، ضربات نهایی را وارد سازد و در این جنگ ظالمانه، خانمان سوز و سفاکانه که علیه ایران عزیزمان به راه انداخته‌اند، موفق و مؤید باشد.



شهادت دکتر علی لاریجانی خط بطلانی است بر ناروایی‌های که در حق ایشان روا داشته شد

پیام علی جنتی وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی به مراسم بزرگداشت شهید علی لاریجانی:

«بسم الله الرحمن الرحيم
بسم رب الشهداء و الصديقين

سابقه آشنایی من با مرحوم شهید دکتر علی لاریجانی به اواخر سال ۱۳۵۹ بازمی‌گردد؛ زمانی که من به همراه تعدادی از دوستان که از مجلس شورای اسلامی و قوه اجرائیه انتخاب شده بودند و بنده نیز به‌عنوان نماینده قوه قضاییه در شورای سرپرستی صدا و سیما حضور داشتیم. این شورا، نخستین شورای سرپرستی بود که پس از تصویب قانون اداره صدا و سیما، مسئولیت این مجموعه را برعهده می‌گرفت.

نامیده می‌شود. او فرمانده نیست که امر و نهی کند. اگر رئیس مجلس بخواهد واقعا رئیس باشد باید بر دل نمایندگان حکومت کند. باید دل آنان را به دست آورد. باید با استدلال، منطق و با قدرت بیان، نمایندگان را قانع سازد که کاری را انجام دهند یا از انجام آن خودداری کنند.

مطابق آیین‌نامه هر نماینده در مجلس یک رأی بیشتر ندارد. اما هر نماینده یک «حوزه نفوذ رأی» دارد و این حوزه‌ها متفاوت است. برخی نمایندگان حتی رأی خود را هم ندارند چون هنگام رأی‌دادن نگاه می‌کنند ببینند دیگران چه می‌کنند تا همراهی کنند. برخی دیگر حوزه نفوذ رأی دارند؛ کسی سی رأی و یکی دیگر چهل رأی، نماینده دیگری ۱۰۰ رأی و برخی بیشتر و کمتر.

دکتر لاریجانی مهندس و ریاضی‌دان بود و بعدها به فلسفه روی آورد. معمولاً فلاسفه‌ای که از رشته‌های فنی وارد فلسفه می‌شوند، فلسفه را گونه‌ای دیگر تعریف و تدریس می‌کنند. آقای لاریجانی از آن دسته فلاسفه بود که قدرت بسیار بالایی در منطق و استدلال داشت. نمی‌خواهم ناخواسته زحمات دیگر عزیزان را سبک بشمارم. اما در دوره‌ای که جناب آقای لاریجانی ریاست صداوسیما را بر عهده داشت، وضعیت متفاوت بود. شاهد بودید که رهبر شهید انقلاب وقتی قرار شد بعد از هشت سال، فرد دیگری ریاست سازمان صدا و سیما را برعهده بگیرد، فرمودند: «من حیفم می‌آید علی لاریجانی آنجا نباشد.» یادتان هست؟

سریال‌های فاخری که آن زمان توسط صداوسیما تولید شد؛ امام علی(ع)، مختارنامه، تنهاترین سردار، اصحاب کهف و مریم مقدس و... شبکه «آی‌فیلم» شاید هرکدام را بیش از بیست بار بازپخش کرده است و همچنان نیز جذابند. این آثار چنان فاخر بودند که متقاضیانی از دیگر کشورها هم داشتند. نقل شده است که برخی از شخصیت‌ها در کشورهای مسیحی گفتند که شما توانستید مریم مقدس را این‌گونه به تصویر بکشید، در حالی که ما مسیحیان تا به حال نتوانستیم مریم مقدس را چنین تعریف و به تصویر بکشیم.

در مجلس نیز من در دوره‌های نهم و دهم توفیق داشتم در خدمت ایشان باشم. هفت دوره در مجلس بودم و مدیریت رؤسای مختلفی را تجربه کردم. گاهی نایب رئیس بودم، گاهی جزو افراد تأثیرگذار مجلس به شمار می‌رفتم. مدیریت دکتر علی لاریجانی، مدیریتی ویژه و استثنایی بود. او از آن مسلمانانی بود که به انجام وظیفه خود اعتقاد داشت، مصمم بود و پایدار ماند.

خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا.» من واقعا ایشان را مصداق آن مؤمنی می‌دانستم و می‌دیدم که بر این «رَبُّنَا اللَّهُ» محکم ایستاده است. به همین دلیل، هیچ داستان و هیچ بی‌معرفتی - آن‌چنان که فرمودند: هم از دوست خورد و هم از رقیب - اندوهی به دل او راه نداد. ما در نظام جمهوری اسلامی افراد بسیاری داریم که با یک بی‌معرفتی، قهر می‌کنند، می‌روند و به دنبال زندگی و کار خود می‌افتند. وقتی می‌پرسی چرا رفتی، می‌گوید: «ما را بیرون کردند.» علی می‌توانست بگوید: «آقا، ما را بیرون کردند.» اما نگفت. ایستاد، متواضعانه ایستاد و کار را دنبال کرد.

در همین دوران اخیر که ایشان دبیر شورای امنیت ملی شد، فکر باز و صحیح و سعه صدرش زیاد و مثال زدنی بود. جلسات متعددی برگزار کرد و تنها برای حل مسئله معیشت مردم، بارها جلسه گذاشت. برای مسائل سیاسی کشور، برای مسائل اقتصادی مردم، برای مسائل دیپلماسی جلسات متعددی برگزار کرد و من نیز معمولا از مدعوین بودم. تعبیری که همواره مطرح می‌کردم این بود که علی‌آقا از زمانی که وارد شورای عالی

۱۲ روزه به اهداف خود نرسیده حتما جنگ دیگری را در پی خواهیم داشت و همواره تلاش می‌کرد آمادگی‌های لازم را در حوزه نظامی و سیاسی و دیپلماتیک برای مقابله با جنگ ایجاد کند. تلاش می‌کرد تا از بروز جنگ جلوگیری کند و در این مدت با دوستان مختلف در سطح کشور که تجربه داشتند مشورت و رایزنی می‌کرد. بسیاری از شخصیت‌ها و صاحب‌نظران در رابطه با اداره کشور و جنگ نظرات خود را به این شهید عرضه می‌کردند. شهید لاریجانی در هماهنگی نیروهای مسلح و تدابیری که باید در حوزه دیپلماسی اتخاذ شود نقش موثری داشتند. حتی از نظر کار تبلیغاتی مصاحبه‌های او با صدا و سیما بسیار اثرگذار بود، برخورد قاطع با دشمن که ما شما را رها نخواهیم کرد، دشمن را ناامید و حکایت او از مردم، آن‌ها را امیدوار کرد.

در طول سالیان مسئولیت ایشان در بخش‌های مختلف از زمان ریاست مجلس تا دبیری شورای امنیت ملی با شخصیت‌های مختلف در سطح جهان گفت‌وگو کردند که تجربه خوبی را برای ایشان در حوزه مذاکرات و روابط دیپلماتیک به همراه داشت. مجموعاً با همه توانایی‌های علمی و مدیریتی که این شهید والا مقام داشت فقدانش، خسارت بزرگی برای کشور به شمار می‌آید. البته خسارت‌های بزرگتری را هم تحمل کردیم و آن شهادت مقام معظم رهبری و بسیاری از شخصیت‌های سیاسی، دانشمندان هسته‌ای، فرماندهان عالی‌رتبه و ارشد نظامی کشور. اما خود اینها ذخیره‌ای است برای اینکه مقاومت ملت ایران بالاتر برود. اکنون می‌بینیم بر اثر همین شهادت‌ها حضور مردم در صحنه تا چه اندازه افزایش پیدا کرده است و نزدیک به دو ماه است که حضور شبانه مردم را در تمام شهرها شاهد هستیم که برای حمایت از نظام صورت می‌گیرد.

مرحوم شهید لاریجانی از جمله شخصیت‌هایی بود که بسیار مظلوم واقع شد؛ چراکه بیش از هر چیز، از سوی نیروهای خودی مورد بی‌مهری قرار گرفت و اتهامات ناروایی متوجه ایشان شد. در اینجا به یاد مرحوم شهید بهشتی می‌افتم که امام خمینی (ره) از ایشان با عنوان «شهید مظلوم» یاد کردند. شهید لاریجانی نیز از جمله کسانی بود که در دوران حیات خود با نسبت‌ها و اتهامات ناروا مواجه شد اما خداوند او را شایسته شهادت دانست و این مقام را برای ایشان برگزید؛ شهادتی که خط بطلانی بر همه ناروایی‌ها و جفاهایی بود که در حق ایشان روا داشته شد.

امیدواریم خداوند این شهید، فرزند شهیدش و سایر همراهانی که با او به شهادت رسیدند را مشمول رحمت واسعه خود قرار دهد و ملت ایران را در این صحنه پیروز گرداند.

در آن مقطع، شورا به دنبال شخصیتی فرهیخته بود که در کنار توانمندی علمی و فکری، قدرت اجرایی لازم برای اداره صدا و سیما را نیز داشته باشد؛ چرا که در آن زمان، مدیرعامل صدا و سیما بر اساس قانون وقت از سوی شورای سرپرستی انتخاب می‌شد. شهید دکتر لاریجانی چند ماهی بیشتر در این مسئولیت حضور نداشتند. بعدها خود ایشان احساس کردند که این چارچوب، ظرفیت لازم برای فعالیت‌های مورد نظرشان را ندارد و فضای وسیع‌تری برای کار و اثرگذاری می‌طلبید؛ از این رو، خودشان انتخاب کردند که به عرصه دیگری منتقل شوند.

در طول ۴۶ سال گذشته نیز در مقاطع مختلف با ایشان در ارتباط بودم و در مسئولیت‌های گوناگونی که خود بر عهده داشتیم، همواره ارتباطی نزدیک میان ما برقرار بود. بین سال ۸۴ تا ۸۶ به عنوان دبیر شورای امنیت ملی منصوب شدند و پس از آقای دکتر روحانی و حدود ۲۶ ماه در این مسئولیت بودند؛ در این مدت ارتباطاتی با مقامات اروپایی داشت و مذاکرات خوبی انجام داد و تجربه خوبی در حوزه کاری دیپلماتیک پیدا کرد. با دنیا و همسایگان آشنایی بیشتر پیدا کرد. این دوره جزو ایام درخشان بود گرچه بسیاری از فعالیت‌های ایشان عملاً به دلیل برخوردهای نامناسبی که طرف‌های اروپایی داشتند به نتیجه نرسید ولی شهید لاریجانی تلاش فوق‌العاده در این زمینه انجام داد.

این شهید بزرگوار در مجلس هشتم، نهم و دهم ریاست مجلس شورای اسلامی را برعهده داشت و فکر می‌کنم عموماً اذعان دارند که مدیریت ایشان در این جایگاه، شاخص و برجسته بود. علی‌رغم اینکه در همه مجالس و پارلمان‌های مختلف، گروه‌های سیاسی حضور دارند نوع برخورد ایشان به عنوان رئیس مجلس شورای اسلامی متواضع و متعادل و بر اساس آیین‌نامه مجلس بود. انتخاب ایشان در سه دوره متوالی نشان‌دهنده گرایش اکثریت قاطع نمایندگان شورای اسلامی برای انتخاب به عنوان رئیس مجلس بود. خدمات ایشان در ایام خدمت در این جایگاه به یادماندنی است.

در مجلس هشتم شهید لاریجانی در به انجام رساندن برجام همکاری خوبی با دولت داشت؛ نقش روشن و موثر او در جلسات مشورتی و هماهنگی‌ها و در مجلس شورای اسلامی برای تصویب آن بسیار بود. به گمانم در مهرماه سال ۱۳۷۱ ایشان از سوی دولت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به‌عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی انتخاب شدند. همزمان، بنده نیز به‌عنوان معاون بین‌الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط ایشان منصوب شدم. گرچه در این مسئولیت نیز شهید دکتر لاریجانی مدت زیادی حضور نداشتند؛ شاید حدود یک سال یا اندکی بیشتر در وزارتخانه ماندند و پس از آن، از سوی رهبر شهید به‌عنوان رئیس سازمان صدا و سیما منصوب شدند.

در مدتی که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با ایشان همکاری داشتیم، ایشان را مدیری فرهیخته، توانمند و دارای نگاه راهبردی یافتیم. پس از حدود ۱۱ سال ریاست ایشان در صدا و سیما نیز تحولات چشمگیری در این مجموعه رقم خورد. گسترش شبکه‌های تلویزیونی، توسعه شبکه‌های رادیویی و مجموعه اقدامات فنی و زیرساختی که در آن حوزه انجام شد، عمدتاً با ابتکارات و پیگیری‌های ایشان صورت گرفت.

بعد هم که در یک شرایط بسیار حساس یعنی پس از جنگ ۱۲ روزه و شرایط بحرانی که در کشور داشتیم از طرف رئیس جمهور به عنوان دبیر شورای امنیت ملی انتخاب شد بسیار خوش درخشید. این شهید از ابتدا معتقد بود که با توجه به اینکه دشمن در جنگ

«خوشی»، خوشی ظاهری نیست؛ بلکه خوشی معنوی و شیدایی روح است. این سه مرتبه یعنی شادی ظاهری، شادی معنوی و شیدایی را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد.

خداوند متعال، هنگامی که از شهیدان سخن می‌گوید، می‌فرماید: «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»؛ و از شادی آنان سخن می‌گوید. این شادی، حقیقت شادی است؛ و کدام حقیقت از خداوند حقیقی‌تر، پایدارتر و ماندگارتر است؟ شهید کسی است که به مرتبه‌ای از باور و ارتباط با حقیقت الهی رسیده است؛ آنچه به دست می‌آورد، خدایی است. وقتی انسان صفت الهی پیدا می‌کند، در واقع به جاودانگی می‌رسد.

دکتر علی لاریجانی را من از سال ۱۳۵۹ می‌شناسم؛ زمانی که ایشان معاون وزیر کار مرحوم احمد توکلی بودند. از همان زمان، آشنایی ما آغاز شد و در مقاطع مختلف چه در دولت، چه در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چه در صدا و سیما، این ارتباط ادامه یافت.

در طول این سال‌ها، احساس هم‌افقی و هم‌دلی میان ما وجود داشت؛ البته نه به این معنا که در همه موضوعات هم‌نظر بودیم اما ایشان فردی بود که بر اساس توصیه پیامبر اسلام (ص) به امیرالمؤمنین علی (ع) عمل می‌کرد؛ اینکه انسان‌ها را از راه عقلانیت، خرد و حکمت به خدا نزدیک کن.

مرحوم لاریجانی چنین شخصیتی داشت. در سخن، اندیشه، نوشته و رفتار او، همواره نوعی هندسه فکری و برهان روشن دیده می‌شد. او مهندس کامپیوتر بود که فلسفه نیز خوانده بود؛ بنابراین ذهنی هم هندسی داشت و هم استدلالی. از سوی دیگر، تجربه مدیریت‌های کلان را نیز در کارنامه خود داشت؛ از جمله ریاست مجلس، ریاست صدا و سیما، حضور در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی امنیت ملی. این تجربه‌های چندبعدی از او شخصیتی جامع و چندساحتی ساخته بود.

اگر شهید را به معنای واقعی درک کنیم، درمی‌یابیم که خداوند او را برای ما باقی می‌گذارد؛ به این معنا که راه، نام، سخن و اندیشه او ماندگار می‌شود و ما وظیفه داریم قدردان چنین شخصیت‌هایی باشیم و راه آنان را ادامه دهیم.

در پایان، از این فرصت استفاده می‌کنم و به خاندان محترم لاریجانی، به‌ویژه آقای محقق داماد، تسلیت عرض می‌کنم. همچنین به همسر گرامی شهید، سرکار خانم فریده مطهری که دختر شهید، همسر شهید و مادر شهید هستند، صمیمانه تسلیت می‌گویم و از خداوند متعال برای ایشان صبر و اجر مسئلت دارم. خداوند به همه بازماندگان صبر عنایت فرماید. روح آن شهید بزرگوار را با اولیای الهی محشور گرداند.

پاینده ایران
و پیروز و سربلند ملت عزیز ایران»



علی لاریجانی عقلانیت را با مدیریت کلان پیوند زده بود

پیام سید عطاءالله مهاجرانی وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی
به مراسم بزرگداشت شهید علی لاریجانی:

«بسم الله الرحمن الرحيم
بسم رب الشهداء و الصديقين

خوشحالم که این توفیق را پیدا کردم به مناسبت شهادت شهید عزیز، بنده خدا مرحوم دکتر علی لاریجانی در محضر شما درباره ایشان صحبت کنم.

مولوی تعبیر «حق سخن گفتن» را به کار برد و چنین گفت: «کز برای حقّ صحبت سال‌ها/ بازگو حالی از آن خوش حال‌ها»؛ در واقع، «حال‌های خوش» آن حالاتی هستند که انسان را به سوی کمال، معنویت، آگاهی و ادراک صحیح وجودی سوق می‌دهند. این

برخی انسان‌ها به پست و مقام برخی از اشخاص احترام می‌گذارند و به محض آنکه از آن مقام کنار رفت در اجتماع گم می‌شود اما شخصیت این شهید چنین نبود. زمانی که ایشان مقامی نداشتند همچون زمانی که پستی برعهده داشتند قدر دانسته می‌شدند و کسانی که با او ارتباط داشتند به این اذعان می‌کردند که حتی حضور کوتاهی در محضر ایشان و آموختن از این شهید بزرگوار ارزش زیادی داشت.

اشخاصی چون امام علی(ع) می‌فرمایند که ما خدا را به خاطر خود او عبادت می‌کنیم و نه به دلیل رفتن به بهشت یا ترس از جهنم. برخی از شخصیت‌ها در کشور ما خود قابل احترام هستند نه پست و مقام جایگاه‌شان. به جرات می‌توانم بگویم ما به عنوان افرادی که به آقای لاریجانی ارادت داشتیم به خاطر شخصیت خود او بود. به همین دلیل در این در این پستی‌ها و بلندی‌ها که در این روزگار گذشت ارادت‌ها کاسته نمی‌شد چون از این انسان در ابعاد مخالف به ویژه زمامداری می‌توان منظر درس‌های بسیاری از ایشان آموخت. اهتمام ایشان به دانستن، خواندن و اهمیت دادن به کارشناسان قابل ستایش است. من ۸ سال در خدمت ایشان مسئولیت مرکز پژوهش‌ها را داشتم؛ گاهی اوقات با کارشناسانی که همسن فرزندان‌شان بود به گفت‌وگو می‌نشست. همه گزارش‌های ارسالی را مطالعه و برخی را حاشیه‌نویسی می‌کردند.

از بعد سیاسی نیز شخصیت ایشان ابعاد گسترده‌ای داشت که بحثی مفصل می‌طلبد. یکی از جلوه‌های آن، احترام و اعتباری بود که ایشان نزد شخصیت‌های برجسته جهانی داشتند. در طول مدت اخیر، ایشان هفت سفر به مسکو داشتند. به یاد دارم هر زمان موضوع دیدار ایشان مطرح می‌شد، ملاقات با جناب آقای پوتین، رئیس‌جمهور محترم روسیه، در هر هفت سفر بلافاصله پذیرفته می‌شد. در این مذاکرات نیز ایشان حقیقتاً می‌درخشیدند.

عمده مذاکراتی که ایشان با آقای پوتین انجام می‌دادند، حدود سه ساعت یا حتی بیش از سه ساعت به طول می‌انجامید. تنها یک دیدار را به خاطر دارم که نزدیک به دو ساعت طول کشید و آن هم به این دلیل بود که آقای پوتین قصد داشتند با شخصیت دیگری در جهان تماس تلفنی برقرار کنند و به همین علت زمان جلسه محدود شده بود.

لازم می‌دانم این نکته را نیز عرض کنم که در روز شهادت ایشان، حدود ساعت دو بعدازظهر، بنده موضوع شهادت آقای دکتر لاریجانی را به کرملین و شخص آقای پوتین اطلاع دادم. کمتر از نیم ساعت بعد از دفتر ایشان با بنده تماس گرفتند و فرمودند پیام آقای پوتین آماده است و پرسیدند چگونه باید آن را منتشر کنند. بنده از ایشان درخواست کردم که چون هنوز شهادت ایشان رسماً اعلام نشده، پیام را تا زمان اعلام رسمی منتشر نکنند.

همه ما می‌دانیم که آقای دکتر لاریجانی رئیس‌جمهور نبودند که متقابلاً رئیس‌جمهور روسیه برای ایشان پیام صادر کند؛ بلکه این پیام، نشانه ارتباطات، دوستی‌ها و شخصیت کاریزماتیک و اثرگذار جناب آقای دکتر لاریجانی بود.

در پایان، یاد و نام همه شهدای عزیز و بزرگوار، به‌ویژه سید و سالارمان، مقام معظم رهبری و همچنین یاد و نام یاران شهید ایشان، خصوصاً شهید دکتر لاریجانی را گرامی می‌داریم.

همه شما را به خدای بزرگ می‌سپارم.))



شهید لاریجانی ابعاد شخصیتی چندوجهی داشت و در مذاکرات درخشد

پیام کاظم جلالی سفیر ایران در روسیه به مراسم بزرگداشت شهید
علی لاریجانی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
خدمت جناب آقای دکتر صالحی؛ وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاون محترم و همه عزیزان و بزرگوارانی که از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سایر سازمان‌ها و نهادها و شخصیت‌های حاضر در این مراسم پرشکوه حضور دارند، سلام عرض می‌کنم. به‌ویژه از وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و مجموعه همکاران ایشان به خاطر برگزاری این مراسم در بزرگداشت شهید بزرگوارمان، شهید دکتر لاریجانی، صمیمانه سپاسگزارم. همچنین از اینکه از بنده نیز خواسته شده چند کلامی در مقام عرض ارادت به ساحت قدسی آن شهید بزرگوار و در حضور شما عزیزان بیان کنم، تشکر می‌کنم.

ابعاد شخصیتی جناب دکتر لاریجانی، بسیار وسیع و چندوجهی است. این سخن را نه صرفاً به دلیل شهادت ایشان مطرح می‌کنیم بلکه برای دوستان، همراهان و ارادتمندان ایشان، این ویژگی‌ها از پیش نیز روشن و آشکار بود. شهید دکتر لاریجانی در ابعاد شخصیت فردی، در عرصه اجتماعی و در اهتمام به امور زمامداری و حکمرانی، شخصیتی ممتاز داشتند. همچنین نگاه و فعالیت ایشان در ابعاد مختلف حکمرانی، به‌ویژه در حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد، سیاست و اجتماع بسیار گسترده و عمیق بود و طبیعتاً در فرصت کوتاه نمی‌توان به همه این ابعاد پرداخت.

بخش قابل توجهی از عمر ایشان در حوزه فرهنگ سپری شد؛ چه در دوران ریاست بر سازمان صدا و سیما که در دو مقطع بر عهده داشتند چه در دوره کوتاه وزارت در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و پس از آن در سال‌های حضور در مجلس شورای اسلامی. همه می‌توانند اذعان کنند که نگاه ایشان به حوزه فرهنگ، نگاهی وسیع و بنیادین در چارچوب زمامداری و حکمرانی بود. آن‌هایی که با جناب آقای دکتر لاریجانی محشور بودند می‌دانند که از لحاظ شخصیت فردی، بسیار جذاب بودند. گاهی

این شهید همیشه منشأ توصیه‌های ارزشمند در همه زمان‌ها در عراق، اقلیم کردستان و در جمهوری اسلامی ایران بود. همیشه در موارد جدی و گوناگونی با هم صحبت می‌کردیم و همواره وقتی که در حال گفت‌وگو درباره موضوعات حساس و جدی بودیم قلب‌هایمان سرشار از امید بود.

زمانی که ایشان دبیر شورای امنیت ملی بود یا زمانی که رئیس مجلس شورای اسلامی بود دیدارهای زیادی با ایشان داشتم و اغلب موارد، در جلسات شهید عزیز و بزرگوارمان برادر ارجمندم حاج قاسم سلیمانی (رضوان‌الله تعالی علیه) نیز حضور داشتند. همیشه در موارد جدی گوناگون با هم صحبت می‌کردیم قلب‌هایمان سرشار از امید بود. همواره در حال گفت‌وگو درباره موضوعات حساس و جدی بودیم. یکبار زمانی که من معاون رئیس جمهور بودم با سفرای انگلیس، فرانسه و آلمان دیدار داشتم در آن زمان پرونده هسته‌ای را شهید لاریجانی پیش می‌بردند؛ آن‌ها از من خواستند نامه‌ای را به طرف ایرانی تحویل بدهم و من هم در سفرم به تهران نامه را تحویل برادرم آقای لاریجانی دادم و گفت‌وگوها درباره موضوع انجام شد. کشورهای غربی تلاش داشتند تا پرونده مذاکرات از مقر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین به نیویورک منتقل شود و در نتیجه به دنبال تسهیل در روند کار بودند. ایشان از من خواستند ملاقاتی با خاور سولانا ترتیب دهم و من نیز سفری به اروپا داشتم و با سولانا دیدار کردم و به ایشان گفتم که این موضوع پرونده را پیچیده‌تر می‌کند و پرونده را به طور کامل سیاسی خواهد کرد و حقیقتاً مشخص بود که پرونده سیاسی است و نه فنی.



ب
ین ما بحث‌های فنی زیادی در موارد گوناگون اتفاق افتاد و حقیقتاً این بحث‌ها برای ما بسیار مثمر ثمر و پرفایده بود. شهید فرمانده میدان، عالم و متواضع بود. چند روز قبل از شهادت، ایشان در بین مردم بدون حفاظت و حراست تردد می‌کردند، مانند سایر مسئولان در اینگونه مراسمات. شهادت ایشان برای ما یک خسارت بزرگ است.

دکتر علی لاریجانی با شهادتش به پیروزی عظیمی رسید و همانا این آرزوی همه مؤمنان است. ما ایشان را از دست دادیم و این یک خسارت بزرگ برای ماست اما همیشه خون بر شمشیر پیروز است و این خون‌های پاک و گرانمایه همانا تاکید و تایید بر وعده خداوند سبحان است که می‌فرمایند دلاوران و مومنان پیروزند و فی‌الواقع ما الان می‌بینیم و در زمان پیروزی‌ها زندگی می‌کنیم علی‌رغم تلخی‌های این جنگ‌ها و علی‌رغم فداکاری‌های بزرگ و شهدای گرانقدری که تقدیم کردیم، اما راه پیروزی همواره باز است و افق‌هایش همواره پیش روی ما گسترده است.

سلام بر تو ای شهید گرانقدر. سلام بر روزی که متولد شدی و روزی که به شهادت رسیدی و روزی که زنده مبعوث و محشور خواهی شد؛ و انا لله و انا الیه راجعون و دعای آخرمان الحمد لله رب العالمین.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

عادل عبدالمهدی المنتفکی
سیاستمدار عراقی

شهید علی لاریجانی فرمانده میدان، عالم و متواضع بود

پیام عادل عبدالمهدی المنتفکی؛ سیاستمدار عراقی در پی شهادت دکتر علی لاریجانی در آیین «بزرگداشت شهید علی لاریجانی با عنوان سیاستمدار حکیم ایران»

بسم الله الرحمن الرحيم
وَ لَا تَهْتُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ
إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ
النَّاسِ

در یادبود مردی بزرگ، مردی شجاع و مردی دانشمند گردآمدیم؛ بزرگ مردی که مدت کوتاهی قبل، حدود ۴۰ روز پیش به شهادت رسید و ما امروز در یادبود او از ایشان درس‌ها و پندهای عبرت آموز زیادی فرامی‌گیریم؛ شهید گرانقدر ما برادر عزیز لاریجانی که متولد سرزمین امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) بود. او شاگرد وفادار و مخلصی برای انقلاب اسلامی بود. ایشان شاگرد امام خمینی (قدس سره الشریف) و بازوی قدرتمند و شمشیر بُرانی برای امام خامنه‌ای (قدس الله نفسه الشریفه) بود.

من با برادر عزیزم آقای علی لاریجانی بیش از ۳ دهه پیش آشنا شدم. این شهید بزرگوار حقیقتاً یک برادر عزیز و یک راهنما به‌شمار می‌رفت.

دکتر لاریجانی سیاستمداری معمولی نبود؛ او صاحب پروژه و دیدگاه و بر اصول خود استوار و پابرجا بود. او از زمان جرقه آغازین نهضت اسلامی و در دفاع مقدس و در عرصه‌های سیاست، پارلمان و دیپلماسی در کنار انقلاب ایستاد. برای آن و به خاطر آن تمام زندگی‌اش را فدا کرد. او شخصیتی قوی داشت که ابهتش را از مشعل رسالت می‌گرفت؛ او به راه امام خمینی(ره) ایمان داشت و مسئولیت‌هایش را قاطعانه بردوش می‌کشید و در اطاعت از ولایت و پیروی از راه شهید امت، رهبر شهید آیت‌الله خامنه‌ای ثابت قدم بود. او به‌رغم جایگاه و مقامی که داشت همیشه متواضع بود و این از ویژگی‌های مهم رهبران حقیقی است که با بالا رفتن مقام‌شان فاصله‌شان با مردم زیاد نمی‌شود.

رابطه او با عراق رابطه‌ای فراتر از سیاست و برآمده از دل بود چراکه او زاده نجف اشرف بود و به آن تعلق روحی داشت. او در دل خود احترام خاصی برای عراق، مردمش، حوزه علمیه‌اش و مرجعیت دینی آن قائل بود. او تعاملی مثبت و سازنده با نیروهای مختلف ملی عراق داشت و همواره مورد احترام و اعتماد همه بود.

وقتی از این شخصیت یاد می‌کنیم مکتبی فکری را به یاد می‌آوریم؛ مکتبی که می‌گوید مسئولیت نه یک منصب بلکه یک امانت است و سیاست نه یک مانور که یک تعهد است و قدرت واقعی در پایداری و ثبات در زمانی که جایگاه‌ها متزلزل می‌شود، آشکار می‌گردد. ملت‌های مسلمان غیرتمند هرگز پیام جاودانه و آخر شهید علی لاریجانی را فراموش نخواهند کرد که در آن مسلمانان سراسر جهان و دولت‌های اسلامی را خطاب قرار داد. این سخنان او در خاطر نسل‌ها باقی خواهد ماند که آمریکا وفادار نیست و اسرائیل دشمن است.

این شهید عزیز اینگونه به آگاهی امت از نو جهت داد و مسئولیت‌های ملت‌ها را یادآور شد؛ شاید از خواب غفلت بیدار شوند؛ وی تاکید داشت که وحدت امت اسلامی اگر با تمام قدرت تحقق یابد می‌تواند امنیت، پیشرفت و استقلال تمامی کشورهای اسلامی را تضمین کند.

چهل‌م شهید دکتر علی لاریجانی به ما یادآوری می‌کند که مردان بزرگ نمی‌میرند بلکه به ارزش‌های زنده و دروس ماندگار و به خاطره‌ای تبدیل می‌شوند که نسل‌ها برای انتخاب راه سربلندی و زندگی شرافتمندانه به حرکت درمی‌آورد و بهترین پاداش را نصیب او فرماید. او هرآنچه که می‌توانست انجام داد و بذل جان بالاترین مرتبه سخاوت است.))



شهید لاریجانی برای انقلاب ایران زندگی‌اش را فدا کرد

پیام علی‌الدفاعی، سخنگوی رسمی مجلس اعلا‌ی اسلامی عراق به مراسم بزرگداشت شهید علی لاریجانی:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ
مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا

ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است و بهترین درود و کامل‌ترین سلام نثار برترین مخلوقات خاتم پیامبران و رسولان سرور ما حضرت محمد(ص) و خاندان پاک و مطهر و یاران برگزیده‌اش.

باعث افتخار ماست که امروز به نیابت از جناب شیخ دکتر همام حمودی، رئیس مجلس اعلا‌ی اسلامی عراق به مناسبت چهل‌م شهادت مردی با شما سخن می‌گویم که در مسیر امت اسلامی فردی بی‌تاثیر نبود. از دکتر علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران یاد می‌کنیم تا همراه با او الگویی منحصر به فرد را معرفی کنیم که علم و مقام و اندیشه و مسئولیت را یکجا داشت تا زمانی که به افتخار زندگی جاودانه و عظمت بی‌پایان در پیشگاه خداوند دست یافت.



دکتر علی لاریجانی؛ حکمت دولت در زمان تحولات

پیام سید عمار حکیم؛ رئیس جریان حکمت ملی عراق - بغداد به مراسم بزرگداشت شهید علی لاریجانی:

حقه مذهب امامیه و احکام روشن شریعت از سرچشمه اصیل آن آشنا شد. از این رو، در تمام دوران پربرکت علمی و عملی خود، حامل پرچم اسلام، تشیع و دفاع از حوزه و مرجعیت دینی باقی ماند. این ویژگی در سیره و رفتار اخلاقی شخصی او نیز دیده می‌شد.

این شهید شجاع اسلام، علی لاریجانی (رحمه الله)، در تمامی مواقف زندگی سیاسی و جهادی خود با دیدگاهی جامع که تلفیقی از آموزه‌های حوزوی و آموخته‌های دانشگاهی فلسفه بود، پیش می‌رفت. به همین دلیل در تمام مناصب عالی حکومتی که بر عهده گرفت - چه در جایگاه وزارت، چه ریاست سازمان صداوسیما، چه ریاست مجلس شورای اسلامی، چه دبیری شورای عالی امنیت ملی ایران - توجه داشت که ریشه‌های دینی و تجربیات علمی خود را در دفاع از هدف بزرگ‌تر یعنی اسلام، همراه خود بیاورد. او با پیشینه فلسفی و تخصص دقیق خود در فلسفه غرب، پیوندی میان اندیشه و سیاست، فرهنگ و مدیریت و میان صلابت در موضع‌گیری و انعطاف در تصمیم‌گیری برقرار می‌کرد. از این رو

در عموم امت‌ها و جوامع، شخصیت‌هایی حضور دارند که به مناصب‌شان خلاصه نشده و محدود به جایگاه‌های رسمی‌شان نمی‌شوند. تاثیر واقعی این شخصیت‌ها از محدوده وظیفه‌شان فراتر رفته و به ساختن چشم‌انداز، ایجاد تعادل و مشارکت در شکل‌دهی به مسیرهای بزرگی می‌انجامد که کشورها از طریق آن‌ها به سوی آینده خود حرکت می‌کنند.

وفات برخی از شخصیت‌ها یک رویداد زودگذر در حافظه سیاسی به شمار نمی‌رود، بلکه این رفتن به لحظه‌ای برای تأمل تبدیل می‌شود که خوانش تجربه، یادآوری درس‌ها و بازاندیشی در مفهوم دولت و اهمیت حکمت و بصیرت سیاسی در لحظات سرنوشت‌ساز را طلب می‌کند. شهید والامقام دکتر علی لاریجانی (رحمه الله) از همین دسته بود. او در بطن حوزه نجف اشرف زاده شد و در مکتب پدرش، مرجعیت کبیر شیعه، میرزا هاشم آملی (قدس سره) پرورش یافت، پیش از آنکه ایشان به حوزه علمیه قم مهاجرت کند. او از کودکی با اصول اسلام حنیف، اصول

پیچیدگی‌ها را دارد و نیز توانایی ایجاد پل ارتباطی و زنده نگه داشتن راه‌های گفت‌وگو در لحظه‌های بحرانی را نیز از دست بدهد. دولت‌ها با رفتن متصدیان مناصب‌شان فقط خلا آنها را حس نمی‌کنند، بلکه گاهی به فقدان زاویه دیدی دچار می‌شوند که با آن پیچیدگی‌های امروز را می‌دیدند و احتمالات آینده را پیش‌بینی می‌کردند.

مردان از دنیا می‌روند، اما نام و راهشان استوار می‌ماند. اندیشه‌های درست باقی می‌ماند، تجربه‌های ژرف ادامه پیدا می‌کند و تأثیر حقیقی آنها ماندگار می‌شود. شخصیت‌هایی که زندگی خود را وقف خدمت به میهن و آرمان‌هایشان کرده‌اند از حافظه جمعی بیرون نمی‌روند. این بزرگان در آینده الگو و الهام‌بخش حافظه سیاسی نسل‌ها را شکل می‌دهند و آیندگان از آنها می‌آموزند که ساختن کشور، هم اراده می‌خواهد و هم خرد؛ هم قدرت می‌خواهد و هم حکمت.

شهید لاریجانی (رحمه الله) که در نجف اشرف عراق زاده شد، در تمام مراحل زندگی خود هوادار عراق و طرفدار آرمان‌های مردم عراق باقی ماند. ما این ویژگی را در هر کاری که با اخلاص و از خودگذشتگی برای ثبات، آینده و آبادانی عراق انجام می‌داد، از او حس می‌کردیم. او مسئول ایرانی‌ای بود که میان منافع کشورش و کشور محل تولدش فرقی نمی‌گذاشت. او همواره صدای مدافع عراق در مرکز تصمیم‌گیری ایران بود و با روحیه‌ای حسینی و عقلی اسلامی گشاده، برای نزدیکی دو کشور و برقراری پیوندهای برادری میان دو ملت تلاش و مبارزه می‌کرد.

خداوند شهید بزرگ دکتر علی لاریجانی (رحمه الله) را رحمت کند. او نمونه عالی از دولتمردی بود که به نهادها باور داشت، پیچیدگی‌های روزگار را درک کرد و کوشید تصمیم‌گیری‌های کلان حکیمانه باشد و مسیرهای رسیدن به ثبات از میان همه نیروها و منافع بگذرد. و همیشه امیدواریم که ملت‌ها بتوانند تجربه‌های مردان مخلص خود را به سه چیز تبدیل کنند: اول، به آگاهی و دانایی انباشته‌شده؛ دوم، به نهادهایی محکم و استوار؛ سوم، به پل‌هایی برای ارتباط و همکاری. تا کشورها با کمک این سه عامل، به سوی آینده‌ای حرکت کنند که پایدارتر باشد و بتواند بهتر در برابر سختی‌های روزگار بایستد. به مناسبت این رویداد تلخ، از مردم ایران عزیز دعوت می‌کنم که با حفظ همبستگی به راه شهیدان ابراری چون شهید لاریجانی (رحمه الله) تمسک جویند و بر روش او که بر پایه صبر، بصیرت و استقامت بود، ادامه دهند.

سید عمار حکیم
رئیس جریان حکمت ملی عراق - بغداد

حضورش در درون صحنه ایران ویژه بود و تأثیرش به فضاهای منطقه‌ای و بین‌المللی گسترده‌تری کشیده شد.

نباید حضورش را صرفاً به دلیل مسئولیتی دانست که بر عهده‌اش گذاشته بودند، حضور او حاصل طی کردن مسیری طولانی از تجربه، دانش و کار در بخش‌های حساس مربوط به امنیت، سیاست و روابط بین‌الملل بود، به گونه‌ای که او به یکی از ارکان تفکر راهبردی ایران تبدیل شد و نامش در کنار کسانی قرار گرفت که می‌توانستند تحولات پیچیده را درک کنند و با چالش‌های آن روبه‌رو شوند. حضورش در پرونده‌های دشوار راهبردی، امنیتی و دیپلماتیک باعث شد تجربه‌اش جزئی از حافظه دولت مدرن ایران به شمار رود.

شهید علی لاریجانی (رحمه الله) ویژگی نادری داشت. او هم پیشینه فکری و فرهنگی عمیقی داشت و هم در عین حال در کار اجرایی و سیاسی فعال بود. او نمونه‌ای کم‌نظیر از کسی بود که میان اندیشه فلسفی‌اش با کار نهادی و تمرکز بر پرونده‌های پیچیده راهبردی پیوندی برقرار کرده بود. این ویژگی باعث شد حضورش فراتر از یک مدیر معمولی باشد و در شکل‌دهی به سیاست‌های کلان کشور نقش داشته باشد. همچنین این ویژگی به او توانایی استثنایی داد تا تغییرات را به درستی بفهمد، پیچیدگی‌های منطقه را درک کند و از نگاه زودگذر و روزمره به رویدادها پرهیز کند و در نگاه به آنها منافع بلندمدت کشور را مدنظر داشته باشد.

در روزگاری که سیاست اسیر واکنش‌های زود هنگام و سخنرانی‌های پرتنش شده است، بیش از هر زمان دیگر به شخصیت‌هایی نیاز داریم که باور داشته باشند بنای کشورها بر شتابزدگی نیست، بلکه بر انباشت تجربه استوار است و نیز بدانند که کشورها تنها با شعار ساخته نمی‌شوند، بلکه با چشم‌انداز روشن و توانایی مدیریت تعادل‌ها شکل می‌گیرند.

منطقه در دهه‌های اخیر به شدت نیازمند کسانی بود که با منطق دولت (ساختارمند) ببینند، نه با منطق لحظه‌ای؛ با عقل مسیرسازی عمل کنند و نه اینکه فقط به مدیریت بحران بپردازند؛ رویکردشان وحدت‌آفرین باشد نه تفرقه‌افزا و با حکمت گفت‌وگو پیش بروند، نه با منطق طرد. شهید دکتر علی لاریجانی (رحمه الله) از جمله کسانی بود که باور داشت قدرت کشورها فقط از ابزارهای بازدارنده به دست نمی‌آید، بلکه از توانایی آنها در پرورش عقل سیاسی‌ای ناشی می‌شود که بتواند پیچیدگی‌ها را مدیریت، بحران‌ها را مهار و فضای برای همکاری ایجاد کند که جلوی فرورفتن به بحران‌های پیش‌بینی نشده را بگیرد.

منطقه ما امروز با تغییرات بزرگی روبه‌روست؛ مشکلات امنیتی زیاد شده، اختلافات سیاسی عمیق‌تر گشته و اوضاع اقتصادی و اجتماعی به سرعت در حال تغییر است. به همین دلیل بیش از هر زمان دیگر به اندیشه‌هایی نیاز داریم که چشم‌انداز داشته باشند، تغییرات را به خوبی فهم کنند، به گفت‌وگو باور داشته باشند و بدانند که ثبات و آرامش به دست یک نفر ساخته نمی‌شود. ثبات زمانی به وجود می‌آید که عقلا دست به دست هم بدهند و عقلانیت بر عجله و شتابزدگی پیروز شود. تجربه نشان داده که لزوماً نبود شخصیت‌های کلیدی در لحظه‌های تحول بزرگ، به بی‌ثباتی منجر نمی‌شود، اما در بسیاری از موارد چنین غیبتی می‌تواند خلأهای پیچیده‌ای ایجاد کند که آثارش حتی امنیت منطقه، فرصت‌های تفاهم و امکان ایجاد تعادل برای محافظت از مردم در برابر درگیری‌ها را دستخوش تغییر کند.

منطقه‌ای که با چالش‌های پیچیده دست و پنجه نرم می‌کند، با رفتن شخصیت‌های تأثیرگذار تنها یک فرد را از دست نمی‌دهد. بلکه ممکن است همراه با او، تجربه انباشته‌شده، عقل سیاسی‌ای که توانایی فهم





شهید علی لاریجانی برای کشور مفید بود

پیام عزت‌الله ضرغامی، رئیس اسبق سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به مراسم بزرگداشت شهید علی لاریجانی:

عمل نیز در هر مسئولیتی که برعهده گرفت، کارنامه‌ای مؤثر، مفید و موفق از خود برجای گذاشت.:

رئیس اسبق صداوسیما با اشاره به ویژگی‌های مدیریتی لاریجانی افزود: «در هر جایگاهی که قرار گرفت، توانست منشأ اثر باشد و همین ویژگی، او را در زمره مدیران تراز جمهوری اسلامی قرار می‌دهد؛ مدیری که هم در ساحت نظر و هم در میدان عمل، واجد صلاحیت و اثرگذاری است.»

ضرغامی همچنین اربعین شهادت لاریجانی را فرصتی برای بازخوانی این الگوی مدیریتی دانست و گفت: «در یکی از جشواره‌های صداوسیما، در شرایطی که هجمه‌های تندی علیه مرحوم هاشمی رفسنجانی وجود داشت، ایشان پیشنهاد دادند از وی برای حضور در مراسم دعوت شود؛ اقدامی که نشان‌دهنده روحیه جوانمردی و نگاه فراگیر او بود.»

وی در پایان گفت: «چنین ویژگی‌هایی است که از شهید علی لاریجانی، چهره‌ای ماندگار در عرصه مدیریت جمهوری اسلامی ساخته و یاد و نام او را به‌عنوان الگویی از پیوند اندیشه و عمل، زنده نگه خواهد داشت.»

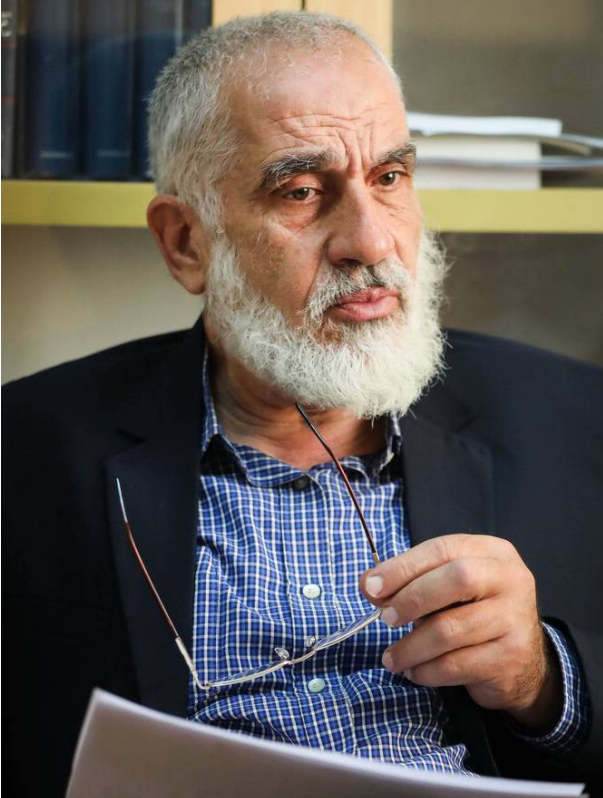
عزت‌الله ضرغامی ضمن عرض تسلیت شهادت دکتر علی لاریجانی به سابقه همکاری نزدیک خود با وی اشاره کرد و گفت: «سال‌ها در مقاطع مختلف در کنار ایشان فعالیت داشتم؛ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تا صداوسیما. روزی که به‌عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی انتخاب شدند، همان شب با من تماس گرفتند و از فردای آن روز همکاری ما آغاز شد.»

وی با اشاره به خاطره‌ای از مراسم تودیع لاریجانی در وزارت ارشاد افزود: «در آن مراسم، به‌طور ناگهانی مسئولیت سخنرانی به من واگذار شد و همان‌جا نکاتی را درباره ایشان بیان کردم که سال‌ها بعد، در مراسم تودیع ایشان از صداوسیما و حتی پس از شهادتشان نیز بر همان مضامین تأکید کردم.»

ضرغامی در ادامه با استناد به آیه «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» و با اشاره به تفسیر استاد شهید مطهری، گفت: «میان فکر و عمل، رابطه‌ای متقابل و تکامل‌بخش وجود دارد؛ نه فکر به تنهایی کافی است و نه عمل. این دو در تعامل با یکدیگر، انسان را به تعالی می‌رسانند.»

وی تأکید کرد: «شهید علی لاریجانی به‌معنای واقعی، مصداق این مفهوم بود. او از اندیشه‌ای اصیل، قوی و زاینده برخوردار بود و در عرصه

چند روایت از یک شخصیت <



گفت‌وگو با سیدموسی دیباج

سلوک یک سیاستمدار اهل تأمل او مقلد هیچ دستگاه فکری نبود

در امر دوستی سخن گفتن به غایت آسان بود زیرا که هر آینه طینت انسان از مهر و محبت و دوستی برآمده و هیچ انسانی نیست که در دوستی نیوفتاده و از دوستی نگرفته و گرفتار نباشد پس آن سهل است و به ادراک و افهام و احساس از آن می‌توان گفتن اما همانقدر که از ماهیت و مفهوم دوستی می‌توان سخن گفت از مصادیق دوستی یعنی این دوست یا آن دوست، از دوست که مرجع دوستی است، نتوان گفتن زیرا که در مقارنت و قرابت خاصیت ضد ظاهر شود چون نزدیک است آن را به خویش می‌نمایی ولیکن نه تو او باشی و نه او تو باشد.

شهید دکتر علی اردشیر لاریجانی مردی پرمایه و بلند مرتبه و عالمی رفیع و ارزشمند بود، اعلی الله مقامه. از نخستین آشنایی او را با ظاهری آراسته و شیوه‌ای متمایز یافتیم با خلقی نرم و دوست‌داشتنی و صورتی دلپسند. در ذات آرام بود و مطمئن و ناشوریده و کمتر به هیجان گرفتار می‌شد. از همان جوانی در شعار ظاهر زیبا و در دثار نیز با حسن و کمال بود. در دوره فوق‌لیسانس و اوایل دوره دکتری در گروه فلسفه دانشگاه تهران با هم بودیم. در دروس فلسفه غرب و بهتر بگویم غرب‌شناسی مرحوم سیداحمد فردید حاضر می‌شدیم و به معیت، استاد فردید را پس از درس‌های او که غالباً فصل و طولانی بود به منزل او در کوچه مهربانی می‌رساندیم. در این همراهی پرسش و پاسخ‌ها صورت می‌گرفت. در ماشین پیکان زرد رنگ او هم رانندگی را انجام می‌داد و هم با دقت در مباحثه سهیم بود.

برای بسیاری نام شهید دکتر علی لاریجانی بیش از هر چیز با عرصه سیاست و مدیریت گره خورده است؛ اما در پس این چهره شناخته‌شده، ذهنی شکل گرفته در فضای فلسفه، تأمل و گفت‌وگوی نظری نیز حضور داشت. سال‌های تحصیل در گروه فلسفه دانشگاه تهران، معاشرت با استادان برجسته و پیگیری جدی مباحث فکری، بخشی کمتر روایت‌شده از زندگی اوست که بر شیوه تصمیم‌گیری، منش فردی و نگاه مدیریت‌اش اثر گذاشت. در گفت‌وگوی پیش رو، سید موسی دیباج؛ فیلسوف و دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تهران از خاطرات مشترک، دغدغه‌های فکری، سلوک علمی و نسبت میان اندیشه و کنش در شخصیت شهید لاریجانی سخن می‌گوید؛ روایتی از لایه‌هایی که برای شناخت کامل‌تر این چهره، نمی‌توان از کنار آن‌ها گذشت.

نخستین آشنایی شما با شهید علی لاریجانی به چه دوره‌ای بازمی‌گردد و در همان مواجهه نخست چه ویژگی‌هایی از شخصیت ایشان برای شما برجسته بود؟

والصلوة والسلام علی سیدالانبياء و المرسلین محمد المصطفی و علی آله الطیبین

رخط یار بیاموز مهر بارخ خوب که گرد عارض خوبان خوشست گردیدن

خاصی نبود. او هم هایدگری بود و هم کانتی. من با او درباره موضوع رساله دکتری‌اش بحث‌های بسیاری داشتم. حقیقت امر این بود که نظریه کانت درباره قضایای ریاضی در جایگاه قضایای تألیفی ماتقدم را نمی‌توان بهترین نظریه در تبیین ماهیت قضایای ریاضی دانست. فی‌المثل گزاره‌های ریاضی در نظر ویتگنشتاین که در تراکتاتوس و دیگر آثار او به تفصیل آمده استدلال قابل قبول‌تری دارد به خصوص با عنایت به عمومیت و اطلاق و اقتدار گزاره‌های این همانی. مطلب ماهیت قضایای ریاضی در دایره این همانی‌ها (این همینی‌ها به تعبیر من) هضم و جذب می‌شود. اما این اصل ماجرا در بحث با ایشان این نبود.

اصل قضیه این است که در تفکر استعلایی کانت موضوعات و مطالبی وجود دارد که از مسئله ماهیت قضایای ریاضی بسیار مهم‌تر و مفیدتر و حساس‌تر است و به خصوص در آن زمان که علی لاریجانی استادی و تدریس در دپارتمان فلسفه در کشور خودمان یا هر جای دیگر را خواسته و آرزوی شیرین خود تلقی می‌کرد. آشنایی و احاطه به امهات اندیشه استعلایی و فلسفه کانت مستلزم این بود که از محدودیت‌های فلسفه علم و فلسفه ریاضی و دیگر فلسفه‌های مضاف فاصله گرفته و به جانب منابع اصلی اندیشه در نقدهای سه‌گانه و به طور کلی مبنای شگرف فلسفه کانتی توجه شود. من و ایشان بارها برکنار جوی گذران در ناحیه غربی درب دانشگاه، موسوم به درب قدس، می‌نشستیم و در این مطالب بحث و تبادل رأی داشتیم. علی هیچگاه به جڑ و بحث نمی‌آمد و اهل جڑو بحث نبود سخن را با حوصله می‌شنید و باصوری شایسته یک محقق جدی پاسخ می‌گفت. به گمان من انگیزه او در ورود به مباحث فلسفه ریاضی از ناحیه استاد ایشان آقای دکتر حداد عادل سرچشمه می‌گرفت.

به نظر شما مهم‌ترین وجه تمایز شهید علی لاریجانی در میان مدیران و سیاستمداران معاصر ایران چه بود؟ اگر بخواهید میراث فکری و سیاسی شهید علی لاریجانی را در یک قاب کلی برای نسل‌های بعدی توصیف کنید، بر کدام ویژگی یا دستاورد بیش از همه تأکید می‌کنید؟

در آن دوران در وزارت خارجه به تناوب مسئولیت میزهای آلمان غربی، شوروی، واتیکان و مالت را برعهده داشتم و علی در سازمان سپاه مسئولیت مهمی را به عنوان معاون بخش فرهنگی برعهده داشت. او تمایل داشت در کنار او در سپاه همکار باشم ولیکن من که پیشتر تجربه کار در پذیرش سپاه در کنار سردار ایزدی، دکترناظمی عزیز و حسین دهقان و دیگر دوستان را داشتم فضای کاردر محیط قانونمند و مصلوب نظامی را چندان متناسب عشق و علاقه خود در جست‌وجوی تأملات فلسفی نمی‌یافتم از پیشنهاد پرمهر او برای همکاری فطره رفتم. شهید علی لاریجانی هر جا که بود مفید برای آن جمع بود و به یقین می‌دانستم سپاه پاسداران از وجود وی بسیار بهره‌مند است و این سودمندی محدود بخش به بخش فرهنگی نبود بلکه حضور او در همه امور و در مشاوره‌ها کارساز و روشن‌گرانه بود گرچه شاید تمایل روحی و ذهنی و خلق و خوی و سابقه انقلابی‌گری و عشق به سلاح و مبارزه چریکی بیش از ایشان بود اما در تقدیر خدمت او به سپاه ارجمند و عزیز بی‌شائبه‌تر و مؤثرتر و موفق‌تر بود. خداوند این اعمال و مجاهدات مخلصانه او را مقبول درگاه خویش سازد و روح با فتوح او را با مجاهدان پاکباز محشور کند.

در سال‌های نخست پس از انقلاب، فضای فکری شهید لاریجانی چه مختصاتی داشت و ایشان چه نسبتی با جریان فکری استادانی چون سید احمد فردید برقرار می‌کرد؟

ایشان مانند من در آن حال و فضای سال‌های اول انقلاب به تفکرات مرحوم سیداحمد فردید علاقه نشان می‌داد. او به مطالب استاد فردید با دقت خاص توجه داشت و همه چیز را محققانه و به نحو دقیق تفحص می‌کرد. نگرش‌ها و اندیشه‌های فردید در موضوع غرب و سرنوشت جهان و زمان، ما را مجذوب ساخته بود اما همچنان که زمانه بعدها نشان داد علی لاریجانی به‌رغم احترام بی‌شائبه به استاد و من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً مجذوب و مفتون فردید نبود و نه دلیسته بی چون و چرای هیچ استاد دیگر از گروه فلسفه. شخص خویش بود و رأی و عمل خویش می‌داشت و افکارش تازه به‌رغم آنکه قدر اندیشه استاد فردید و دیگران می‌داشت اما اندیشه را با اندیشه مقارنه می‌کرد و با همه لطافت بینش و اندیشه و نزاهت خو و رفتار، حق و حقیقت پاس می‌داشت و رأی به سهل به این و آن نمی‌داد.

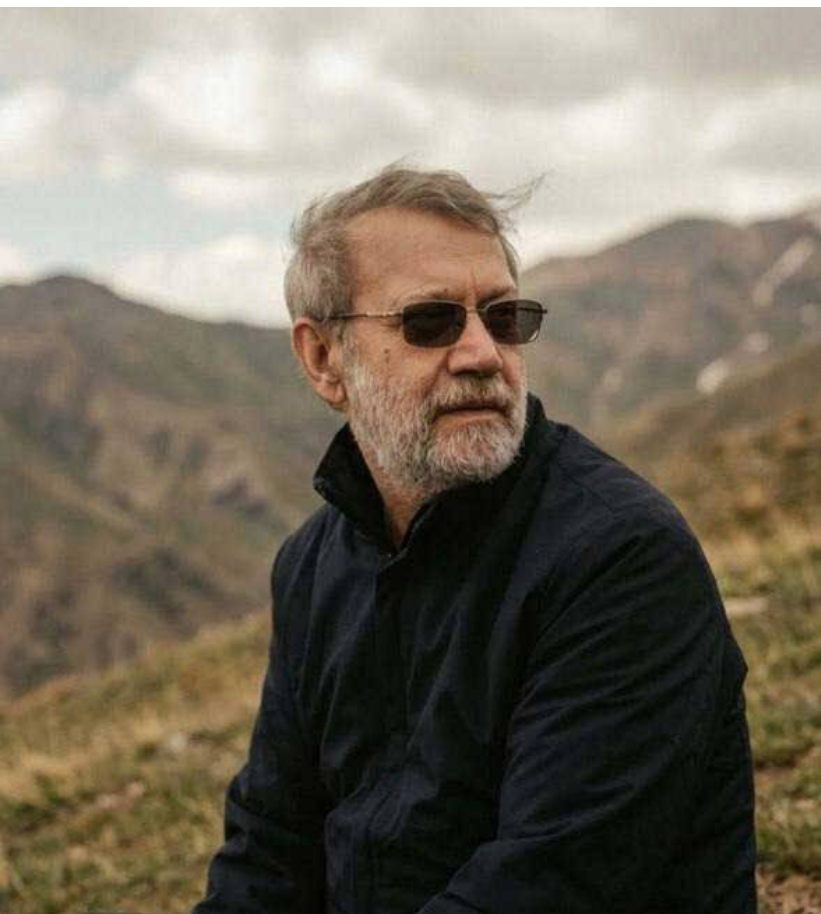
در آن زمان که در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وظیفه معاون فرهنگی را عهده‌دار بود و در گیرودار مسائل جنگ ایران و عراق و ما به کرات درباره سرنوشت جنگ گفت‌وگو می‌کردیم من از پایان جنگ و امکان ظفر و اینکه زمان به سود چه کسی است مطمئن نبودم و به خصوص بعد از تجربه تلخ فاو نسبت به عاقبت امر تردید داشتم لیکن ایشان در هر حال امیدوار بود و ورود رزمندگان به خاک عراق و نزدیکی به بصره را حاکی از قریب‌الوقوع بودن پیروزی می‌دانست. هر دو به اهمیت دفاع مقدس واقف بودیم و هیچگاه دشمنی و دشمن را حقیر و بیچاره نمی‌شمردیم. در وجود او ترس و جبن نمی‌دیدم و او را به‌رغم ظاهر و ذهن و آداب روشنفکری‌اش دوستی با صلابت و مستقر می‌دانستم. کسی که فلسفه خوانده درمی‌یابد که از مردم فیلسوف شجاع کمتر یافته می‌شود و جماعت فیلسوفان از هر مکتب و مسلک و اندیشه به ندرت اهل میدان و مبارزه‌اند و فیلسوف حتی چنانچه موافق حق باشد و در جدال حق علیه باطل بی‌طرف نباشد در عمل اکثراً به نظر اکتفا کند و تن و جان خویش خسته نسازد. مع هذا علی لاریجانی به حد خویش محکم، شجاع و ناترس بود و از این حیث در میان اساتید و دانشجویان دوره ما صادقانه بگویم از دیگران متمایز بود.

اندک‌اند از جمع فیلسوفان بزرگ عالم که اهل جهاد و جنگ و میدان باشند و من نام تنی چند می‌برم: اول شخص سقراط است که در جنگ‌های ایرانیان علیه یونانیان با شجاعت و رشادت مثال زدنی ظاهر می‌شده و در رساله‌های لاخس و آکلبیادس شرحش آمده است و دیگر رنه دکارت است که کتاب تأملات را در دوره نقاهت پس از جراحی‌های ناشی از حضور در جنگ نوشته است. لیکن به عقیده من شجاع‌ترین فیلسوف را شاید بتوان ویتگنشتاین دانست، لودویگ در نوجوانی در جنگ با ایتالیا به خواست خویش سرباز شد و به اسارت درآمد و تراکتاتوس را او در زندان اسارت به تحریر آورده است. بزرگ‌ترین کتاب فلسفی قرن بیستم را یک سرباز نوجوان نوشته است. به یمن تحریر همین کتاب اسباب نجات او از زندان فراهم گشت.

مرحوم مغفور شهید علی لاریجانی در تمایلات فلسفی خود تابع هیچ نظام و دستگاه معین فلسفی و پیرو بی چون و چرای فیلسوف

او به مطالب استاد فردید با دقت خاص توجه داشت و همه چیز را محققانه و به نحو دقیق تفحص می‌کرد.

در وجود او ترس و جبن نمی‌دیدم و او را به رزم ظاهر و ذهن و آداب روشنفکری‌اش دوستی با صلابت و مستقر می‌دانستم.



بنا به دلایلی تصمیم به استعفا از دستگاه امور خارجه گرفتم و عازم آمریکا شدم. گفت‌وگوهای علی و من پس از سفر به ایالات متحده ادامه یافت. خبر ورود خود را به دپارتمان فلسفه دانشگاه کاتولیک آمریکا (CUA) برایش نوشتم. توصیفات من از فضای علمی و فلسفی و تعریف از اساتید برجسته حاضر در حوزه هرمنوتیک و پدیدارشناسی گروه مذکور مؤثر افتاد و ایشان از من خواست تا به نیابت برای او پذیرش بکیرم و نشان می‌داد که بسیار متمایل به ادامه تحصیل در کنار یکدیگر است. این کار را برای او انجام دادم، نه یکبار و بلکه دوبار به تناوب برای او پذیرش گرفتم و در ضمن نامه‌هایی که برای او نوشتم خاطرنشان کردم که باید از همه چیز، از موقعیت و مقام و منصب اداری دست بشویی تا بتوانی به این مهم نایل شوی و ایشان آمادگی خود را اعلام می‌کرد ولی به نتیجه نرسید و او نتوانست خود را از گرفتاری مسئولیت اجرایی در انتشارات امیرکبیر برهاند. البته وجود این شخص در کشور مغتنم بود و قائد شهید حضرت آیت الله العظمی خاانه‌ای (رحمت الله علیه) پس از چندی ایشان را به ریاست صدا و سیما منصوب کرد. از برکات حضور لاریجانی صدا و سیما به توسعه مورد نیاز دست یافت. بعدها پس از اتمام تحصیلات که به ایران بازگشتم ایشان بار دیگر مرا به قبول مسئولیت در صدا و سیما و کار در کنار خود دعوت کرد و من که فرصت را تنها در اندیشیدن و در حوزه مخصوص فیلسوفان جست‌وجو می‌کردم از پذیرش پیشنهاد مهرآمیز او اجتناب کردم. حلقه پیرمغان از ازل در گوش است برهمنیم که بودیم و همان خواهد بود

فیلسوفی در میدان سیاست

شما که سال‌ها به تدریس و پژوهش در فلسفه اشتغال دارید، شهید علی لاریجانی را از منظر فکری چگونه طبقه‌بندی می‌کنید؟ آیا می‌توان از یک نظام فکری مشخص در اندیشه ایشان سخن گفت؟

پیشینه فلسفی و حوزوی این شهید بزرگوار چگونه در منش مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های او منعکس شده است؟ آیا ایشان نمونه‌ای از «عقلانیت فلسفی در عمل» بودند؟

ما در گروه فلسفه دانشگاه تهران یک چند سلیقه و شرب رایج و بلکه حاکم داریم. مشرب سنت عام فلسفه و فیلسوفان کلاسیک، مشرب کانتی‌ها و نوکانتی‌ها، مشرب هایدگری‌ها و کمتر مشرب تحلیلی‌ها و فیلسوفان حلقه وین و مشرب فلاسفه اسلامی از بوعلی سینا تا ملاصدرا. دکتر علی لاریجانی گرچه بیشتر به تدریس فلسفه کانت اشتغال داشت و در آن تخصص داشت اما اندیشه او را نمی‌توان در زمره تفکر کانتی‌ها برشمرد و او را وفادار بی‌چون و چرا به فیلسوف آلمانی به شمار آورد. در نظام فکری او نشانه‌هایی از فهم اصیل بنیادی مخصوص به او می‌بینیم. عالم‌گزینشگری موهوب به درک متعالی، سلیقه‌ای ژرف و بهره‌ای متناسب از زیبایی‌شناسی.

ایشان به هیچ‌وجه مقلد این رأی و آن رأی فیلسوف نبود و از منش تقلیدی روشنفکران متعارف فاصله داشت.

در نه گفتن به فیلسوفان غربی در آنجا که مبانی اندیشه آنها را در تعارض و تضاد با عالم و آدم خود می‌دید جای درنگ نمی‌دانست. به هیچ‌وجه مقلد این رأی و آن رأی فیلسوف نبود، و بهتر است بگوییم ایشان برکنار و کرانه بود از منش تقلیدی روشنفکران متعارف، انسان‌های احساسی و گرفتار در حال و هوای زمانه‌پسند.

از بین اساتید گروه فلسفه ما، از همدوره‌های عزیز ما، مرحوم مغفور علی لاریجانی پخته‌تر و با کمال‌تر از بسیاری از دوستانی بود که یکایک آنها را می‌شناسم و تجربه کرده‌ام. شاید این گفته من موجب تعجب شود اما حقیقت این است که ایشان از هرگونه بخل و ضنّت و تنگ‌نظری مرسوم و متداول که متاسفانه در بعضی از دپارتمان‌ها و دانشکده‌ها و میان اساتید رایج است مبری بود، رحمت‌الله علیه. نسبت به همکاران از مهتر و کهتر مهربان بود، رعایت ادب و احترام نسبت به دیگران که از علائم بارز اخلاق حسنه است در ایشان به وفور متجلی بود و لذا از دیگران نسبت به ایشان جز خوبی و نیکویی نمی‌شنیدیم.

رفتار علمی و آکادمیک ایشان مایه وزانت گروه ما بود و دیگران باید از ایشان می‌آموختند. بلندنظر بود و جای خویش را با حضور دیگران تنگ نمی‌یافت. ایشان به موهبت قلب سلیم و ذهن بلند و ضمیر صافی خویش درباره کار علمی دیگران تفحص می‌کرد، می‌شنید یا می‌خواند و به درستی حکم می‌کرد. از هرگونه ضیق و تنگ‌نظری و خست مبری بود، حلیم بود و از زمره والعافین عن الناس دانای به منازل و مواقع کلام و سخن را به جا ادا می‌کرد و حدود را نگاه می‌داشت. تعصب فکری و ذهنی که آفت اندیشه برای یک حکیم است در او نبود. در مراتب ایمانی و عقیدتی مکانتی خاص یافته بود؛ اما درویشی می‌کرد و کمتر اظهار می‌نمود. ایمانش اصیل، محکم و عمیق بود.

خداوند به همه مجاهدان راه خود اجر عمل سیاسی شایسته عطا فرماید و ما نباید نیات پاک و خالصانه افراد درگیر در عمل را به سؤال ببریم. هر کسی به ظن و به اندازه همت به عمل سیاسی یاری رساند و این بدیهی است و مهم حفظ اصول اعتقادی مشترک است.

لاریجانی به حزب سیاسی خاصی تعلق نداشت و این توصیف نه از وزان عمل سیاسی او می‌کاهد و نه چیزی به آن می‌افزاید. البته رها ساختن خود از تعلقات حزبی و سیاسی و گروهی خود یک هنر اخلاقی است که کار هر کس نیست. مسلم است که در گذر زمان شیوه سیاسی او روز به روز پخته‌تر می‌شد و از خامی سیاست‌زدگی فاصله می‌گرفت. این آمادگی‌ها مقدمه‌ای برای قبول سرنوشت نهایی او بود. صیورت انفسی او به کمال بود و عمل سیاسی او در حد مرزی.

به نظر شما، نسبت میان فلسفه نظری و کنش سیاسی در شخصیت شهید لاریجانی چگونه بازتاب یافته است؟

ایشان در مهمترین دوره کاری سیاسی که از طرف قائد شهید به وظیفه دبیر شورای عالی امنیت گمارده شد نهایت همت صادقانه و کوشش مخلصانه از خود بروز داده و در مسیر تحقق منویات اساسی رهبری بسیار خوش درخشیدند. به عقیده این جانب به‌رغم کوتاه بودن این دوره، عمل فرهیخته سیاسی شهید لاریجانی از نظر پختگی و پرداخت و کیفیت و تأثیر در طول حیات و فعالیت سیاسی وی کم‌نظیر و مثال زدنی است. ایشان توانستند با حضور کاملا حرفه‌ای در این دوره کوتاه نقش میانجی‌گرانه یک سیاستمدار برجسته ایرانی را به خوبی ایفا کند و در اجرای مسئولیت شناسانه آن بکوشد و وظایف محول را به نحوی سامان دهد که مخاطرات کشور در زمان فقدان رهبری در نظام ولایت فقیه و کشور جمهوری اسلامی ایران به حداقل کاهش یابد.

یا می‌توان گفت شهید علی لاریجانی در میان سیاستمداران معاصر ایران، نمونه‌ای از عقلانیت فلسفی در عمل است؟

سیاست‌ورزی ایشان متمم عمل سیاسی مقام عالی ولایت بود که به سرای باقی شناخته بود. من این دوره محدود را متمایزتر و با هویت تر از همه کوریر سیاسی ایشان از جمله در مقام ریاست دو دوره مجلس (ریاست ایشان در مجلس شورای اسلامی کار سخت و دشواری

بود. بس نکته غیرحسب نباید که تا کسی مقبول طبع مردم صاحب‌نظر شود یک غنیمت و فرصت بود برای این مجلس و نمایندگان با همه سلايق و سوابق و دیدگاه‌های گوناگون درباره مسائل سیاسی زیرا در خیل نمایندگان ایشان از هر اجماع‌سازی و پیش بردن امور حظ و بهره‌و آفری داشت و البته همچنان که امر شورا و اجماع در هر مجلس ویژگی‌های خود را دارد و هیچگاه در تحقق آرزوی سیاسی به غایت دست نیابد.) و حضور کوتاه در دولت احمدی‌نژاد و ریاست سازمان صدا و سیما می‌دائم و ایثار و شهادت او در پایان این دوره را نشان رضای حق تبارک و تعالی از کوشش‌های صادقانه و مخلصانه او در اعتلای نظام و کشور جمهوری اسلامی. سرانجام آنکه، العارفون بالهمم واللهم للوصول، در واقعه شهادت او از مرد سیاسی شایع و عام متمایز شد و سرنوشت او بسیار بهتر از سرنوشت اقران و مردان سیاسی رقم خورد و عملش با شهادت او به مطرز معنوی ظاهر و برای همیشه جاودانه ماند. الحکیم یوفی الامور حقها.

به‌رغم تخصص ایشان در فلسفه کانت ایشان را بیشتر با تمایلات هایدگری می‌دانستم تا هگلی. آنها که از تلامذه علامه طباطبائی و استاد شهید مطهری بودند به طور طبیعی از دیدگاه هگلی فاصله و نسبت به آن تفکری انتقادی داشتند. در روش رئالیسم به نحو مفصل و مبسوط مسئله دیالکتیک مطرح شده و منطق دیالکتیکی از دیدگاه منطق صوری ارسطویی مورد انتقاد جدی قرار گرفته است. ناگفته نماند این انتقادها مبتنی بر مبانی منطق صوری است و از درک اندیشه دیالکتیک انضمامی فرورمانده است. در روش رئالیسم دیالکتیک هگل را طرح انتقادی می‌کند تا در کار نقد مبانی ماتریالیسم مارکسیستی از نتایج این انتقاد استفاده شود. روش رئالیسم که همچون کتاب مدرسی در اوایل انقلاب برای کادرهای انقلابی در نهادها تدریس می‌شد همچون اوراقی مقدس و بری از ریب و شوب تلقی می‌شد. حال آنکه از همان آغاز، در ترجیح و انتخاب عنوان و نام کتاب یعنی «روش رئالیسم»، کتابی که با انگیزه معرفی فلسفه و جهان‌بینی اسلامی تألیف شده است، پرسش جدی است. واقع‌گرایی یعنی چه و چرا فلسفه اسلامی با قید واقع‌گرایی توصیف می‌شود. آیا امر واقع همچون وجود اصالت دارد و واقع همان وجود است؟! آن زمان هیچکس را یارای سخنی در مقابله با شاگردان شهید مطهری که این کتاب را اینجا و آنجا به عنوان یگانه منبع درسی فلسفه اسلامی معرفی می‌کردند، نبود. اما علی لاریجانی به‌رغم نسبت مصاهرت، مانند دیگر شاگردان شهید مطهری نبود و نسبت به این کتاب تعصب عامیانه نشان نمی‌داد. دلیل آن روشن است. علی اردشیر لاریجانی فرزند مرحوم آیت‌الله میرزا هاشم لاریجانی از خاندان اهل علم و روحانی و داماد شهید آیت‌الله مطهری بود و همچون اخوان دیگر خود متحلی به روحیه آزادمنشی و حقیقت‌جویی بود و بلکه تحری اندیشه در او متمایزتر بود. در اندیشه فلسفی و عقیدتی تقلید عوامانه جایی ندارد و جای تقلید در احکام شرعی و فروع دین است.

در دوره‌های مدیریتی شهید لاریجانی (به عنوان مثل صدا و سیما یا مجلس)، آیا نشانه‌ای از ترجمان عملی اندیشه فلسفی قابل مشاهده است؟

به‌رغم آگاهی او به فلسفه و مشرب صدرایی اما در مسئله بنیادی اصالت وجود در اندیشه ملاصدرا، او آن را یک دیدگاه در کنار دیدگاه‌های دیگر از فلسفه اشراقی تلقی می‌کرد و نسبت به آن موضع‌گیری یک جانبه نداشت. من و علی مسائل فلسفی را در جای خود می‌خواندیم و مطرح می‌کردیم و فلسفه را در مقام دین نمی‌نشانیدیم.

البته اگر دین هدایت است فلسفه ضلالت نبود و این دو را در برابر هم نمی‌نشانیدیم و اگر هم تقابل بود کسب دانش فلسفه یک ضرورت است که لن تعرفوا الهدی حتی تعرفوا الضلالة.

می‌توان گفت اندیشه فلسفی وی ریشه در سنت ملاصدرا دارد یا بیشتر متأثر از عقلانیت مدرن و فلسفه تحلیلی است؟

درباره حیات و مرام و دیدگاه سیاسی مرحوم مغفور شهید علی لاریجانی سخن زیاد است به اجمال چند کلمه‌ای عرض می‌کنم.

ایشان از سعه‌صدر و وسعت بینش سیاسی و اجتماعی بهره‌مند بود. در مقابله با حریفان سیاسی بی‌محایا عمل نمی‌کرد و مراعات حدود و شئون بیش از رقیبان می‌دانست. آقای لاریجانی رحمت‌الله‌علیه نه یک آتوریتان بود نه یک لیبرال. او یک مرد ملی بود با کنشی بر ساخته از سنت‌های معقول و موجه سیاسی. مؤمن سنتی بود و برخلاف حدود الهی و موازین عمل نمی‌کرد. معذالک این امکان هم وجود داشت که رقیب او نیز از مؤمنان و مخلصان در راه اسلام و انقلاب اسلامی باشند. هر طرف بر شاکله خویش عمل می‌کرد قل کل یعمل علی شاکلته پس



حسین انتظامی نوشت

مادر گیتی به این زودی‌ها چو او فرزندی نمی‌زاید

۲- در خانواده‌ای علمی بزرگ شده بود. آقازاده بود. داماد ایدئولوگ انقلاب اسلامی بود. یعنی نشان از دو سو داشت آن نیک‌پی. باور کنید بزرگ‌زادگی، خیلی مهم است. آدمی از طفولیت در لیگ دیگری قرار می‌گیرد و سطح علائق و دغدغه‌هایش فرق می‌کند.

۳- هوشی سرشار داشت. کیست که او را از نزدیک دیده باشد و به هوش او معترف نباشد؟

۴- تجربیات «متنوع» مدیریتی او را هیچ کدام از مدیران جمهوری اسلامی نداشته‌اند. از جمله: معاونت وزارت سپاه؛ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که در دوره ۱۵ ساله خود بعضی از گره‌های بسته (از جمله ویدیو و ممنوعیت سینماگران قدیمی) را باز کرد؛ دوازده سال مدیریت سازمان صداوسیما که در آن دوره، پوست‌اندازی و گسترش کمی و کیفی رخ داد؛ دبیری شورای عالی امنیت ملی در دوره‌ای پر تنش و ریاست مجلس با رکورد ۳ دوره‌ای در تاریخ پارلمانی یکصد ساله.

۵- مدیری تحول‌گرا بود. هر جا حضور داشته بین قبل و بعدش، تفاوتی آشکار دیده می‌شود. در ریاضیات، به این حالت که مسیر منحنی عوض می‌شود و جریان را به دو بخش قبل و بعد خود تقسیم می‌کند نقطه عطف می‌گویند. شورای نگهبان، ملت و ایران را محروم کرد که او را مصداق «مدیر و مدیر» ندانست اما یک‌جین آدم را که حتی نصف او سابقه و کارنامه نداشتند مدیر و مدیر تشخیص داد.

لاریجانی شباهت زیادی به شهید مظلوم انقلاب داشت. قدیمی‌ترها به خاطر دارند شهید بهشتی آماج تهمت‌های زیادی بود و صرفاً پس از شهادتش بسیاری از آنانی که او را مورد لعن قرار می‌دادند یا در مقابل افتراها سکوت رضایت‌مندانه داشتند ارزش او را فهمیدند و در دل متنبه شدند و بعضاً به زبان هم توبه کردند. منافقین به درستی متوجه شده بودند که بهشتی سر سلسله خط امام است. مجلس خبرگان قانون اساسی (مؤسسان) را با اقتدار و ادب مدیریت کرده، کارآمد است، نگاه راهبردی دارد و چهره‌ی محوری و به تعبیری بزرگ‌تر جمعی اثرگذار (آقایان خامنه‌ای، هاشمی، باهنر و دیگران) است. شعار «بهشتی بهشتی، طالقانی را تو کشتی» را ساختند. او را بورژوا خواندند. اما تمرکزش به هم نریخت و حتی یک بار هم نزد امام راحل (ره) نق نزد چون با خدا معامله کرده بود. من بسیاری از مقامات عالی‌رتبه نظام را از نزدیک درک کرده‌ام. به جرات می‌گویم فاصله لاریجانی با سایرین، زیاد بود. زیرا:

۱- یک نخبه واقعی بود. تحصیل در بهترین دانشگاه‌ها را در کارنامه داشت. بسیاری از کسانی که امروز به آنان «آقای دکتر، آقای دکترا» می‌پندند، مدارک خود را با سازکار خاصی گرفته‌اند و شاید بعضی از آنان حتی نتوانند رساله‌های خود را از رو بخوانند! کافی است کارنامه دیپلم‌شان را ببینیم. لاریجانی کتاب‌ها و مقالات علمی‌اش را «خودش» می‌نوشت.

ادا و آرایش و گریم و لباس برند ساخته نشده بود.

۱۸- رجل بود. کسانی که او را با فروغی و احمد قوام و هاشمی رفسنجانی مقایسه کرده‌اند به بیراهه نرفته‌اند.

۱۹- ایران برایش اهمیت داشت. شخصیتی ملی بود. شاید یکی از دلایلی که پس از جفاهای چندباره کنار نکشید همین بود. ما اگر بودیم قهر می‌کردیم و انزوا پیشه می‌ساختیم تا آبرویمان بیش از این نرود. او نه شلوغ کرد چون ایران و نظام را بسیار مهمتر و عزیزتر از خود می‌دانست و نه منفعل شد (باز به همین دلیل) جوابیه‌ای متقن نوشت که به یک مانیفست می‌ماند؛ مانیفستی در دفاع از اصول فراموش‌شده انقلاب، از جمله مردم‌محوری که بازخوانی آن نامه نیاز امروز ماست. کنش‌گری خود را ادامه داد و هر جا ایران به سرباز نیاز داشت، دریغ نکرد چون قهر را کودکانه و خلاف مثنی رجال ملی می‌دانست. مگر در جنگ ۱۲ روزه چه کاره بود که رسالت خود را جهاد تبیین ساخته بود؟

۲۰- در چند سال اخیر دغدغه اصلی و کانون اندیشه‌ورزی و عملگرایی‌اش «توسعه ملی» بود. جلسات متمرکز و کتاب پُر نکته «عقل و سکون در حکمرانی»‌اش گواه این ادعاست.

۲۱- کتابخوان بود. مدیر کتاب‌نخوان را خطرناک می‌دانست. حداقل دو-سه بار پیش آمده بود که خلاصه یک کتاب مهم را به او دادم اما اصل کتاب را مطالبه می‌کرد و چندی بعد می‌فهمیدم با همه مشغله‌اش آن را خوانده است. خود را عقل کل نمی‌دانست. یادگیرنده بود. از صاحب‌نظران و نظریه‌داران می‌خواست او را اصطلاحاً بریف کنند. راز نو بودن همیشگی‌اش در این روحیه یادگیرنده بود.

۲۲- اصطلاحاً مقاومتی بود. اغلب دیپلمات‌های ما متاسفانه به مقاومت، اعتقاد قلبی ندارند و صرفاً در حد انجام وظیفه، عباراتی استاندارد را به زبان می‌رانند. اما او عمیقاً به این موضوع باور داشت و رمز اعتقاد و اعتماد و اتکای شهید سلیمانی و مسئولان عالی‌رتبه حزب‌الله به او در این نکته بود.

۲۳- انقلابی واقعی و مطیع و فدایی رهبری بود. این را کسانی که از نزدیک با او مراد داشته‌اند می‌دانستند. کنش انقلابی‌گری او با سکه رایج (خوارج، کاسب‌کاران و شعارپیشگان) متفاوت بود و رنگی اصیل و به روز داشت.

۲۴- مقبولیتی خاص نزد نیروهای مسلح داشت. شهیدان رشید و باقری -که در زمره نوادر بودند و نبودشان خسارت بزرگی است- چند ماه پیش از جنگ ۱۲ روزه در ملاقات و نامه‌های جداگانه به رهبر شهید انقلاب و ریاست محترم جمهور درخواست انتصاب او به دبیری شورای عالی امنیت ملی را داشتند.

۲۵- درکی عمیق از مبانی دینی داشت و به تعبیری، یک اسلام‌شناس بود و به همین جهت تفاسیر انحرافی، اخباری‌گری، شاذ یا بنیادگرایانه را بلافاصله تشخیص می‌داد و پادزهر لازم را آماده می‌کرد. ریشه خصومت عده‌ای از مرشدان کذایی با او و بسیج پیاده‌نظام در این دقیقه نهفته است.

۲۶- چه در سیاستگذاری و چه در مدیریت فرهنگی-اجتماعی، ذهنی بسته نداشت و اسیر پارادایم‌های منسوخ یا سیاست‌های ناکارآمد نبود و شجاعت‌گذار و پویایی را داشت. معتقد بود نهادها، رهبران و مدیران نباید گروگان مسیر طی‌شده باشند.

۶- در هر مسئولیتش تیم جدید ساخت. به عکس بعضی آقایان که تیم ثابت خود را دارند او کادرساز بود. مدیرانی که زیر دست او تربیت شده‌اند از سرمایه‌های کشورند.

۷- مدیرپرو بود. اعتماد می‌کرد، تفویض می‌کرد و مثل یک مربی حواسش به همه‌چیز بود. کارنامه‌تراشی نمی‌کرد و از این که کار به نام مدیرش تمام شود، بخل و حسادت نداشت. به مدیرانش اعتماد به نفس می‌داد. مدیرپرو بود اما نوچه‌پرور نبود. نوچه‌گی نشانگر دون‌مایگی طرفین است.

۸- روی تیم خود تسلط داشت و اجازه نمی‌داد با خودشیرینی و شیرین‌کاری و شیرین‌عقلی، او را اداره یا نمایندگی کنند.

۹- روحانیان، دانشگاهیان، دانشمندان، نویسندگان، هنرمندان، مدیران حرفه‌ای، سیاسیون و نظامیان هر یک سلوک خود را دارند. او آداب همنشینی با همه این‌ها را بلد بود چون در میان آنان زیسته بود و نیاز به ادا نداشت. کدام مسئول اولاً جرات می‌کند با همه این اقشار بنشیند و ثانیاً آن‌ها او را از جنس خودشان بدانند؟

۱۰- آدم‌های زیادی را دیده‌ام که فقط با یک بار نشست و برخاست با او شیفته‌اش شده‌اند و متوجه شده‌اند بین واقعیت و تبلیغات سهمگینی که علیه او می‌شد فاصله‌ای جدی وجود دارد.

۱۱- اهل گوش دادن بود. در ادبیات مدیریتی، مدیران در دو گونه جا می‌گیرند: رئیس و رهبر. «رئیس» بیشتر حرف می‌زند و «رهبر» بیشتر گوش فرا می‌دهد. رهبران ویژگی دیگری هم دارند: نگاه راهبردی. رهبر مثل رئیس نیست که جزئیات بتواند او را مشغول کند. افق دیدش خیلی جلوتر است.

۱۲- در هر جلسه‌ای می‌درخشید. به دلیل ذهن ساختارمند، نگاه راهبردی، فهم دقیق از نظام دیوانی ایران، تسلط مدیریتی، تجربه ممتد و ارتباطات با لایه‌های مدیریتی نظام، معمولاً حرفش بی‌چون و چرا بر کرسی می‌نشست.

۱۳- دایره واژگان وسیعی داشت و از آن مهمتر قدرت عبارت‌سازی و وارد کردن آن به ادبیات سیاسی را داشت.

۱۴- قدرت اجماع‌سازی داشت که از اصلی‌ترین ویژگی‌های یک سیاستمدار است. در هر جلسه‌ای با دیدگاه‌ها و رویکردهای متنوع حاضران، جمع‌بندی‌های درخشانی داشت.

۱۵- به شدت متدین بود اما از تدین، دکان‌نساخت. توجه به نماز اول وقت، روزه‌داری در ماه‌های رجب و شعبان و بسیاری از ایام خاص، توجه ویژه به ادعیه، روضه، زیارت، تهجد، راهپیمایی‌های اربعین و... اما همگی بدون خودنمایی‌های مرسوم. حتی ولایت‌مداری‌اش هم در همین بافتار معنا می‌یابد. حال که به واسطه خونس این پرده‌ها برای جوانان مومن انقلابی می‌افتد با فطرت پاک خود متوجه می‌شوند که چگونه حسودانی از احساسات آنان سوء استفاده و آنان را در نقش پیاده‌نظام استخدام کرده بودند تا لاریجانی را به عنوان یک آدم غیرمعتقد به مبانی جان‌پندازند.

۱۶- اهل تبلیغات و شوآف نبود. همین ایام، مسئولی را در تشییع شهدا دیدم که حداقل ۳ عکاس و فیلمبردار مشغول تصویربرداری از او بودند؛ از جیب بیت‌المال!

۱۷- زیبا، خوش‌تیپ، شیک و با پرستیژ بود، با صدایی مخملین و سلوکی جذاب. این‌ها ذاتی بود یعنی به ضرب و زور مشاوران و تمرین و



۲۹- در مذاکرات، مبتکر بود. نمی‌گذاشت با عبارات استاندارد و جملات تکراری - که ویژه دیپلمات‌های تک بعدی است- مذاکره به بن‌بست برسد تا هر دفعه مجبور باشیم عبارت نخ‌نمای «مذاکرات سازنده‌ای داشتیم» را به کار ببریم. افق‌گشا بود.

۳۰- شجاع بود. ارسطو در مدل اخلاقی خود، طیف تعریف می‌کند و نقطه اعتدال (وسط) را فضیلت می‌شمارد. مثلاً شجاعت را نقطه اعتدالی دو سر طیف (تهور و جُبْن) می‌شمارد. لاریجانی، نه تهور و بی‌باکی غیرعقلانی داشت و نه ترس که یک سیاست‌پیشه یا سیاستگذار را به دام محافظه‌کاری و بی‌عملی می‌اندازد.

سه چهار روز پیش از یکشنبه سیاه - که آقای احمدی‌نژاد به زعم خود مجلس را متشنج کرد- یکی از نزدیکان ایشان در ترکیبی از اخبار-تهدید به من گفت قرار است دکتر فیلمی از برادر آقای لاریجانی را افشا کند. همانجا پاسخ دادم با شناختی که از ایشان دارم از این تهدید جا نمی‌خورد و تغییری در دستور جلسه (استیضاح وزیر کار) نمی‌دهد. موضوع را به ایشان منتقل کردم؛ موضع را تایید کرد و دیدیم که معامله نکرد.

۳۱- خوش‌محضر بود. بعضی‌ها به ضرب دلقک‌بازی تلاش می‌کنند خوش‌محضر بنمایند اما او با وقار بود.

۳۲- بی‌تکلف، بی‌تبخت و نسبت به ظواهر، بی‌اعتنا بود. بزرگانی را دیده‌ام که تعداد محافظ و نوع خودرو و پس رو و پیش رو و پاپویون و تشریفات و این که محل نشستن‌شان کجا باشد بسیار حساس‌اند و حتی به تحریک اطرافیان، قهر می‌کنند. او از این دغدغه‌ها خنده‌اش می‌گرفت.

۲۷- کینه‌توز نبود. این ویژگی آدم‌های بزرگ و خودساخته و البته لازمه سیاست‌ورزی است. دربادل و بخشنده بود. آخرین پرده‌اش این بود: امثال ما وصیت می‌کردیم در تشییع جنازه‌مان آنهایی که به ما جفا کرده‌اند شرکت نکنند. تازه از فاطمه زهرا (س) هم کد می‌آوردیم. اما او چنین نکرد.

۲۸- در گرماگرم انتخابات ۱۴۰۰ قرار مصاحبه با مجله آگاهی نو داشت. شب قبلش متوجه شدیم که رد صلاحیت شده است. پیشنهاد شد قرار مصاحبه را لغو کنیم اما اجازه نداد. گفت وعده داده‌ایم و نباید بدعهدی کنیم. این جزئیات را مصداق حق‌الناس می‌دانست. در زمان مصاحبه هنوز خبر منتشر نشده بود و مصاحبه‌کنندگان نمی‌دانستند. او با تسلط و تمرکز، بحث «حقوق طبیعی» را مطرح کرد. زاویه دیدی بدیع که بیشتر در ادبیات سیاسی کشور نبود. آن مصاحبه، خواندنی است. ضمناً نس این که یک سیاستمدار آمادگی داشته باشد با یک رسانه اندیشه، مصاحبه غیرمکتوب بکند نشانگر خیلی چیزهاست.

عصر هم کلاس داشت. می‌دانستیم برای هر کلاس (به عکس سایر مسئولان با اعتماد به نفس بالا!) چند ساعت مطالعه می‌کند. این را هم مصداق حق‌الناس می‌دانست (به همین دلیل وقتی مسئولیت داشت معمولاً کلاس نمی‌گرفت) بلافاصله رفت تا به مطالعه برسد. من اگر بودم با شنیدن دومین بار رد صلاحیت، تمام اعصابم قفل می‌کرد؛ نه حوصله مصاحبه داشتم و نه امکان مطالعه و تدریس. مصداق این فرمایش مولایش بود که «ای کمیل، دلها به ظرف می‌مانند. بهترین آنها پرگنجایش‌ترین آنهاست»

۳۶- پُرکار بود. همین روزهای اخیر که باید مرتباً جای خود را عوض می‌کرد روزی ۶-۵ جلسه داشت. حفظ جان و تدابیر حفاظتی را که می‌تواند پوششی برای ترسوها باشد بهانه‌ای برای زمین‌گیری نمی‌دانست. جالب اینجاست از این پرکاری خود، افسانه و اسطوره نساخته بود و اجازه نمی‌داد تبلیغ شود.

۳۷- بن بست‌شکن و مسئله حل‌کن بود. این ویژگی مدیران راهبردی است. مدیران اجرایی، مدیران پروژه‌اند. کاری تعریف شده را به خوبی در می‌آورند. البته از این مدیران هم متاسفانه کم داریم. سطح بالاتر، راهبردی و از آن بالاتر، مسئله حل‌کنی است. موسی خیابانی نفر دوم سازمان مجاهدین خلق [منافقین] در پاییز ۱۳۶۰ و چند ماه پس از آغاز فاز نظامی در نواری که برای خانه‌های تیمی پر کرده بود گفت «خودتان را دست‌کم نگیرید. شما در این چند ماه، مسئله حل‌کن‌های خمینی را زده‌اید» و متاسفانه درست می‌گفت. یک بهشتی برای اثبات این حرف، کافی بود. بیشتر هم فرقان، گزیده‌زنی کرده بود و چهره‌های مسئله حل‌کن را از دایره تدبیر نظام حذف کرده بود، از جمله شهید مطهری را.

۳۸- عاقل بود. عقل گوهری است که به قول امیرالمؤمنین «آن که عقل ندارد، چه دارد؟ و آن که عقل دارد، چه ندارد؟» عقل ضمناً اصلی‌ترین ویژگی حاکمان باید باشد. وقتی پیشرفت‌های ملل را تبارشناسی می‌کنیم حداقل رُء یک حاکم عاقل و مدبر را می‌بینیم. لاریجانی، عقل سرد داشت؛ انتقادی، کل‌نگر، باطمینان، بی‌هیاهو، دارای اراده و توانا.

۳۹- با همه این استعدادها و سوابق و ویژگی‌ها خودشیفته نبود. فروتنی‌اش، تصنعی نبود.

این یادداشت با دو شباهت دیگر لاریجانی با بهشتی مظلوم، پایان‌بندی می‌شود:

۱- می‌گویند خدا در دو وقت خنده‌اش می‌گیرد. یکی آن زمان که اراده کرده است فردی را زمین بزند اما خلاق جمع شده‌اند تا او را بالا ببرند. و دیگر آن زمان که او اراده کرده فردی را عزیز کند اما خلاق همت گمارده‌اند او را زمین بزنند. بهشتی و لاریجانی مصداق «تعز من تشاء و تدل من تشاء» اند. یک ناموس دیگر جهان خلقت هم این است؛ این عزیز کرده‌های خدا مهرشان بد جور در دل‌ها می‌نشیند؛ چه بسا پس از مرگ‌شان.

۲- پس از شهادت آن دردانه شعار دادیم «آمریکا در چه فکریه؟ ایران پر از بهشتیه» این برای پاسخ به دشمنان و کوردلان تروریست، لازم بود اما در دل می‌دانستیم یا بعدها فهمیدیم که مادر گیتی به این زودی‌ها چو او فرزندی نمی‌زاید. لاریجانی هم به این زودی‌ها تکرار نمی‌شود.

۳۳- مورد وثوق رهبر شهید بود. با همه شیپنت‌ها و خباثت‌هایی که خالص‌سازان و حسودان در حق او کردند اما همچنان این رابطه و اعتماد و تاثیرگذاری ادامه داشت. رهبر شهید انقلاب در دوره ۳۷ ساله رهبری خود شخصاً در مراسم تودیع کدام مسئول شرکت کرده‌اند؟ این ملاطفت‌ها طبیعی بود که حسادت برانگیز باشد.

مجری یکی از مراسم، مرتب و خطاب به لاریجانی می‌گفت «این عاقبت به خیری، ثمره ولایت‌مداری توست» این درست ولی کاش یکبار می‌گفت «آقای لاریجانی، ما را حلال کن. ما خیلی به تو جفا کردیم، در زبان و رسانه‌های مان و یا در قضاوت‌ها در دل خود». عبارت عاقبت به خیری، اگر چه عبارتی کلی و آرزوی همه است بعضاً به غلط بودن همه یا بخشی از زندگی دلالت دارد، شبیه جناب حوّ. اما لاریجانی هیچگاه زندگی غلطی نداشته است. چنان القائی می‌تواند نوعی رندی باشد. یعنی ما اگر در سال‌های گذشته به تو فحش می‌دادیم و به سویت مَهر پرتاب می‌کردیم حق داشتیم چون در آن زمان آدمی منحرف بودی.

۳۴- می‌گویند تُعرف الاشیاء باضدادها. به عکس برخی مسئولان به‌هیچوجه در عمر مدیریت خود (از دهه ۶۰ تاکنون) از منزل سازمانی استفاده نکرد. به‌هیچوجه جز حقوق دانشگاه نگرفت و به کلاه شرعی‌های رایج مثل حق مسئولیت و حق جلسه و... تن نداد. به عکس برخی مسئولان مطلقاً اجازه دخالت به فرزندان و دامادها نداد (و ما ادریک مالمادام؟! همکاران نزدیک دکتر، فرزندان او را سالی یکی دوبار آن هم در روضه سالانه و امثالهم می‌دیدند. یعنی اجازه نداد پدیده آقا زادگی و دامادبازی، حول او شکل بگیرد تا نقش پست‌فروشی و کارچاق‌کنی و رانت‌خواری را بازی کنند؛ پدیده‌ای که سرمایه اجتماعی را بشدت تضعیف و تخریب کرد و از عوامل نارضایی و اعتراضات مردم و یکی از پایه‌های پندار فساد سیستمی شده است.

البته آقا مرتضی فرزند ارشدش تنها در ۶-۵ ماه اخیر، یکسره همراه پدر بود که عمدتاً نقش رسول پیام‌های خاص را بازی می‌کرد. مرتضای عزیز که همراه پدر، شهید شد و پیشتر، کار علمی می‌کرد دکترای مکانیک از دانشگاه صنعتی شریف داشت و هر سه مقطع را در این دانشگاه گذرانده بود؛ دانشگاهی که بر خلاف اکثر دانشگاه‌های کشور مثل کیف وارونه نیست که خارج شدن از آن راحت باشد یعنی باید واقعا درس خواند و اصولاً نمی‌توان به امور جانبی پرداخت! پسر دیگرش محمدرضا پس از فارغ‌التحصیلی از همین دانشگاه، ساکن قم شد، درس حوزوی را ادامه داد و ملبس شد.

علی‌آقا به حقیقت نامش نزدیک شده بود و از مولایش علی‌الگو برداشته بود که با مخالفانش به سبک خودشان رفتار نمی‌کرد. وقتی می‌گفتند که منزلش در آجودانیه است فقط اشاره به تمول اجدادی می‌کرد و نمی‌گفت مرادهای زاهدنمای شما چرا رایگان در خانه‌باغ‌های مصادره‌ای زندگی می‌کنند؟ چنین هجمه‌هایی او را تحریک نمی‌کرد. اصولاً درگیر حرف‌های بی‌ارزش نمی‌شد. سطح دغدغه‌هایش متفاوت بود و ارتفاع داشت.

۳۵- ساده‌زیست بود و فرزندان‌ش نیز چنین تربیتی داشتند. خوراک و پوشاک‌شان حداکثر مساوی متوسط مردم بود. اهل مهمانی‌های اشرافی نبود و تذکر مولایش به حاکم بصره را آویزه گوش قرار داده بود که این سبک زندگی از جیب شخصی، نشانه اسراف و از محل بیت‌المال، نشانه خیانت است. زندگی اشرافی مسئولان را عامل ناامیدی و بی‌اعتمادی مردم و به تبع آن، سقوط سرمایه اجتماعی می‌دانست. کاش همه مسئولان کشور، به‌ویژه آنها که ریاکارانه، تصویری دیگر از خود ساخته‌اند متوجه باشند این رفتار چقدر در ریزش ملی اثر دارد.





روایت منوچهر صدوقی سها از منش و سلوک شهید لاریجانی؛

شخصیتی برآمده از علم، اخلاق و تربیت خانوادگی که جز محبت، احترام و وقار چیزی از ایشان ندیدم

منوچهر صدوقی سها، پژوهشگر و استاد فلسفه و عرفان اسلامی، ضمن اظهار تأسف در پی شهادت علی لاریجانی با اشاره به ویژگی‌های اخلاقی او از منش اخلاقی این شهید چنین گفت: من شاید در حوزه‌های دیگر چندان وارد نباشم اما در نسبت و تجربه شخصی خودم با ایشان، چیزی جز محبت توأم با احترام و ادب ندیدم. این را نه فقط من، بلکه دوستان و نزدیکان دیگر ایشان نیز می‌دانند. در معاشرت با ایشان، همواره با شخصیتی مواجه بودم که وقار و احترام، جزئی جدایی‌ناپذیر از منش او بود.

وی در ادامه درباره مؤلفه‌های شخصیتی و فکری شهید لاریجانی و نقش آن در مسیر موفقیت‌های او افزود: ایشان در خاندان روحانی و علمی پرورش یافته بودند و طبیعی است که چنین محیطی در شکل‌گیری و تکوین شخصیت انسان بسیار اثرگذار است. انسان وقتی در فضایی متولد و تربیت می‌شود که علم، اخلاق و تربیت دینی در آن جایگاه رفیعی دارد بی‌تردید این عناصر در تکوین شخصیت او نقش تعیین‌کننده پیدا می‌کند. این شهید بزرگوار به عنوان یک اهل علم ممتاز در فن خود یعنی همان فلسفه شمرده می‌شد که این نتیجه زحمات و شرایط تکوینی ایشان بود.

او با تأکید بر اهمیت مجاهدت علمی گفت: علاوه بر شرایط خانوادگی، عامل مهم‌تر، زحمت و کوشش فردی است. علم بی‌تلاش و بدون آنکه انسان تمام وجود خود را وقف آن کند، چیزی به آدمی نمی‌بخشد. به تعبیر یکی از بزرگان اگر کسی همه همت خود را معطوف علم نکند علم نیز بهره‌چندانی از خود به او نخواهد داد. این قاعده در مراتب اخلاقی و انسانی نیز صادق است؛ یعنی محیط، علاقه، عشق و زحمت همگی در کنار هم معنا پیدا می‌کنند.

این استاد فلسفه درباره آشنایی خود با شهید لاریجانی نیز بیان کرد: آشنایی ما به دوران حضور ایشان در دانشگاه صنعتی شریف بازمی‌گردد. البته زمینه اصلی آشنایی‌مان بیشتر مباحث علمی و فلسفی بود. ایشان در حوزه فلسفه و اندیشه، ذهنی جدی و دغدغه‌مند داشتند و در این عرصه نیز تأثیرگذار بودند.

منوچهر صدوقی سها در پایان با اشاره به فقدان شهید لاریجانی گفت: در شرایط فعلی، جز ابراز تأسف و تأثر عمیق سخنی ندارم. حقیقتاً از صمیم قلب این ضایعه را تسلیت عرض می‌کنم. فقدان چنین شخصیتی، مایه اندوه است و من بسیار متأسفم.

علی اردشیر بن بست نداشت!

فردای یکشنبه سیاه مجلس، من پانزده شانزده ساله تازه پشت لب سبز شده، کنترل دستم گرفته بودم و از این شبکه به آن شبکه می‌رفتم و می‌آمدم، تا به خیال خام خودم از اخبار طبق معمول مبهم صداوسیما ته‌وتوی قصه را در بیاورم.

عصر که بابا از سرکار آمد صوت کامل جلسه مجلس را روی گوشی نوکیای این هفتادودوی ماندگارش دیدم. یکی از همکارها برایش بلوتوث کرده بود. نشستم کامل گوش دادم.

یک جمله‌اش یک روزنه نور بود بین این همه سیاهی. یک جمله که آن موقع مرا گرفت و هنوز رهانکرده و از آن همه بگومگو و بگم‌بگم فقط همان را یادم مانده. احمدی‌نژاد یک جای صحبت خطاب به لاریجانی می‌گفت کشور را به بن بست رسانده‌اید.

لاریجانی بعد از نطق احمدی‌نژاد یکی یکی پاسخ ادعاهای او را داد و آن جمله...

آن جمله این بود: گفتید کشور را به بن بست رسانده‌اید؛ کشوری که ولایت فقیه دارد بن بست ندارد.

راز شهادت علی اردشیر قصه انقلاب، بن بست نداشتنش بود و راز بن بست نداشتنش اعتقادش به ولی.

خیلی‌ها در این مملکت یک "تو" شنیدند و از راه به در شدند؛ رفتند و پشت سرشان را نگاه نکردند.

اما علی اردشیر...

روزنه کوچک عاقبت‌بخیری را آخر کوچه‌ای که برای خیلی‌ها بن بست است پیدا کرد.

روزنه‌ای که برای رد شدن از آن باید خودش را کوچک می‌کرد. باید بعد از دوبار رد صلاحیت، پست بیست سال پیشش را این بار در دولتی معمولی با رئیس جمهوری چند پله از خودش پائین‌تر می‌پذیرفت. و پذیرفت و کوچک شد و روزنه را پیدا کرد و از روزنه رد شد و حالا داغش بزرگترین داغ بعد از بزرگترین داغ است.

علی اردشیر بن بست نداشت چون ولایت داشت.

لاریجانی حسنه‌ای از حسنات خامنه‌ای است.

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

محمد مروستی‌زاده



بنده خدا چگونه فهم می‌شود؟



است که سرعت، سادگی و قابلیت انتشار، به عناصر تعیین‌کننده در شکل‌گیری روایت‌ها تبدیل شده‌اند.

در چنین وضعیتی، آن‌که روایت نمی‌سازد، به تدریج به روایت دیگران تبدیل می‌شود و این توصیفی از منطق رسانه در زمانه ماست. لاریجانی، به عنوان سیاستمداری که در سال‌های حضورش، کمتر به حضور مستمر در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی گرایش داشت نمونه‌ای قابل توجه از این وضعیت است. این فاصله که می‌توان آن را نوعی «اقتصاد بیان» نامید در زمان کنش به او امکان تمرکز بر فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌داد؛ اما در مرحله روایت به ایجاد خلأیی انجامید که اکنون توسط منابع مختلف از رسانه‌های رسمی تا تحلیل‌های فردی پر می‌شود.

برای روشن‌تر شدن این فرآیند، می‌توان به چند نمونه عینی اشاره کرد. نحوه بازخوانی نقش لاریجانی در بررسی توافق هسته‌ای در مجلس یکی از مهم‌ترین آن‌هاست؛ در برخی روایت‌ها، او مدیری است که با هدایت روند بررسی، از تبدیل یک موضوع پیچیده به بحران جلوگیری کرد؛ در خوانشی دیگر، همان فرآیند به‌گونه‌ای توصیف می‌شود که گویی به سطح تقابل و گفت‌وگوی تندتر محدود شده است. آنچه این دو روایت را از هم جدا می‌کند اختلاف در اصل رخداد نیست؛ این تفاوت در اولویت‌بندی است که چنین نقشی را ایفا می‌کند و منظور ثبات در برابر تقابل یا مدیریت در برابر نمایندگی است.

نمونه‌ای دیگر را می‌توان در تجربه او در مدیریت رسانه ملی دید. در برخی تحلیل‌ها، این دوره به عنوان مرحله‌ای از شناخت عمیق سازوکار روایت تفسیر می‌شود؛ در حالی که در خوانش‌های دیگر، تاکید بر این است که او در مقام سیاستمدار از همین ابزار برای ساختن تصویر شخصی خود کمتر بهره برد. این دو خوانش در کنار هم تصویری پیچیده‌تر از نسبت او با رسانه ارائه می‌دهند؛ تصویری که تنها در جمع این روایت‌ها قابل فهم است.

از این منظر روایت‌ها را می‌توان به مثابه «نقشه‌های فهم» در نظر گرفت؛ نقشه‌هایی که هر یک، مسیر خاصی برای خواندن یک واقعیت پیشنهاد می‌دهند. در مورد لاریجانی، این نقشه‌ها نه در تقابل مطلق بلکه در کنار یکدیگر قرار دارند و مجموعه‌ای از مسیرهای ممکن برای فهم او را شکل می‌دهند.

در این میان، نقش زمان نیز تعیین‌کننده است. روایت‌ها در لحظه شکل می‌گیرند اما در گذر زمان پالایش می‌شوند. آنچه در ابتدا به صورت واکنش‌های پراکنده بیان می‌شود به تدریج در قالب تحلیل‌های منسجم‌تر و روایت‌های پایدارتر تثبیت می‌شود. این فرآیند به‌ویژه در مورد چهره‌هایی که کارنامه‌ای چندوجهی دارند به زمان بیشتری نیاز دارد چراکه هر لایه از کنش آن‌ها، نیازمند بازخوانی جداگانه است.

نکته مهم دیگر نسبت میان «متن» و «حاشیه» در روایت‌سازی است. در بسیاری از موارد، آنچه به حاشیه تلقی می‌شود نحوه سخن گفتن، شیوه مدیریت جلسات، یا حتی میزان حضور در رسانه در مرحله روایت، به بخشی از متن تبدیل می‌شود. برای لاریجانی همین عناصر به‌ظاهر حاشیه‌ای، اکنون در فهم کلی از او نقش ایفا می‌کنند. سکوت‌های انتخابی، فاصله‌گذاری از هیجان‌های رسانه‌ای و تمرکز بر فرآیندهای درونی تصمیم‌گیری همگی به نشانه‌هایی بدل شده‌اند که در کنار کنش‌های رسمی، تصویر او را شکل می‌دهند.

در نهایت، آنچه از لاریجانی باقی ماند نه یک روایت نهایی بلکه شبکه‌ای از خوانش‌هاست؛ شبکه‌ای که در آن، هر روایت، بخشی از حقیقت را حمل می‌کند بی‌آن‌که تمام آن باشد. اما شاید بتوان یک گام فراتر رفت و این وضعیت را نه فقط به عنوان یک ویژگی فردی بلکه به عنوان نشانه‌ای از تحولی گسترده‌تر در سیاست معاصر فهم کرد تحولی که در آن، مرز میان «بودن» و «روایت شدن» به تدریج محو می‌شود. در چنین جهانی، سیاستمداران تنها با کنش‌هایشان تعریف نمی‌شوند؛ آن‌ها به متونی تبدیل می‌شوند که خواننده، تفسیر و بازنویسی می‌شوند. برخی از این متن‌ها با یک خوانش بسته می‌شوند؛ اما برخی دیگر که لاریجانی از این دسته است همچنان گشوده می‌مانند.

برخی چهره‌ها را می‌توان در چارچوب کنش‌هایشان شناخت و برخی دیگر را باید در مسیری دید که پس از کنش آغاز می‌شود. شهید علی لاریجانی از دسته دوم است؛ چهره‌ای که اکنون بیش از آن‌که در جایگاه‌های رسمی فهم شود، در فرآیند «روایت شدن» معنا پیدا می‌کند؛ فرآیندی که نه یک‌دست، نه شتاب‌زده و نه الزاماً قابل تقلیل به داورهای ساده است.

هر جامعه‌ای برای فهم خود به روایت نیاز دارد و هر روایت برای شکل‌گیری به چهره‌هایی احتیاج دارد که بتوانند حامل معنا باشند. در این میان سیاستمداران، به‌ویژه آن‌هایی که در سطوح بالای تصمیم‌گیری حضور داشته‌اند به تدریج از فاعل سیاسی به سوژه روایی تبدیل می‌شوند. این تبدیل، ناگهانی، نتیجه فقدان یا فاصله از قدرت نیست؛ محصول یک جابه‌جایی آرام از میدان عمل به میدان معناست جایی که رخدادها صرفاً «اتفاق» نیستند و در این مرحله «خوانده» می‌شوند.

آنچه در این جابه‌جایی اهمیت پیدا می‌کند فقط خود تصمیم‌ها نیست نحوه به‌یادآوردن آن‌هاست. حافظه جمعی برخلاف تصور رایج، یک مخزن خنثی نیست؛ بلکه ساختاری انتخاب‌گر است که برخی عناصر را برجسته و برخی دیگر را کم‌رنگ می‌کند. از همین روست که یک کنش سیاسی در زمان وقوع خود معنایی دارد و در زمان بازگویی، معنایی دیگر می‌یابد.

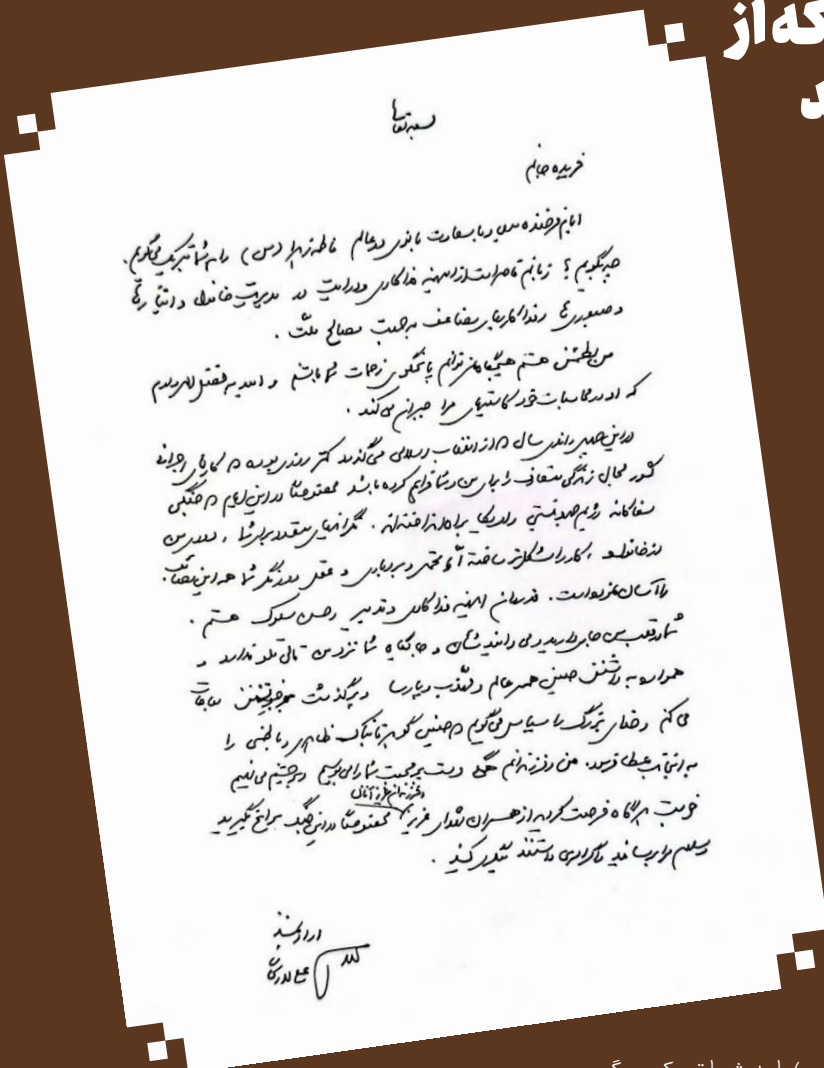
برای نمونه اگر به نحوه بازنمایی نقش لاریجانی در فرآیندهای تصمیم‌گیری کلان از مدیریت در مجلس تا مواجهه با موضوعات حساس سیاست خارجی نگاه کنیم با طیفی از روایت‌ها روبه‌رو می‌شویم که هر یک بر جنبه‌ای خاص تاکید دارند. در یک روایت، او سیاستمداری است که با تکیه بر عقلانیت و سنجش، تلاش کرده هزینه‌های تصمیم‌گیری را کاهش دهد. در روایتی دیگر، همان احتیاط به عنوان نشانه‌ای از فاصله‌گذاری از لحظه تصمیم تفسیر می‌شود. این تفاوت‌ها، بیش از آن‌که ناشی از اختلاف در داده‌ها باشد حاصل تفاوت در افق تفسیر است. روایت، در این صورت به معنای بازتاب واقعیت نیست و نوعی «چیدمان معنا» تعبیر می‌شود.

همان رخداد، بسته به این‌که در چه چارچوبی قرار گیرد معنایی متفاوت پیدا می‌کند. برای مثال، نحوه اداره جلسات پرتنش مجلس توسط لاریجانی را می‌توان به عنوان «کنترل فضا» یا «مدیریت تعارض» توصیف کرد؛ یا آن را در قالب «کاهش تنش به قیمت محدود شدن تقابل» خواند. هر دو توصیف، از یک واقعیت برمی‌آیند اما به دو افق معنایی متفاوت می‌رسند.

این‌جا نقطه‌ای است که مفهوم «قدرت روایت» خود را نشان می‌دهد. در فضای رسانه‌ای معاصر، روایت‌ها دیگر در حاشیه سیاست شکل نمی‌گیرند؛ آن‌ها به بخشی از خود سیاست تبدیل شده‌اند. روایت، صرفاً گزارش‌کننده واقعیت نیست، بلکه تعیین می‌کند چه چیزی اصلاً به عنوان واقعیت دیده شود. به همین دلیل

سوگنامه <

دستخطی عاشقانه که از مهر و احترام می گوید



«از علی لاریجانی
به همسر، فریده جانم»

ایام فرخنده میلاد با سعادت بانوی دو عالم، فاطمه زهرا(س) را به شما تبریک می گویم. چه بگویم؟ زبانم قاصر است از این همه فداکاری و درایت در مدیریت خانواده و ایثارها و صبوری‌ها و فداکاری‌های مضاعف به جهت مصالح ملت. من مطمئن هستم هیچگاه نمی‌توانم پاسخگوی زحمات شما باشم و امید به فضل الهی دارم که او در محاسبات خود کاستی‌های مرا جبران می‌کند. در این چهل و اندی سالی که از انقلاب اسلامی می‌گذرد کمتر روزی بوده که کارهای اجرایی کشور مجاز زندگی متعارف را برای من و شما فراهم کرده باشد. مخصوصاً در این ایام که جنگی سفاکانه رژیم صهیونیستی و آمریکا به راه انداخته‌اند. نگرانی‌هایی متعدد برای شما، دوری من از خانواده، کارها را مشکل‌تر ساخته اما تحمل، بردباری و عقل دورنگر شما همه این مصائب را آسان نموده است. قدردان این همه فداکاری و تدبیر و حسن سلوک هستم. شما در قلب من جا دارید و می‌دانید شان و جایگاه شما نزد من تالی تلو ندارد و همواره به داشتن چنین همسر عالم و مہذب و پارسا و پر گذشت بر خویشتن مباحات می‌کنم. خدای بزرگ را سپاس می‌گویم که چنین گوهر تابناک ظاهری و باطنی را به این جانب عطا فرمود. من و فرزندانم همگی دست پر محبت شما را می‌بوسیم و بر چشم می‌نهم. خوبست هرگاه فرصت کردید از همسران شهدای عزیز و فرزندان عزیز آنان مخصوصاً در این جنگ سراغ بگیرید و سلام من را برسانید و اگر امری داشتند پیگیری کنید.

ارادتمند
علی لاریجانی»

سیدعلی

برادر عزیز عباس دبیاج

با سلام از هزاره استقبال تریس ما را در همه امور خاصه تکمیل مافکس خوانندم
اندیدم از غیرت کسب و راضی باشید. این همه سزایا تقصیر پیرانند آرزو
صاحبان که قدر متاداره ما کار ساز واقع شد و قسم قدر گرفتیم (عمر نام خوش
را در کفایت ملاحظه کنی در آن دیار بگذردم. لایحه رسیدن خدمت همه از اسرار اجلا
مشکله داشت که بحول قدره اکثر از این معرکه هستم در راه عموار شده است.
از طرفی کار خود کتری را مقبول ندادم در فکر می کنم اگر خدا بخواهد و ما نمی توانیم
نیاید تا ماه و ماه دیگر پایان برسد. حال بمن دلم تمامه صلاح می دانم
آیا پذیرش برادر دوره دکتری خود را گرفتن کار صحیحی است و باروشن ساختن
دیگر موجود است. در این خصوص با توجه به شرایط دانشگاهها آن دیار صایه
تکلیف دارد بر این اتمام بنویسید ^{ملاحظه} است که بتوان در کلاسها درس
دادن و امر شرکت نمود در ضمن بر این فکر که سلطه زمان ندیم برضی سزایا مکتبی
دائره تدوین کنیم. البته تا بدین سطح نرسیده که در آنجا خاص در آنجا تکمیل
پیرانیم. در این خصوص اظهار نظر می توانیم.

در ضمن از آنجا که بر این تکمیل در آنجا لازست از وزارت علوم بپرسیم
فائده ای است پذیرش از دانشگاه دانسته باشیم اگر صلاح دید در ایشان
مترجمی نبود از چند دانشگاه امریکا (Application) بپرسیم تا بتوانیم
از آنجا جهت نماز بار نمودم بزرگتری کنیم. در وضع آرزوی که بتوانیم

کار کنیم ایمان برسد ^{بزرگتری کنیم}
شماره ۳۱۲۱۸
در امانت
۱۳۸۴

بسم الله

دوست گران صاحب آبی در کتب لاریجانی
سه م علیکم . ولما جبر علی سکن در حکم
کتاب شاه را از دست راست در شفا قرآن
برای داوری ترانه منب زت و نه آن با
بطال لدرم از با سب لدر الفنت در سب
پیش نهادن این است که مطابقت فصل اول
درها هفت با فصل حقوق کتاب لیسار در بودگی
بر علی و علامه طباطبائی سنده مطهر نیست و لیسار
توزن آن برای الهی کلیت مصدر
ضروری است . برای یاد آوری خاطر لاریجانی
بپوش و لیسار آن فهم کن علی اول
تظیر علم بر اذنت با شکر که سب
اصلاح شد .

نامه سید موسی دیباج به شهید علی لاریجانی

مرثیه‌ای برای یک نام <



سروده سیده فاطمه موسوی در رثای شهید دکتر علی لاریجانی

شور شهادتت به نهایت رسیده بود

مظلوم زیستی و بهار از دلت شکفت
نطق تو ایدئولوژی انقلاب بود
صبح و ستاره شور سخنرانی تو داشت
یک شهر با تو همسفر آفتاب بود

باران مسافر کلمات و صدای تو
آئینه، شاعر کلمات و صدای تو
دریا به خاطر کلمات و صدای تو
طوفان شد و دل توبه پاکی آب بود...

از کودکی دلت به ولایت رسیده بود
شوق ولایتت به شهادت رسیده بود
شور شهادتت به نهایت رسیده بود
راهی که عاشقانه ترین انتخاب بود

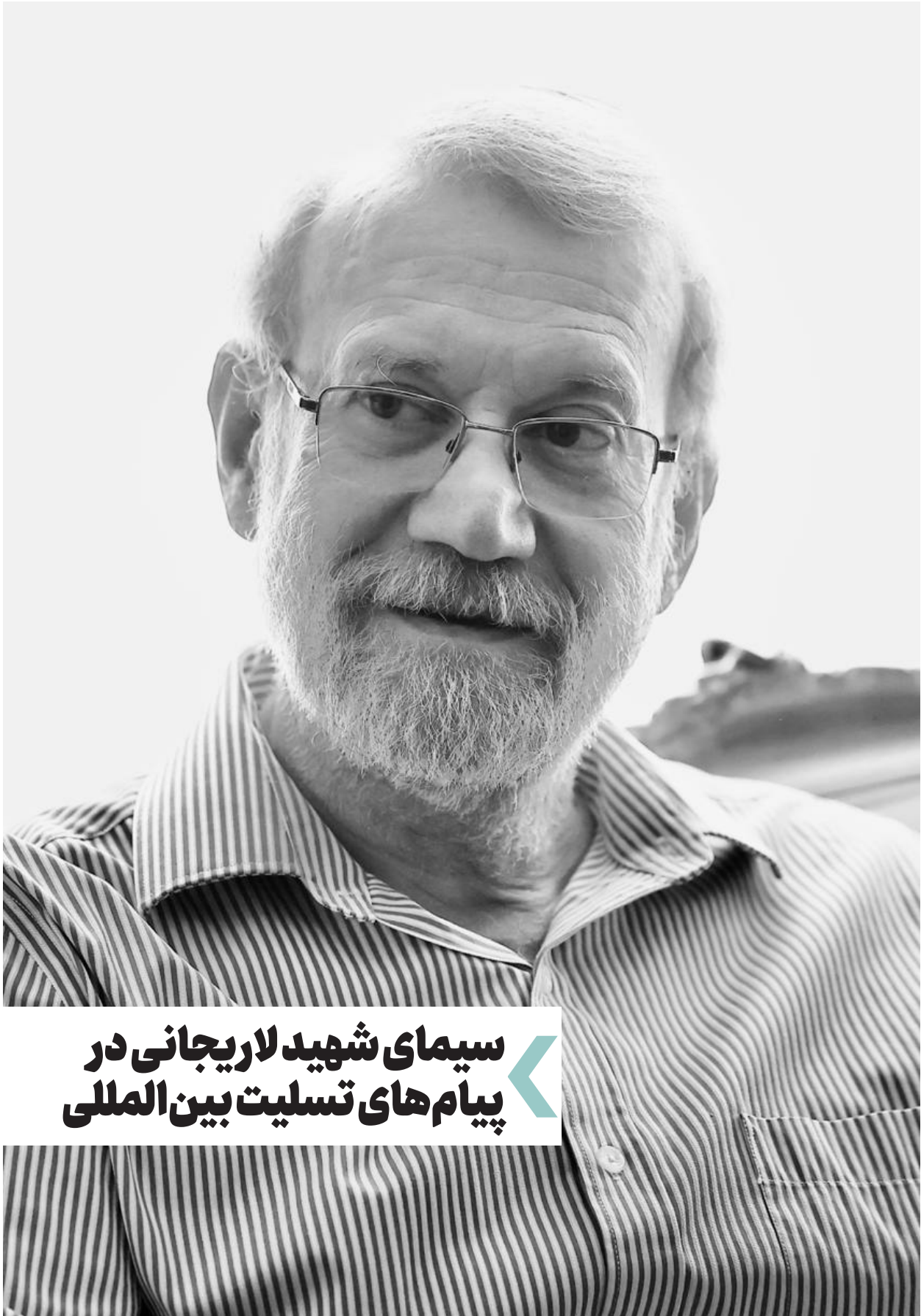
روح مطهری به دلت از تبار عشق
قلبت شهید پاکی و خونت نثار عشق
دستور نطق مجلس قانون گذار عشق!
خورشید در بیان تو فصل الخطاب بود...

گفتی رها نمی‌کنی و دشمنت شنید
هم سرفراز مردم هم میهنت شنید
از چشم‌های مشرقی روشنت شنید
پیغام تو خلاصه‌ی این انقلاب بود...



شعر محمد رسولی، شاعر برای شهید علی لاریجانی همزمان با چهلمین روز شهادت ایشان اوره‌رویی صادق برای رهبرش بود

در بیت‌هایم مصرعی بارانی افتاد
ناگاه جانم یاد لاریجانی افتاد
او کیست؟ او وارسته‌ای اندیشمند است
از نام «لاریجانی» ایران سربلند است
او کیست؟ مردی بود از نسل دلیران
اسطوره‌ای جاوید در تاریخ ایران
تاریخ خواهد گفت از نامش مرامش
از اقتدار آشکار در کلامش
او واژه واژه نام میهن را برانگیخت
تیغ زبانش، خشم دشمن را برانگیخت
تاریخ از او می‌نویسد با صلابت
او که گذشت از زخمش‌هایش با نجابت
جایی برای گفتن از درد نگذاشت
باری به دوش انقلاب این مرد نگذاشت
در این جهان، خوش زیست و خوش عاقبت بود
این مرد جمع عزت و عقلانیت بود
مردم! مردم شهید ما به قول خود عمل کرد
تابوت او را پرچم ایران بغل کرد
دلدادگان را سرنوشتی غیر از این نیست
معلوم بود او هم دگر بند زمین نیست
در آتش شوق شهادت سوخت این مرد
رسم وفاداری به ما آموخت این مرد
او رفت و حق پاکبازی را ادا کرد
روح بزرگش محبس تن را رها کرد
دل در تمنای وصال دلبری داشت
این ماه‌ها، حال و هوای دیگری داشت
آری هوای پر کشیدن در سرش بود
او زهرویی صادق برای رهبرش بود
آن رهبری که هر نفس را بندگی کرد
یک عمر با شوق شهادت زندگی کرد
از بنده خوب خدا باید بگویم
یک بیت هم از «مرتضی» باید بگویم
او جلوه نورانیت در سادگی بود
تصویر کمپایی از آفازادگی بود
پرهیزکاری آفتابی روشنش کرد
رخت شهادت را قوار برتنش کرد
این مرد را مردان دوران می‌شناسند
آری شهیدان را شهیدان می‌شناسند



سیمای شهید لاریجانی در پیام‌های تسلیت بین‌المللی

به تاریخ ۲۷ اسفند ۱۴۰۴ علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، در جریان حملات هوایی دولت تروریستی آمریکا و رژیم صهیونیستی به تهران به شهادت رسید. این رویداد در ادامه حملات هدفمند علیه مقامات ارشد ایران رخ داد و ضایعه‌ای سنگین برای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به همراه آورد و بازتاب‌هایی در سطح منطقه و جهان به همراه داشت.

علی لاریجانی، چهره‌ای برجسته در عرصه سیاسی و امنیتی ایران بود و طی پنج دهه خدمت، مسئولیت‌های حساسی از جمله ریاست مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹)، دبیری شورای عالی امنیت ملی و نمایندگی رهبری در این شورا را بر عهده داشت. او در سال‌های اخیر به‌عنوان «ستون سیاست ایران» و «نماد خرد و اعتدال» شناخته می‌شد و نقشی کلیدی در هماهنگی بین نهادهای مختلف کشور و اتخاذ تصمیمات راهبردی در شرایط گوناگون ایفا می‌کرد. بسیاری از تحلیلگران بین‌المللی پس از شهادت وی اذعان کردند که لاریجانی از جمله چهره‌هایی بود که می‌توانست میان عرصه‌های نظامی و دیپلماتیک ارتباط برقرار کند و توانایی ایجاد اجماع میان جریان‌های مختلف فکری در ایران را داشت.

در جریان این حادثه علاوه بر علی لاریجانی، فرزندش مرتضی لاریجانی و جمعی از یاران و محافظان وی نیز به شهادت رسیدند. این واقعه با واکنش‌ها و پیام‌های تسلیت گسترده‌ای از سوی کشورهای و نهادهای مختلف بین‌المللی همراه شد. مقامات و نهادهایی از روسیه، پاکستان، ترکیه، کشورهای محور مقاومت و شخصیت‌های سیاسی جهان، با صدور پیام‌هایی این حادثه را تسلیت گفتند و با ملت ایران ابراز همدردی کردند. این گزارش به مرور مهم‌ترین پیام‌های تسلیت بین‌المللی به مناسبت این رویداد می‌پردازد.

لاریجانی؛ سیاستمداری خردمند و دوراندیش

ولادیمیر پوتین؛ رئیس‌جمهور روسیه، در پیامی به آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر انقلاب، شهادت علی لاریجانی را تسلیت گفت. وی در این پیام چنین نوشت: «مراتب عمیق‌ترین تسلیت خود را به مناسبت شهادت علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، بپذیرید.»

وی افزود: «من افتخار دیدارهای متعددی با این دولتمرد و سیاستمدار خردمند و دوراندیش را داشتم که با اراده و صلابت از منافع ملت خود دفاع می‌کرد. یاد خوش او به‌عنوان دوست واقعی کشورمان که گام‌های مهمی در جهت توسعه روابط راهبردی جامع بین مسکو و تهران برداشت، در قلب‌های ما باقی خواهد ماند.»

پوتین در این پیام همچنین تأکید کرد که علی لاریجانی همواره برای تقویت روابط ایران و روسیه و پیشبرد اهداف مشترک دو کشور تلاش می‌کرد. رئیس‌جمهور روسیه این ضایعه را خسارتی بزرگ برای ایران و منطقه دانست و بر ضرورت تداوم همکاری با ایران تأکید کرد.



نقش مثبت لاریجانی در گسترش روابط بین ایران و پاکستان

آصف علی زرداری؛ رئیس‌جمهور پاکستان نیز طی پیامی اندوه عمیق خود را نسبت به ترور علی اردشیر لاریجانی؛ دولتمرد ارشد ایران، در میان حملات مداوم رژیم صهیونیستی به ایران ابراز کرد و تسلیت صمیمانه خود را به دولت و مردم جمهوری اسلامی ایران تقدیم داشت. بر اساس بیانیه‌ای که دفتر رسانه‌ای ریاست جمهوری پاکستان منتشر کرد، رئیس‌جمهور نوشته بود که تشدید تنش‌های جاری منجر به تلفات انسانی و خسارت‌های زیرساختی شده و پیامدهای جدی اقتصادی و بی‌ثباتی را در سراسر منطقه ایجاد می‌کند.

آصف علی زرداری همچنین به آخرین سفر رسمی لاریجانی به پاکستان اشاره کرد که در آن دیدار، دو طرف درباره راه‌های تعمیق همکاری‌های دوجانبه در حوزه‌های متعدد گفت‌وگو کرده بودند. او همچنین به نقش لاریجانی در تقویت حرکت مثبت روابط پاکستان و ایران اشاره کرده بود.

همواره از منافع ایران دفاع می‌کرد

ویاچسلاو ولودین؛ رئیس دوما دولتی (مجلس سفلی پارلمان روسیه)، تسلیت خود را به مردم ایران به مناسبت ترور علی لاریجانی ابراز داشت.

طبق بیانیه‌ای که توسط دوما روسیه منتشر شد، ولودین عمیق‌ترین تسلیت خود را به محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، به مناسبت شهادت لاریجانی در نتیجه حمله هوایی رژیم صهیونیستی به تهران، ابلاغ کرد.

ولودین تأکید کرد که لاریجانی همواره از منافع ایران دفاع و محافظت و برای استقلال کشور مبارزه می‌کرد. او حق ملت خود برای توسعه مستقل فریاد می‌زد.

وی همچنین نقش لاریجانی در تحکیم مشارکت راهبردی جامع روسیه و ایران، همکاری‌های بین‌پارلمانی و دوستی میان دو ملت را ستود.

والنتینا ماتوینکو، رئیس شورای فدراسیون (مجلس سنا) روسیه، نیز به مناسبت درگذشت لاریجانی «در نتیجه تجاوز نظامی مستمر و غیرموجه ائتلاف آمریکا و اسرائیل علیه ایران»، تسلیت خود را ابلاغ کرد.



پیام تسلیت جنبش اسلامی فلسطین (حماس)

(بسم الله الرحمن الرحيم)

ما در جنبش مقاومت اسلامی (حماس) شهادت جناب آقای علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، فرزند و تعدادی از یارانش در نتیجه بمباران خائنانه صهیونیست‌ها و یورش آشکار به تهران، پایتخت ایران را به جمهوری اسلامی ایران، رهبری و مردم تسلیت عرض می‌کنیم. ما همبستگی خود را با جمهوری اسلامی ایران که در معرض تجاوزات صهیونیستی-آمریکایی قرار دارد تجدید می‌کنیم و تأکید می‌کنیم که ادامه این تجاوز جنایتی است که تمام منطقه را هدف قرار داده و امنیت و ثبات آن را تهدید می‌کند و دولت آمریکا و دولت اشغالگر فاشیست مسئولیت عواقب خطرناک آن را بر عهده دارند.

در سوگ جناب آقای علی لاریجانی و همه شهدای تجاوز و وحشیانه صهیونیستی-آمریکایی قیام کردند، با کمال قدردانی از مواضع شریف ایشان در حمایت از آرمان فلسطین و حقوق مشروع ملت‌مان یاد کنیم و از خداوند متعال رحمت و واسعه خود را بر ایشان مسئلت کنیم تا خانواده و برادران نیکوکارش را از همه آزار و شکیبایی عطا فرماید.))



لاریجانی؛ رهبر بزرگ جهادی

دفتر سیاسی انصارالله یمن در بیانیه‌ای تسلیتی که به خیرگزاری یمن (سبأ) ارسال کرد، تسلیت خود را به محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران؛ آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، دولت و ملت ایران و تمام مردمان جهان اسلام، به مناسبت شهادت رهبر بزرگ جهادی علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، ابراز داشت.

در این بیانیه آمده است: «این شهید، شرافت شهادت را در یکی از مقدس‌ترین نبردها در جبهه حق، ایمان و آزادی در برابر جبهه کفر و طغیان جهانی که به نمایندگی از سوی آمریکا و اسرائیل قرار دارد، به دست آورد. او به کاروان دیگر فرماندهان شهید در مسیر قدس، در راه خدا و در راه حمایت از مستضعفان، پیوست. او هرگز در حمایت از ایمان و اماکن مقدس و در دفاع از امت، آزادی و عزت آن، سستی نکرد، ضعیف و تسلیم نشد.»

همچنین در این بیانیه تأکید شده است که این خون پاک، سیل خروشان را آزاد خواهد کرد که متجاوزان را درمی‌نوردد و پیروزی و وعده داده شده بر آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌هایی که جنایات و وحشیگری‌هایی را علیه امت اسلامی از غزه تا ایران، لبنان، یمن، عراق، سوریه و دیگر کشورها و مردمان این امت مرتکب شده‌اند، به دست آید؛ جنایت‌هایی که مایه شرمساری بشریت است و نقض آشکار هنجارهای بین‌المللی و انسانی به شمار می‌رود.



حامی استوار مقاومت فلسطین

جنبش جهاد اسلامی فلسطین و جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) نیز هرکدام طی پیام‌هایی جداگانه شهادت علی لاریجانی را تسلیت گفتند.

در بخشی از پیام جنبش جهاد اسلامی فلسطین آمده است: «ما صمیمانه‌ترین تسلیت خود را به برادرانمان در جمهوری اسلامی ایران، اعم از رهبری، دولت و مردم، به مناسبت شهادت دکتر علی لاریجانی که در پی هدف‌گیری صهیونیستی کینه‌توز و ناجوانمردانه پایتخت ایران (تهران) به شهادت رسید، ابراز می‌داریم. ما شهید لاریجانی را به عنوان مدافعی مخلص برای فلسطین و حامی استوار برای ملت و مقاومت ما، در همه مجامع و با تمامی وسایل و راه‌ها، شناخته‌ایم.» همچنین در بخشی از پیام جنبش حماس به مناسبت این رویداد تروریستی نیز آمده است: «ما در جنبش مقاومت اسلامی (حماس)، صمیمانه‌ترین تسلیت و همدردی خود را به جمهوری اسلامی ایران، رهبری و مردم، به مناسبت شهادت دکتر علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران و پسرش و تعدادی از همراهانش، در پی یک حمله هوایی ناجوانمردانه صهیونیستی و تجاوز آشکار به تهران ابراز می‌داریم.»

همچنین در این بیانیه آمده است: «ما همبستگی خود را با جمهوری اسلامی ایران که مورد تجاوز صهیونیستی-آمریکایی قرار گرفته، تجدید کرده و تأکید می‌کنیم که ادامه این تجاوز، جنایتی است که تمام منطقه را هدف قرار داده و امنیت و ثبات آن را تهدید می‌کند و دولت آمریکا و دولت اشغالگر فاشیست مسئولیت پیامدهای خطرناک آن را بر عهده دارند. همان‌گونه که شهادت علی لاریجانی و همه شهدایی را که در جریان تجاوز و وحشیانه صهیونیستی-آمریکایی به شهادت رسیدند، تسلیت می‌گوییم، با همه احترام مواضع شریف او را در حمایت از قضیه فلسطین و حقوق مشروع ملت ما یادآور می‌شویم. از خداوند متعال می‌خواهیم که او را در رحمت و واسعه خود جای دهد و به خانواده و برادرانش صبر نیکو و پاداش حسنه عنایت فرماید و ملت برادر ایران را از هر بدی و گزند محفظ بدارد.»

میراث مکتوب <

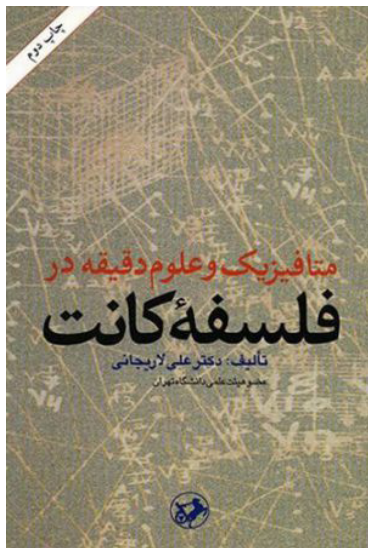


علی لاریجانی؛ فیلسوف کانتی در میدان سیاست ایران

در میان چهره‌های بلند پایه نظام جمهوری اسلامی ایران، علی اردشیر لاریجانی همواره چهره‌ای متفاوت بود. هرچند که شهرتش به دلیل قرار داشتن در فهرست مقامات ارشد سیاسی و نظامی ایران بود، اما میان غربی‌ها بویژه متفکران معاصر به عنوان فیلسوفی کانتی شناخته می‌شد. لاریجانی که دکترای فلسفه از دانشگاه تهران داشت و تخصصش فلسفه ایمانوئل کانت بود، توجه رسانه‌های غربی را به خود جلب کرده بود. این توجه فارغ از نقش او به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی و یکی از قدرتمندترین کارگزاران سیاسی ایران بود و بسیاری از رسانه‌ها بر جنبه فلسفی و آکادمیک شخصیت لاریجانی نیز انگشت گذاشته بودند. رژیم صهیونیستی با این حمله، چهره‌ای اندیشمند و فیلسوف را از ایران گرفت.

کتاب اول: روش ریاضی در فلسفه کانت

این کتاب به بررسی نقش و جایگاه روش‌های ریاضی در نظام فلسفی ایمانوئل کانت می‌پردازد. لاریجانی در این اثر نشان می‌دهد که چگونه کانت از ریاضیات به عنوان الگویی برای معرفت‌شناسی خود بهره برده است. پرسش محوری کتاب این است که آیا ساختار قضایای ریاضی می‌تواند الگویی برای فهم ساختار قضایای متافیزیکی باشد. لاریجانی با تکیه بر پیشینه کارشناسی خود در رشته ریاضی از دانشگاه صنعتی شریف، به صورتی تخصصی نسبت میان ریاضیات و معرفت‌شناسی کانتی را واکاوی می‌کند. او در این کتاب استدلال می‌کند که روش ریاضی در فلسفه کانت نقشی بنیادین در شکل‌گیری نظام فلسفی او ایفا می‌کند. این اثر نشان می‌دهد که چگونه کانت با الهام از ریاضیات، توانست مرزهای جدیدی در فلسفه متافیزیکی ترسیم کند و راهی برای خروج از بن‌بست‌های فلسفه قبل از خود بیابد. لاریجانی در این کتاب به دقت نشان می‌دهد که قضایای ریاضی از سنخ «احکام ترکیبی پیشین» هستند و همین ویژگی است که به آنها ضرورت و کلیت می‌بخشد. او سپس این الگو را به حوزه متافیزیک تعمیم می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه کانت کوشید تا متافیزیک را نیز به سمت علمی استوار و برهانی سوق دهد.



کتاب دوم: متافیزیک و علوم دقیقه در فلسفه کانت

در این اثر، لاریجانی به بررسی رابطه میان فلسفه متافیزیکی کانت با علوم دقیق همچون فیزیک و ریاضیات پرداخته است. پرسش اصلی کتاب این است که چگونه می‌توان میان متافیزیک به عنوان فلسفه اولی و علوم تجربی دقیق، نسبتی نظام‌مند برقرار کرد. لاریجانی در این کتاب نشان می‌دهد که کانت معتقد بود مفاهیم متافیزیکی بستر و پیش‌فرض ضروری برای امکان علوم دقیقه به شمار می‌روند. کتاب با بررسی دقیق مفاهیمی چون علیت، جوهر و زمان در فیزیک نیوتنی، نشان می‌دهد که چگونه متافیزیک کانتی چارچوبی فلسفی برای توجیه اعتبار و ضرورت قوانین علوم دقیق فراهم می‌آورد. لاریجانی در این اثر به تحلیل این نکته می‌پردازد که مرز میان متافیزیک و فیزیک در اندیشه کانت کجاست و این دو حوزه چه نسبت سلسله‌مراتبی با یکدیگر دارند. او توضیح می‌دهد که از دیدگاه کانت، علوم دقیق بدون مفاهیم متافیزیکی پیشینی امکان‌پذیر نیستند، زیرا همین مفاهیم هستند که به داده‌های

نگاهی به پیشینه فلسفی لاریجانی از منظر رسانه‌های غربی

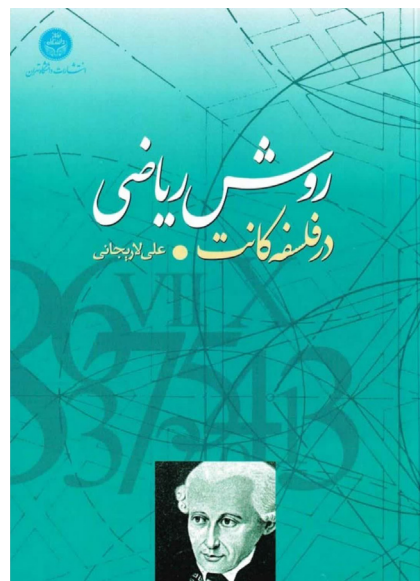
رسانه‌های بین‌المللی متعددی به جنبه فلسفی شخصیت علی لاریجانی پرداخته‌اند. روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی مفصل، لاریجانی را به عنوان چهره‌ای چندبعدی معرفی کرده که تحصیلات دانشگاهی او در فلسفه غرب، وجه تمایزش با دیگر سیاستمداران ایرانی است. این روزنامه به طور خاص بر دکتری فلسفه لاریجانی و تخصص او در اندیشه‌های ایمانوئل کانت تأکید دارد. روزنامه گاردین نیز در یادداشتی، لاریجانی را «چهره‌ای کتابی» در نظام جمهوری اسلامی خوانده و اشاره کرده است که او پیش از ورود به عرصه سیاست، سال‌ها به تدریس و تحقیق در فلسفه غرب اشتغال داشته است. شبکه ان‌بی‌سی نیوز نیز در تحلیلی، لاریجانی را دیپلماتی خونسرد توصیف کرده که برخلاف بسیاری از هم‌تایانش، تسلط عمیق بر فلسفه مدرن غرب دارد.

اسلاوی ژیتک، فیلسوف اسلوانیایی، در مقاله‌ای با عنوان «ایران از هایدگر تا کانت» به سطح بالای بحث‌های روشنفکرانه در حلقه‌های داخلی ایران اشاره کرده و لاریجانی را نمونه بارز این جریان معرفی می‌کند. ژیتک با اشاره به آثار لاریجانی درباره کانت، او را فیلسوفی جدی و صاحب‌اندیشه ارزیابی کرده است.

استیون هیکس، فیلسوف آمریکایی-کانادایی و استاد بازنشسته فلسفه در دانشگاه راکفورد، نیز در وبلاگ شخصی خود به این موضوع پرداخته است. هیکس که از چهره‌های شاخص در دفاع از لیبرالیسم کلاسیک و نقد پست‌مدرنیسم محسوب می‌شود و کتاب «تبیین پست‌مدرنیسم» از اوست، با اشاره به اینکه علی لاریجانی دکترای فلسفه غرب دارد و متخصص ایمانوئل کانت است، نوشته است که لاریجانی رساله دکتری خود را درباره کانت نوشته و پس از آن سه کتاب منتشر کرده است.

آثار مکتوب لاریجانی در فلسفه کانت

آثار لاریجانی حاصل رساله دکتری و سال‌ها تحقیق و تدریس او در دانشگاه تهران هستند:



حسی خام، نظم و معنا می‌بخشند. این کتاب برای پژوهشگرانی که به دنبال فهم نسبت فلسفه با علوم تجربی هستند، منبعی ارزشمند به شمار می‌رود و نشان می‌دهد که چگونه فلسفه کانت توانست برای نخستین بار تعامل میان متافیزیک و علم تجربی را به شکلی نظام‌مند تبیین کند.

Il caso Larijani: Kant in Iran

lunedì 23 marzo 2026

Žižek, la fede pratica e il dovere senza sapere

Il 17 marzo 2026 Ali Larijani, segretario del Consiglio supremo per la sicurezza nazionale dell'Iran, è stato ucciso in un raid aereo israeliano alla periferia di Teheran, insieme al figlio Morteza e a diversi collaboratori. La cronaca ha registrato con una certa sorpresa un dettaglio: Larijani era un filosofo. Dottorato in filosofia occidentale all'Università di Teheran, tre libri su Immanuel Kant dedicati al metodo matematico, alla metafisica e alle scienze esatte, all'intuizione e ai giudizi sintetici a priori. Otto giorni prima della sua morte, il 9 marzo, Slavoj Žižek aveva pubblicato un articolo intitolato Iran from Heidegger to Kant, nel quale Larijani compariva come caso emblematico di una tesi tanto suggestiva quanto discutibile. Žižek parte da una constatazione: "Il circolo interno iraniano mantiene un livello incredibilmente alto di dibattito intellettuale: non sono semplici brutalisti corrotti". Ricostruisce una genealogia filosofica che va dall'heideggerismo islamico di Fardid al dialogo habermasiano di Khatami, fino ad arrivare a Larijani, "che per decenni fu il volto calmo e pragmatico dell'establishment iraniano" e che "negoziò accordi nucleari con l'Occidente". Ma dopo l'assassinio di Khamenei, il 28 febbraio, il tono di Larijani "cambiò irrevocabilmente": apparso in televisione, lanciò un messaggio di fuoco in cui prometteva di "bruciare i cuori" degli americani e dei sionisti. Per Žižek, questa trasformazione ha una radice filosofica precisa: Larijani ha studiato solo "gli aspetti scientifico-cognitivi del pensiero di Kant, non la sua filosofia pratica".

È nella filosofia pratica di Kant che Žižek individua l'antidoto mancante. L'etica kantiana dell'autonomia della volontà, argomenta, "non è un'etica cognitiva", un'etica del riconoscere e seguire la Legge morale che è già data". La critica standard all'imperativo categorico è che esso sia formalmente indeterminato: "La Legge morale non mi dice quale sia il mio dovere; mi dice semplicemente che devo compiere il mio dovere, e così lascia lo spazio aperto a un vuoto volontarismo". Ma per Žižek questa indeterminatezza è il nucleo stesso della libertà: "Non è possibile derivare le norme concrete che devo seguire nella mia situazione specifica dalla Legge morale stessa, il che significa che il soggetto stesso deve assumersi la responsabilità di tradurre l'ingiunzione astratta della Legge morale in una serie di obblighi concreti". L'autonomia kantiana è dunque radicale: "Sono pienamente responsabile non solo di compiere il mio dovere, ma anche di determinare quale sia il mio dovere".

کتاب سوم: شهود و احکام ترکیبی پیشین در فلسفه کانت

این کتاب به دو مفهوم بنیادی و محوری در فلسفه کانت یعنی «شهود» و «احکام ترکیبی پیشین» اختصاص دارد. لاریجانی در این کتاب با زبانی دقیق و تحلیلی نشان می‌دهد که چگونه کانت با تکیه بر این دو مفهوم، راه حلی برای مسئله امکان معرفت در ریاضیات و فیزیک ارائه می‌دهد. پرسش اصلی کتاب این است که احکام ترکیبی پیشین به عنوان احکامی که هم محتوای تجربی دارند و هم کلی و ضروری هستند، چگونه ممکن می‌شوند. لاریجانی در پاسخ به این پرسش، نقش بنیادین «شهود» را در فلسفه کانت به تصویر می‌کشد. او توضیح می‌دهد که شهود در نظام کانتی، واسطه میان مفهوم و مصداق است و امکان تطابق ذهن با جهان خارج را فراهم می‌آورد. این اثر نشان می‌دهد که فلسفه کانت بدون مفهوم شهود، قادر به حل مسئله شناخت نخواهد بود. لاریجانی در این کتاب با بهره‌گیری از مثال‌های متعدد از هندسه و حساب، کارکرد عملی این مفاهیم انتزاعی را به صورتی ملموس توضیح می‌دهد. او همچنین نشان می‌دهد که چگونه کانت با تمایز قائل شدن میان «شهود حسی» و «شهود محض» (زمان و مکان)، توانست معمای احکام ترکیبی پیشین را حل کند و راهی نوین در فلسفه معرفت بگشاید.

علی لاریجانی با پیشینه‌ای شامل کارشناسی ریاضی از دانشگاه صنعتی شریف و دکترای فلسفه از دانشگاه تهران، از معدود چهره‌هایی در خاورمیانه بود که هم در عرصه سیاست واقعی نقش آفرینی می‌کرد و هم در حوزه فلسفه کانت صاحب آثار مکتوب و پژوهشی بود. رژیم صهیونیستی با شهادت او، یک اندیشمند و فیلسوف برجسته را از ایران گرفت.

مقاله لاریجانی؛ کانت در ایران

غایبی در قاب روایت <

دهمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران



یازدهمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران



سیزدهمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران



گزارش آیین بزرگداشت
سیاستمدار حکیم ایران شهید علی لاریجانی
پنجمه ۱۴



بیستمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران



دوم آذر ۱۳۹۲ ختتامیه جایزه ادبی جلال آل احمد

آیین بزرگداشت شهید علی لاریجانی با عنوان سیاستمدار حکیم ایران

قاب‌هایی برای یک خاطره



گزارش آیین بزرگداشت
سیاستمدار حکیم ایران شهید علی لاریجانی

۱۲ بهمن ۱۴۰۲



گزارش آیین بزرگداشت
سیاستمدار حکیم ایران شهید علی لاریجانی

ریدیه ۵۶



گزارش آیین بزرگداشت
سیاستمدار حکیم ایران شهید علی لاریجانی
پنجمه





گزارش آیین بزرگداشت
سیاستمدار حکیم ایران شهید علی لاریجانی
۱۲ بهمنماه



گزارش آیین بزرگداشت
سیاستمدار حکیم ایران شهید علی لاریجانی

ارديبهشت ۱۴۰۵



گزارش آیین بزرگداشت
سیاستمدار حکیم ایران شهید علی لاریجانی

پریوشتم ۱۴



ویدئو: کلیپی از آیین بزرگداشت
شهید علی لاریجانی با عنوان
سیاستمدار حکیم ایران



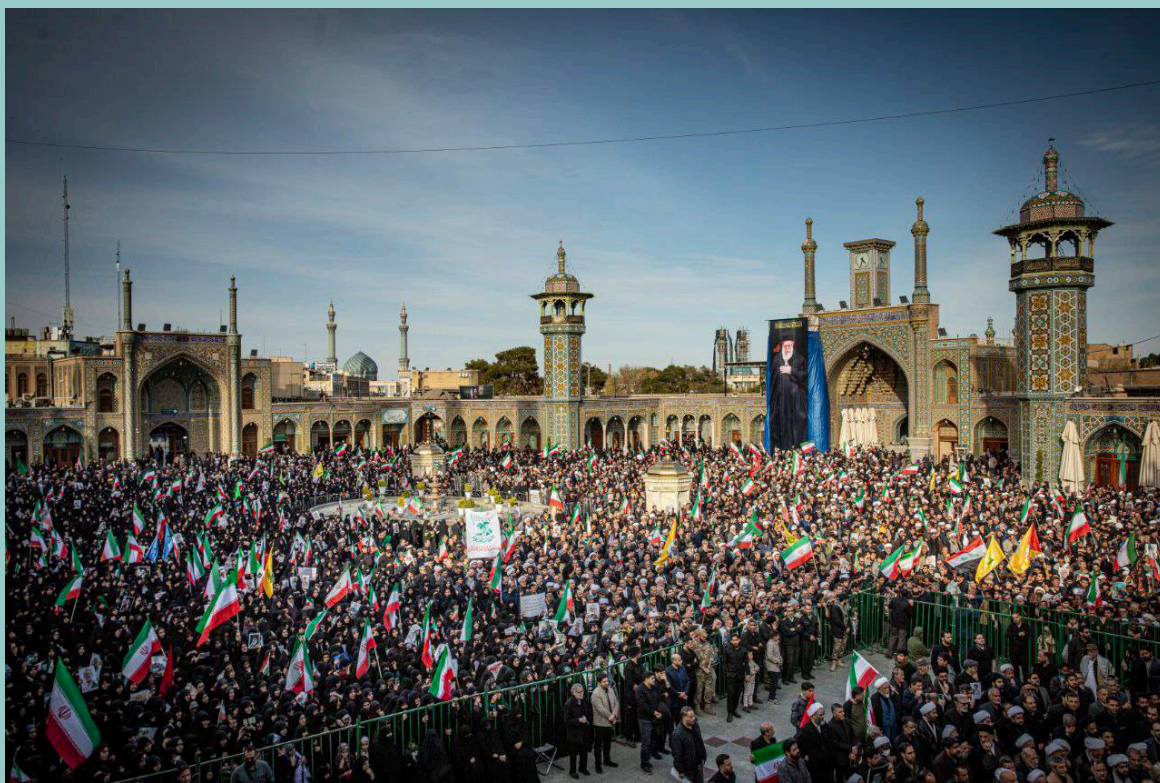
گزارش آیین بزرگداشت
سیاستمدار حکیم ایران شهید علی لاریجانی

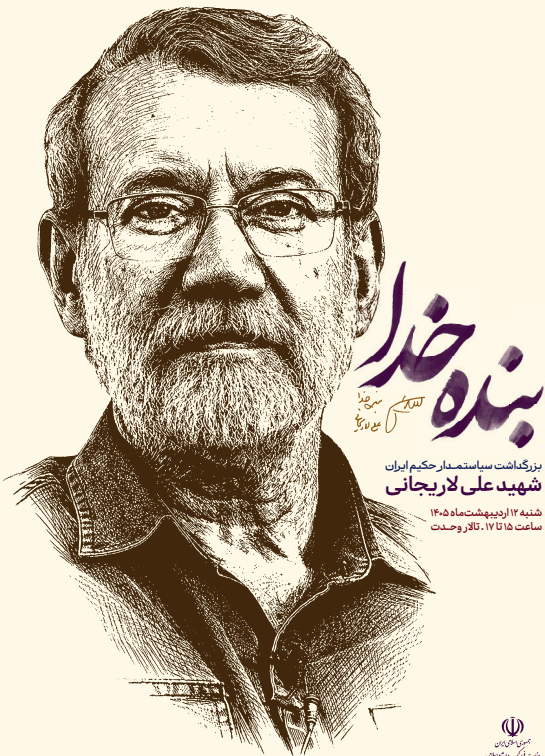
ارژندهشت ۱۴



گزارش آیین بزرگداشت
سیاستمدار حکیم ایران شهید علی لاریجانی

۱۲ بهمنماه





تولیدات مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای آیین بزرگداشت

«بنده خدا، عزیز مردم»

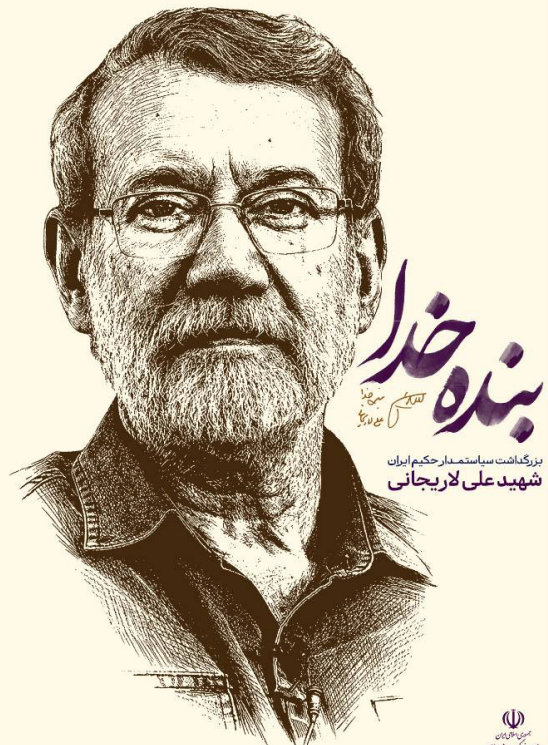
شهادت دکتر علی لاریجانی و فرزند برومندشان به دست دشمن آمریکایی-صهیونیستی داغی سنگین بر دل مردم دلیر ایران نهاد. شخصیتی ارجمند که با هم نشینی اندیشه، فرهنگ، دانش و سیاست چهره‌ای ماندگار از خدمتگزاری صادق و اثرگذار به یادگار گذاشت.

در این روزهای شگفت که نام ایران و ایرانیان با شهادت و شهادت گره خورده است برای بزرگداشت ایشان که خود را «بنده خدا» می‌نامید و شخصیتی ملی و موثر بود، اصحاب فرهنگ، هنر، رسانه و سیاست گرد هم می‌آیند.

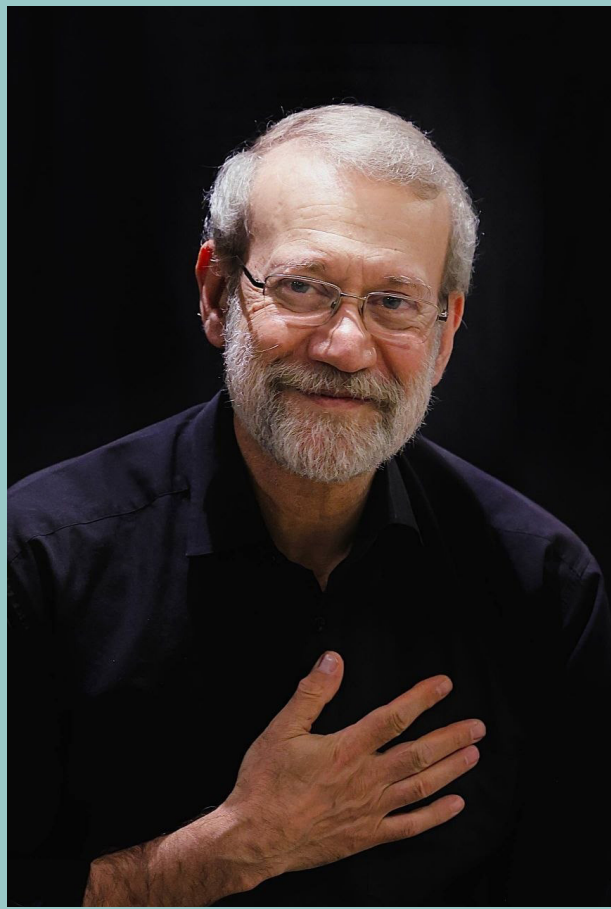
از شما دعوت می‌شود در یادمان ارجمند وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی حضور داشته باشید.

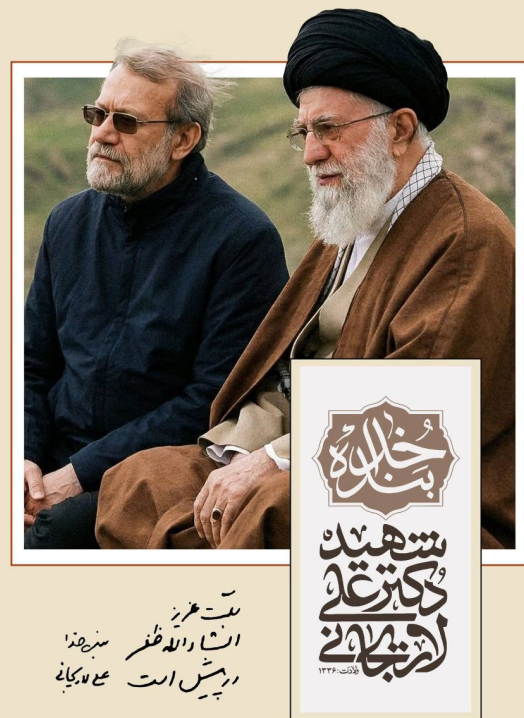
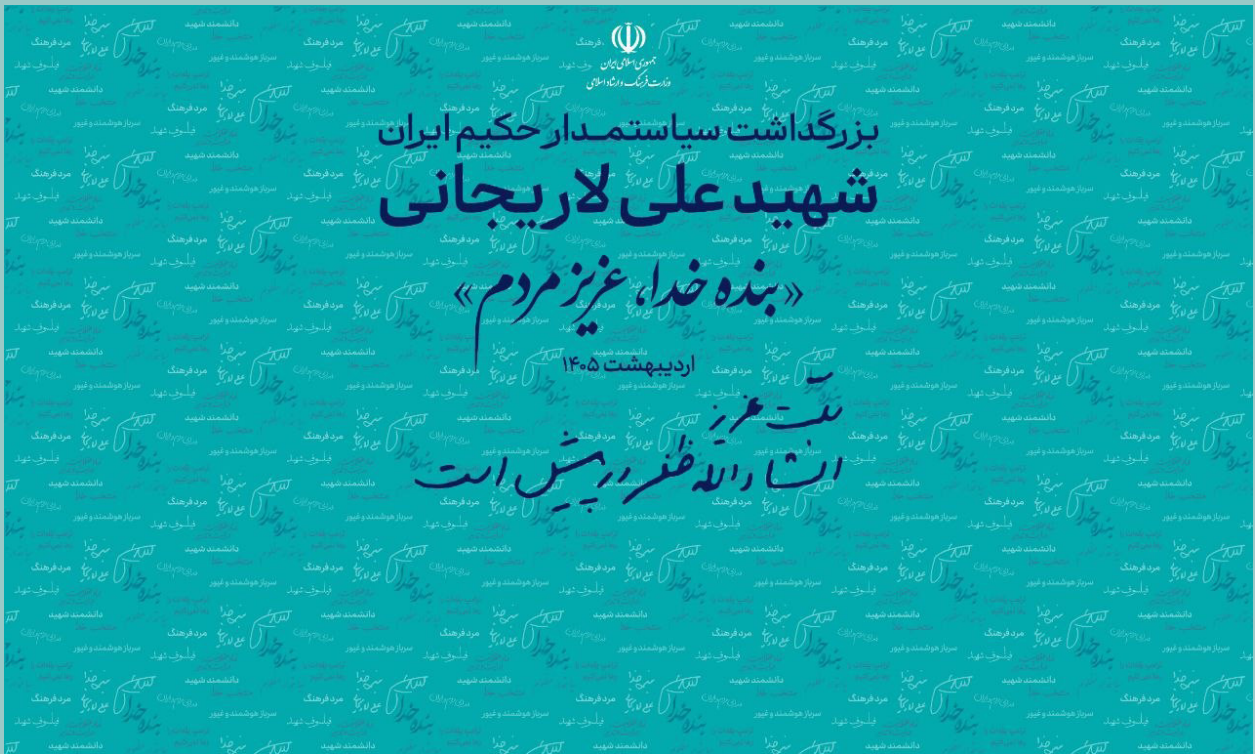
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شنبه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۵
از ساعت ۱۵ تا ۱۷. تالار وحدت



گزارش آیین بزرگداشت
سیاستمدار حکیم ایران شهید علی لاریجانی





گزارش آیین بزرگداشت
سیاستمدار حکیم ایران شهید علی لاریجانی



فردا محنتان را با هم عشق آستان کن
نغمه ترنگ غیر از هم مسقت جان کن
تو خود گشتی در در تیر بستت خانه دایر
سگت قلب من جانا
به عهد عز و دین

سزید
مع و کایه

مراسم آیین شهیدان
بیت هیتان
دکتر علی لاریجانی
شهادت ۱۳۶۶

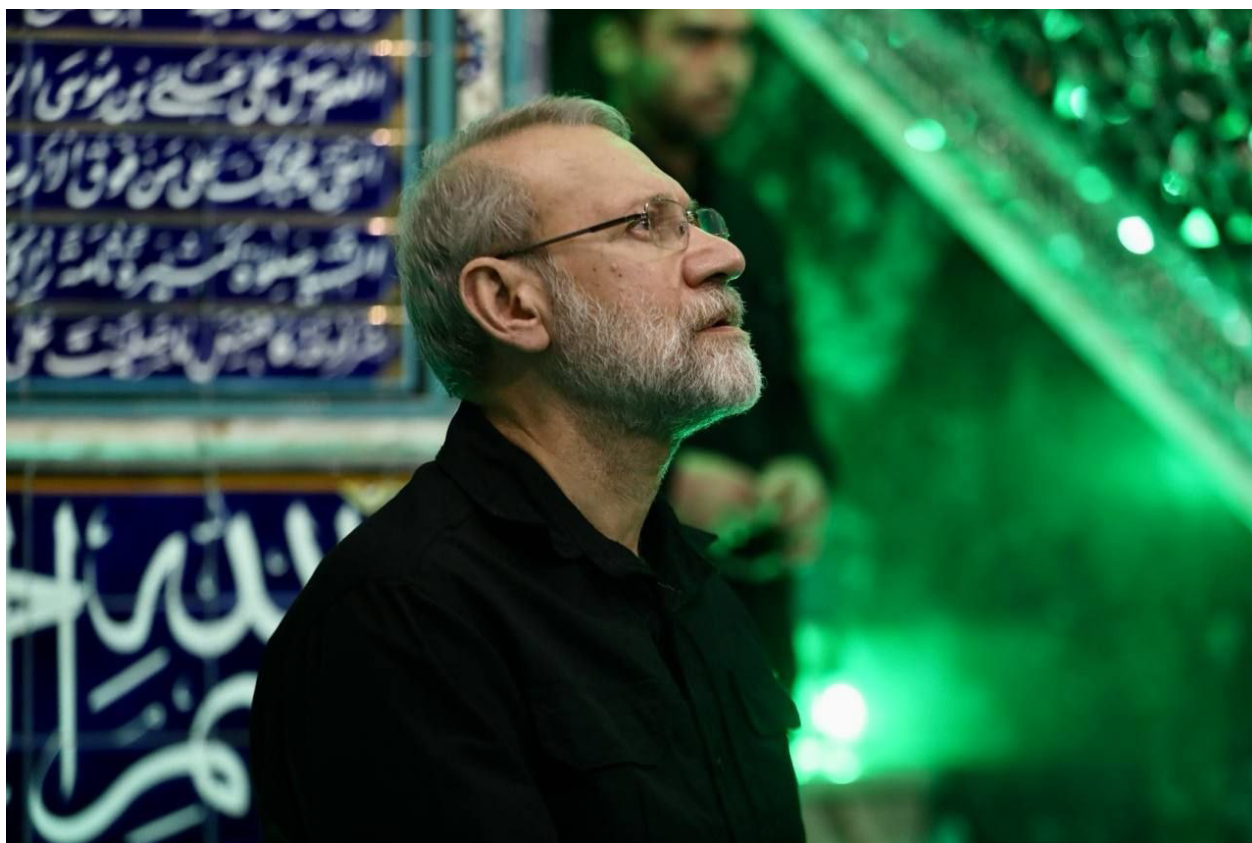
و شهید دکتر مرتضی
حسین با سالگرد شهید مطهری

جمعه ۱۱ اردیبهست،
قم المقدسه، شبستان
امام خمینی (ع)
حضرت فاطمه معصومه،
اراذان مغرب و عشا

بنده خدای
شهید دکتر علی لاریجانی
مشاور رهبر معظم انقلاب اسلامی
و دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

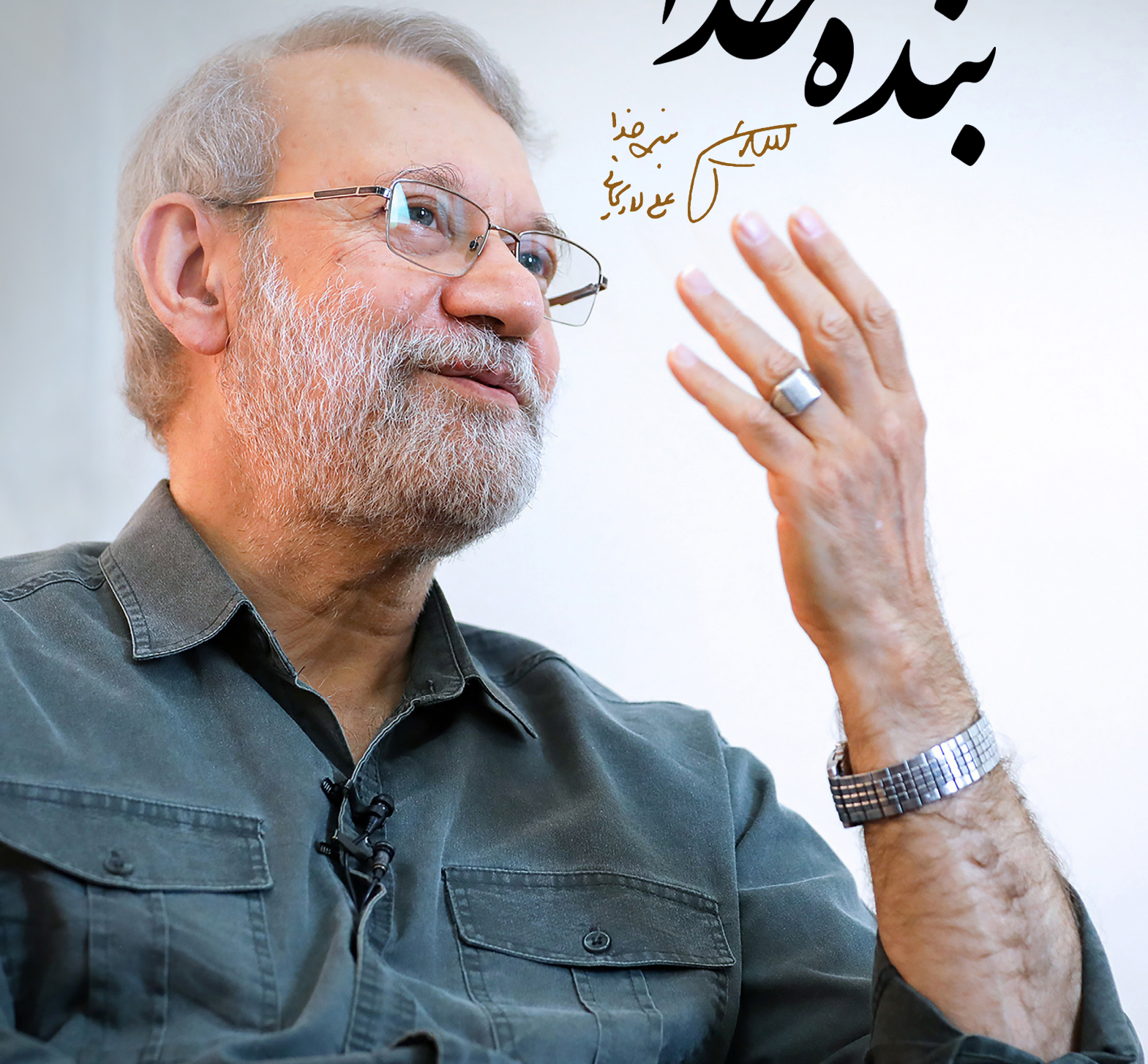
KHAMENEI.IR

گزارش آیین بزرگداشت
سیاستمدار حکیم ایران شهید علی لاریجانی



بنده خدا

سید محمد
علی لاریجانی





وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی